

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل نامه  
سامان بخشی کتاب های  
آموزشی

تابستان ۱۳۸۳

۶  
چواپه



دفتر انتشارات کمک آموزشی

فصل نامه

سامان بخشی کتاب های آموزشی  
وزارت آموزش و پرورش

● تابستان سال ۱۳۸۳

● شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه



◆ دفتر انتشارات کمک آموزشی

◆ مدیرمسئول: علیرضا حاجیان زاده

◆ سردبیران: محمد علی شامانی / سید امیر رون

◆ مدیر داخلی: محمد حسین معتمد راد

◆ ویراستار: بهروز راستانی

◆ مدیر هنری: مهسا قبايي

◆ طراح کاریکاتور های متن: مهدی صادقی

◆ نشانی: خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ وزارت آموزش و پرورش،

پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی تلفن: ۸۳۰۶۰۷۱

پست الکترونیکی: [info@samanketab.com](mailto:info@samanketab.com)

آدرس اینترنتی: [www.samanketab.com](http://www.samanketab.com)

**نشریه آموزشی، تحلیلی و پژوهشی «جوانه»** با هدف اطلاع رسانی، اشاعه یافته های علمی و ایده های نو و تبادل نظر و تجربه بین صاحب نظران در زمینه مباحث مربوط به فرایند تولید کتاب های آموزشی مناسب منتشر می شود تا از این طریق، پدید آورندگان در راستای تحقق هدف های آموزش و پرورش، به صورت مستمر و پویا برغنائی دانش تجربه حرفه ای خود بیفزایند و با به کارگیری بهینه ظرفیت های موجود، کیفیت تولید کتاب های آموزشی را ارتقا بخشند.

### راهنمای تهیه مقاله

از استادان، صاحب نظران و اندیشمندان محترم عرصه کتاب های آموزشی که به منظور همراهی با این فصل نامه، مقاله های خود را برای انتشار در «جوانه» ارسال می دارند تقاضا می شود، نکات زیر را رعایت فرمایند:

- حجم مطالب از ۸ صفحه تایپ شده و ۱۳ صفحه دست نوشته تجاوز نکند.
- مقاله حاوی مقدمه ای کوتاه، سابقه موضوع، نتیجه و جمع بندی موضوع باشد.
- نسخه اصلی مقاله ارسال شود.
- مقاله ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی همراه آن ارسال شود. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید فرمایید.
- مقاله در مجله یا نشریه دیگری به چاپ نرسیده باشد.
- محل قرار دادن جدول ها، نمودارها، شکل ها و عکس ها، در متن مشخص شود.
- «جوانه» در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است و از عودت مقاله ها نیز معذور می باشد.
- آرای مندرج در «جوانه» ضرورتاً مبین رأی و نظر «دبیرخانه سامان بخشی کتاب های آموزشی» نیست. بنابراین، مسؤلیت پاسخگویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.
- اطلاعات کتابداری منابع مورد استفاده برای تدوین مقاله، به ترتیب زیر تنظیم شود:  
**الف) در مورد کتاب ها:** نام نویسنده، نام کتاب یا مقاله، نام مترجم (اگر مقاله یا کتاب ترجمه باشد)، نام ناشر، محل نشر، سال نشر، شماره صفحه.
- ب) در مورد نشریه:** نام نویسنده، نام مقاله، نام مترجم (اگر مقاله ترجمه باشد) نام مجله یا نشریه، شماره مجله، سال نشر، شماره صفحه.
- مقاله را به ضمیمه نام و نام خانوادگی نگارنده یا مترجم، درجه علمی یا سمت، آدرس محل کار یا سکونت و شماره تلفن، به آدرس: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی، فصل نامه «جوانه» ارسال فرمایید.

کتابک اَبْلَغُ مَا يَنْطِقُ عَنْكَ  
امام علی(ع)

نوشته تو، رساترین چیزی است که از جانب  
تو سخن می گوید.

(غررالحکم)

## فهرست

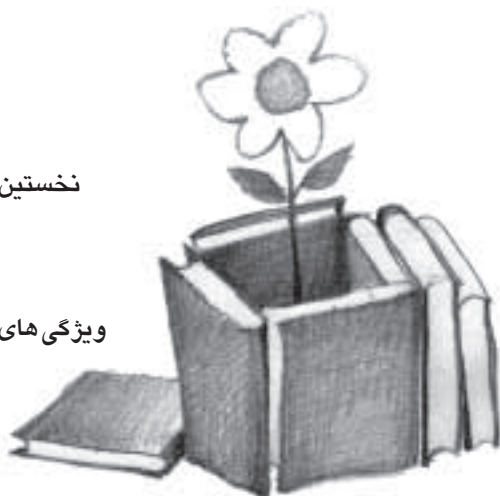
۶ یادداشت سردبیر: و فردا... ۶

محمدعلی شامانی

۸ نخستین هم اندیشی بهبود تولید کتاب های آموزشی ۸

۱۲ ویژگی های کتاب های آموزشی رایانه برای نوجوانان ۱۲

شکوفه نوری





۱۸ چگونگی بررسی یک کتاب آموزشی

احمد غلامحسینی

۲۴ اصول و معیارهای زیباییشناسی تصویرهای آموزشی (۲)

سید امیررون

۳۴ جهت‌گیری و رویکردها در برنامه درسی علوم تجربی

۴۲ کتاب‌های درسی و ارتباط آن با کتاب‌های کمک‌آموزشی

منصور ملک‌عباسی

۴۸ چکیده‌یافته‌های یک پژوهش

۵۲ مهم‌ترین مشکل، انحصار و تمرکز کتاب درسی است

گفت‌وگو با ایرج ضرغام - مدیر مؤسسه فرهنگی فاطمی

۵۴ بررسی مبانی سازمان محتوای آموزش در علوم انسانی،

با تأکید بر آموزش فلسفه،

فخری ملکی

۶۴ ارتباط مثلث ناشر، تصویرگر و نویسنده

گفت‌وگو با امیر نساجی - تصویرگر

۷۰ ضرورت کیفیت‌بخشی و سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی

فنی و حرفه‌ای علوم تجربی و ریاضی

سیدمحمود صموتی

۷۴ روش‌شناسی در مطالعه

سیداسماعیل طاهری

۷۸ بیانیه‌ی هیأت داوران

۸۴ نظرخواهی از خوانندگان فصل‌نامه «جوانه»



## و فردا...

محمدعلی شامانی

تا همین دیروز برنامه درسی از فرایندی ناگزیر تبعیت می کرد؛ بدون کوچک ترین انعطاف و نرمشی و بدون توجه به مخاطب. علاقه ها، انگیزه ها و سبک های یادگیری مخاطبان کم تر مورد توجه قرار می گرفت. قرار بود انبانی از معلومات و محفوظات صواب و ناصواب، ذهن و خیال فرزندان ما را شکل بدهد و کتاب درسی به عنوان یک منبع غیر قابل تغییر، در کانون توجه و حمایت عده ای از برنامه ریزان درسی باشد.

اما امروز، نگاه به برنامه درسی متحول شده است. برنامه درسی نقشه ای برای یادگیری و زمینه ساز تجربه های نو برای دانش آموزان شده است.

مشارکت معلم و فعالیت دانش آموز، یک اصل پذیرفته شده و قابل قبول است. رشد همه جانبه دانش آموز و تقویت تفکر نقاد و خلاق مورد توجه قرار گرفته است.

رویکرد نوین آموزشی معطوف به هدف های برنامه درسی ملی و تربیت نسلی پژوهشگر و اندیشه ورز است. در رویکرد تازه، کتاب درسی قطعه ای از مجموعه قطعات پازل برنامه درسی است. لاجرم، کتاب درسی دیگر فقط یک انتخاب ناگزیر نیست.

کتاب‌های متعددی همسو با هدف‌های برنامه‌دستی تدوین شده‌اند. هم معلم و هم دانش‌آموز، هر دو حق انتخاب دارند. تدوین ده‌ها کتاب کمک‌آموزشی و درسی، کسب و جذب اطلاعات، گشودن دریچه‌های تفکر، و... برای هر ماده‌آموزشی، فرصت انتخاب را به مصرف‌کنندگان داده است. چرا نباید این تنوع به حوزه کتاب‌های درسی تسری پیدا کند و برنامه‌های درسی را از انزوا و بی‌خبری بیرون بکشد؟

تولید کتاب آموزشی، متناسب با گستره علاقه‌ها، انگیزه‌ها، توانمندی‌ها و استعدادهای دانش‌آموزان و معلمان، و از همه مهم‌تر، پذیرش این معنا که سبک یادگیری هر فرد متفاوت از دیگری است، فراهم آوردن امکان انتخاب کتاب‌های آموزشی مناسب توسط دانش‌آموزان و معلمان، ساز و کار برنامه‌دستی را رونق می‌بخشد. برای تولید کتاب‌های آموزشی باید فرایند تولید آن را با زمان همگام کرد و سهم یاددهنده و یادگیرنده و حتی خانواده‌ها را بیش‌تر از گذشته مورد توجه قرار داد. باور کنیم که فراگیران عصر سرعت در ارتباطات و تولید اطلاعات، دیگر فراگیران پیشین نیستند؛ نیازهای آموزشی تازه دارند و آگاهی‌های نو تر و به هنگام‌تر می‌خواهند.

تولید و تدوین منابع آموزشی منطبق با نیازهای آنان، نیازمند سنت‌شکنی و اتخاذ رویکردی جسورانه است. بدیهی است، تنها ناشرانی در حوزه آموزش می‌توانند به صورت موفق سرمایه‌گذاری و ادامه فعالیت دهند که با نگاهی تازه به ماجرای یاددهی-یادگیری بپردازند.

## اشاره

نشر کتاب‌های آموزشی به لحاظ نقش مؤثر آن در توسعه و ارتقاء سطح سواد علمی و فرهنگ دانش‌آموزان و معلمان سراسر کشور روز به روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در راستای تقویت و سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی، نخستین بار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان یکی از مؤسسات بزرگ علمی، فرهنگی و آموزشی کشور در امر پژوهش، برنامه‌ریزی، تولید و ارزشیابی کتاب‌های آموزشی از سال ۱۳۷۹ مسئولیت اجرای طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی را توسط یکی از دفاتر تابعه خود، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی برعهده گرفت. این دفتر تاکنون با اقداماتی نظیر برگزاری جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد (دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه)، انتشار کتابنامه‌های توصیفی، فصل‌نامه آموزشی، تحلیلی و پژوهشی «**جوانه**»، تولید جزوات راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی و راه‌اندازی سایت اطلاع‌رسانی کتاب‌های آموزشی مناسب ([www.samanketab.com](http://www.samanketab.com)) تلاش کرده‌است که در این خصوص گام‌های مؤثری بردارد. اقدامات فوق‌ازسوی دبیرخانه سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی، همراه با اعمال سیاست‌های تشویقی و آگاه‌سازی به منظور ایجاد انگیزه برای ناشران و نویسندگان در جهت تولید کتاب‌هایی با کیفیت بهتر، اگرچه در روند تولید کتاب‌های آموزشی تأثیرات مثبتی داشته‌است. اما به نظر می‌رسد که ارتقا و بهبود کیفیت تولید کتاب‌های آموزشی توجه بیشتری را از سوی دست‌اندرکاران تولید نشریات آموزشی (دولتی و غیردولتی) طلب می‌کند.

به همین منظور دفتر انتشارات کمک‌آموزشی با همکاری انجمن فرهنگی ناشران آموزشی و اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران اقدام به برگزاری نشست هم‌اندیشی بهبود تولید کتاب‌های آموزشی، نمود. آن چه در پی می‌آید گزارشی است که از این نشست تهیه شده است.

# آغاز یک همدلی نخستین هم‌اندیشی بهبود تولید کتاب‌های آموزشی



هم اندیشی بهبود تولید کتاب‌های آموزشی با هدف فراهم آوردن زمینه مناسب تبادل نظر و ارتباط ناشران و نویسندگان آموزشی بخش خصوصی با کارشناسان دفتر انتشارات کمک آموزشی در زمینه‌های آسیب‌شناسی نشر آموزشی، رابطه کتاب‌های آموزشی با اهداف برنامه درسی، تعریف انواع کتاب‌های آموزشی و تبیین ویژگی‌های آنها، تبیین حوزه‌هایی که ناشران و مؤلفان آموزشی در آن حوزه‌ها نیاز به آموزش دارند، تبیین اصول و راهبردهای تولید کتاب‌های آموزشی، بحث درباره راه کارهای عملی برای بهبود کیفیت تولید کتاب‌های آموزشی و شناسایی اولویت موضوعات نشر آموزشی؛ عصر چهارشنبه بیست و سوم اردیبهشت ماه در سالن کنفرانس شماره ۱ ساختمان مینا واقع در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار شد.

در ادامه می‌توان به تقویت روحیه همدلی و ایجاد همسویی بین ناشران و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شناسایی افراد صاحب‌نظر در زمینه تولید کتاب‌های آموزشی و آگاهی از نیازها و ظرفیت‌های ناشران خصوصی و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و تشکیل کمیته‌هایی به منظور انجام مستمر مباحثات و تحقیق جهت کاهش نقائص نشر آموزشی که به صورت خودکار به بهبود کیفیت کتاب‌های آموزشی می‌انجامد به عنوان دیگر اهداف این هم‌اندیشی اشاره کرد.

در این هم‌اندیشی که همزمان با هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و با حضور نمایندگان ناشران، نویسندگان، کارشناسان دولتی و خصوصی و صاحب‌نظران حوزه

کتاب‌های آموزشی برگزار شد، حاضران در سه میزگرد با موضوعات تبیین ضرورت و جایگاه نشر آموزشی، آسیب‌شناسی کتاب‌های آموزشی، تبیین ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی و ارتباط آن با برنامه‌های درسی و تبیین اصول و راهبردهای تولید کتاب‌های آموزشی شرکت کرده و به بحث و تبادل نظر پرداختند.

در آغاز این نشست، دکتر میثمی، مدیرعامل انتشارات اندیشه‌سازان، به عنوان نماینده ناشران آموزشی با بیان این مطلب که در گذشته، جوامع از سطح فکری پایینی برخوردار و مردم نیز وابسته بودند و نیاز به راهنمایی داشتند، گفت بدین ترتیب حکومت در گذشته تنها وظیفه تعیین تکلیف را برعهده داشت و به همین خاطر یک فضای پر از سوءظن و ناامنی به وجود آمده بود، اما آرام، آرام با توانمندشدن عمومی انسان‌ها ورق برگشت و با تشکیل نهادهای مدنی زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و توانمندسازی افراد ایجاد شد.

## آموزش باید با نشر تلفیق شود

وی ادامه داد: هر جامعه‌ای در عین حال که توانمندتر می‌شود، این دو گروه یعنی مردم و دولت احساس می‌کنند که شباهت بیشتری دارند، همچنین تعامل میان بخش‌ها و تشکل‌های دولتی و غیردولتی افزایش یافته و فضای اندیشمندانه‌ای به وجود می‌آید که بین ناشران و دولت باید این رابطه جریان داشته باشد.



مدیرعامل انتشارات اندیشه سازان با اشاره به این مطلب که صنعت نشر؛ حوزه‌های مدیریت، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، انواع هنرها و اطلاعات تخصصی را شامل می‌شود، افزود: کمتر صنعتی به این گونه است و به همین خاطر آموزش باید با نشر تلفیق شود، همان گونه که هم‌اندیشی بهبود شکل گرفت.

دکتر فرهاد میثمی در ادامه، شناخت نقاط ضعف و قوت را لازمه بهبود انتشار کتاب‌های

## این هم‌اندیشی گامی از همدلی به سوی همراهی است

آموزشی دانست و ادامه داد: بخش دولتی باید با پذیرفتن و به‌رسمیت شناختن بخش خصوصی و غیردولتی، این بخش را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دهد و بخش غیردولتی نیز باید برای مشارکت در اندیشه‌های ملی، فراتر از منافع کوتاه‌مدت شخصی بیندیشد.

پس از سخنرانی میثمی به‌عنوان نماینده ناشران آموزشی، محمدعلی شامانی، معاون کتاب‌دFTER انتشارات کمک‌آموزشی با اشاره به این مطلب که بخش خصوصی شایسته مشارکت است، گفت: امروز کشورهایی که در تولید دانایی گام برمی‌دارند سطره بزرگی دارند و ما باید خودمان را برای حضور در دنیایی که پرشتاب به سمت دانایی می‌رود، آماده کنیم.

وی گفت: مسأله امروز ما نشر آموزشی است که شاید تا به حال پیشینه خوبی نداشته و به مرور بخش خصوصی تلاش خوبی را از خود نشان داده است.



پس از سخنان میثمی و شامانی حاضرین در گردهمایی در سه میزگرد جداگانه به بررسی مسائل و مشکلات نشر آموزشی پرداختند که موضوعات مطرح شده و نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌های نظرخواهی توزیع شده در این میزگردها در شماره‌های بعدی این فصلنامه خواهد آمد.

### **بیشتر پدران و مادران کارشناسان حرفه‌ای نیستند و ما باید با معرفی کتاب‌های مناسب به آنان کمک کنیم**

وی ادامه داد: این هم‌اندیشی گامی از همدلی به سوی همراهی است و دانش‌آموزان منتظر نتایج و تولیدات ما هستند. ما برای این که نشان دهیم هیچ فاصله‌ای بین این دو بخش نیست، تلاش زیادی کرده‌ایم و از این پس تمام سندهای راهنما بدون واسطه ارائه خواهد شد. هدف ما بها دادن به ناشرانی است که تلاش مناسبی داشته‌اند، نه ناشرانی که کثیرالانتشارند. معاون کتاب دفتر انتشارات کمک آموزشی در بخش دیگری از سخنانش به این مطلب اشاره کرد که بیشتر پدران و مادران کارشناسان حرفه‌ای نیستند و ما باید با معرفی کتاب‌های مناسب به آنان کمک کنیم.

وی افزود: ما در طرح سامان بخشی به ناشران می‌گوییم که چه کتبی را لازم داریم و از آنها در این راه کمک می‌گیریم، چرا که کتاب‌های آموزشی علاوه بر محتوای قوی باید برای دانش‌آموزان جذاب نیز باشند.



## اشاره

کودکان، بی آن که خود متوجه باشند، با رایانه آشنا می شوند. ابتدا وسوسه زدن دکمه‌ها را دارند، بعد اسیر جذابیت بازی‌های رایانه‌ای می شوند و چیزی نمی گذرد که چم و خم های کار با سیستم عامل (داس دیروز یا ویندوز امروز) را در حد رفع نیازهای معمولی خود می آموزند. به عبارت دیگر، کودکان بالقوه کاربرانی چیره دستند. اما از این فراتر رفتن، مخصوص کودکان کنجکاو است که کار عملی با رایانه، انبوه پرسش‌هایشان را پاسخ نمی دهد و در نتیجه به منابع دیگری، از جمله کتاب روی می آورند.

ویژگی هایی که در این مقاله برشمرده می شوند، «ویژگی های پایه» محسوب می شوند که هر کتاب آموزشی، به خصوص کتاب آموزش رایانه، می باید داشته باشد. شرح ویژگی های خاص تر را، به مقالات شماره های آینده «جوانه» ماکول می کنیم.

شکوفه نوری

# ویژگی های کتاب های آموزشی رایانه

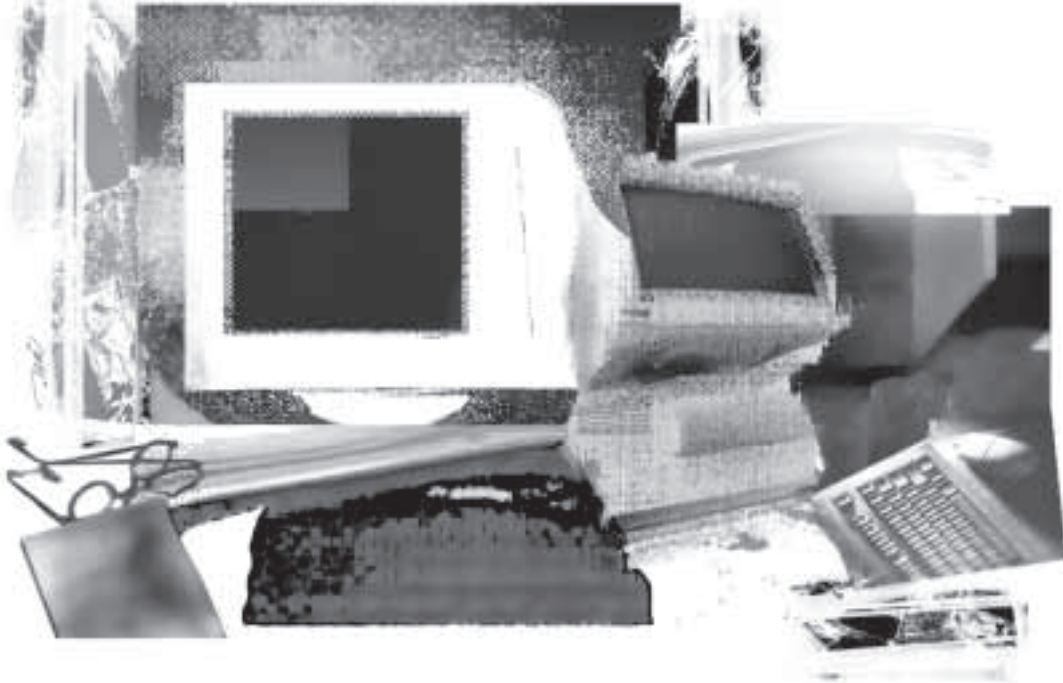
(برای نوجوانان)

کیفیت و کارایی کتابخانه های عمومی کشور

۲/۱۴ درصد است که این نسبت در کشورهای

پیشرفته ۲۴ درصد است.

دبرگرفته از پژوهشی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،



پیدایش رایانه، انقلابی در دنیای امروز ایجاد کرده است. برخی اهمیت آن را بیش از انقلاب صنعتی می‌دانند که در قرن هجدهم میلادی در اروپا آغاز شد. زیرا ماشین بخار و سایر ماشین‌هایی که به دست بشر ساخته و به خدمت گرفته شدند، جایگزین کار بدنی یا به عبارت دیگر، مکمل نیروی بازوی انسانی شدند، در حالی که رایانه به یاری مغز انسان شتافت. در طول مدتی که از عمر رایانه می‌گذرد، چنان آثار اجتماعی و فرهنگی وسیع و عمیقی در جوامع بشری داشته‌اند که خود باعث پیدایش فرهنگ تازه‌ای در تاریخ بشر شده است. این جنبه از تمدن را به نام‌های متفاوتی از جمله، «تمدن انفورماتیک» خوانده‌اند. در واقع، رایانه همراه با فناوری‌های پیشرفته دیگر، راه را برای تکوین جامعه جدیدی باز کرده است که بیش از هر چیزی می‌توان آن را «جامعه اطلاعاتی» نامید.

رأی و اراده خداوند، انسان را موجودی پویا و کمال طلب آفریده است؛ انسانی که در حال تکامل است و جهت‌گیری دانش او به سوی خداوند تبارک و سبحان. کسب علمی که زیبایی عقل و روان را به همراه دارد، یکی از راه‌های تقرب به ذات خداوند است؛ علمی که در ذره ذره‌اش، نشانی از آفریدگار به چشم می‌خورد. انسان هر چه به سوی کمال می‌رود، تقربش به خدای تعالی بیش‌تر می‌شود. علم آموزی که در تعلیم بزرگان دارای جایگاه ویژه‌ای است، به ابزارهایی نیاز دارد که مهم‌ترین آن‌ها کتاب است. کتاب دریچه‌ای به سوی علم و چراغی فراروی دانش‌آموزان است. از جمله علوم نوینی که امروزه افراد بسیاری

را جذب می‌کنند، دانش رایانه‌ای است. سال‌های پایانی دهه هفتاد آغاز همگانی شدن رایانه است. اینک به راحتی می‌توان رایانه را از مراکز و فروشگاه‌ها تهیه کرد. برای یادگیری و کاربری این علم نوین، باید کتاب‌های فراوانی در دسترس نوآموزان و کاربران قرار گیرد؛ و نیز لازم است توجه داشت که کتاب‌های آموزشی به گونه‌ای باشند که در کاربران مبتدی هراس ایجاد نکنند.

هدف از تهیه این گونه کتاب‌ها برای کودکان و نوجوانان باید آشنایی آن‌ها با زبان اصلی رایانه، برنامه‌ها و نرم‌افزارهای آموزشی باشد. با اندکی صرف وقت و دقت در به کارگیری مثال‌ها و انتخاب مطالب مناسب و درخور فهم کودکان، آن‌ها هم با متنی روان و آسان، می‌توان کتاب‌های باارزشی را به جامعه عرضه کرد. متن کتاب‌های رایانه‌ای برای یادگیری باید چنان تهیه شود که مبتدیان و کسانی که با رایانه آشنایی اندکی دارند، در یادگیری مطالب با دشواری روبه‌رو نشوند. بسیاری کسانی که می‌خواهند با رایانه کار کنند، ولی ترس روبه‌رو شدن با این دستگاه پیچیده، آن‌ها را از این کار بازمی‌دارد. از این‌رو، هدف از تهیه کتاب‌های آموزشی باید کمک به مخاطبی باشد که خواهان فراگیری اطلاعات و داده‌های بیش‌تری است. از طریق کتاب است که کاربر می‌تواند به سادگی فرا گیرد که ویژگی‌ها و قابلیت‌های مربوط به رایانه کدامند و از طریق آن‌ها به چه صورت می‌تواند کارهای خود را انجام دهد.

اهمیت رایانه در دنیای امروز و همچنین، پیش‌بینی اهمیت آن در جوامع آینده بر همگان آشکار است. به جرأت می‌توان گفت، بسیاری

از موفقیت‌های سال‌های اخیر در زمینه‌های گوناگون علمی، بدون یاری رایانه هرگز میسر نمی‌شدند. بیش‌تر کارهایی که امروزه انجام می‌شوند، همچون پرداخت صورت حساب آب، برق، و انجام امور جاری شرکت‌های مختلف و... برعهده رایانه‌ها هستند. در همین راستا، نوجوانان امروز باید با این پدیده و امکاناتی که به ارمغان می‌آورد، آشنا شوند. حتی افراد معمولی نیز برای زندگی در دنیای امروز باید به مجموعه‌ای از دانستنی‌های علمی در زمینه‌های گوناگون و از جمله رایانه مجهز باشند.

گسترده‌گی علوم و دانش رایانه و انفورماتیک و نیز توسعه روزافزون آن، شرایطی ایجاد کرده است که هر روز شاهد تحولات اساسی و چشمگیری در سطح جهان هستیم. این گسترش و توسعه، نیاز به منابع گوناگون از جمله کتاب را، به عنوان قدیمی‌ترین و ساده‌ترین راه دستیابی به اطلاعات و اطلاع‌رسانی، بیش از پیش روشن می‌کند. از این رو کتاب‌هایی که در دسترس هستند، باید به گونه‌ای باشند که نیاز مخاطب را برآورده کنند. ضمن این که در تولید این گونه کتاب‌ها و آثار، گروه سنی

مخاطب، امکانات، توانایی و میزان درک و پیش‌دانسته‌های مخاطب نیز باید در نظر گرفته شوند.

در دنیای امروز، هر چه که بتواند دانش بشر را ارتقا و افزایش دهد، یک وسیله آموزشی به حساب می‌آید. به طور کلی، کتاب‌های کودک و نوجوان در هر زمینه‌ای که تهیه می‌شوند، از نوعی آموزش غیرمستقیم یا مستقیم برخوردار هستند. آن دسته از کتاب‌هایی که مبتنی بر شیوه آموزش رسمی هستند، کمک‌درسی محسوب می‌شوند. این کتاب‌ها به صورت مستقیم به کودک و نوجوان مطالب و موضوعات را آموزش می‌دهند.

کتاب‌های آموزش رایانه برای کودک و نوجوان نیز نوعی کتاب کمک‌درسی هستند که به کودک به طور مستقیم آموزش می‌دهند؛ مگر این که به شکل داستانی مطرح شوند و در قالب داستان و قصه، مطالب و موضوعات آموزشی را به شکل غیرمستقیم به کودک آموزش دهند. به جرأت می‌توان گفت، کتاب‌هایی که به شکل داستانی و برخوردار از آموزش غیرمستقیم هستند، بیش از کتاب‌هایی که به صورت آموزش مستقیم هستند، مخاطبان را جلب می‌کنند.

اکنون باید به این باور رسید که می‌توان دانش و فنون روز را کمی ساده‌تر، سلیس‌تر و زیباتر بیان کرد تا مخاطبان خاص نیز بتوانند از آن‌ها بهره بگیرند. برخی از ناشران، همچنان بر این نکته پافشاری می‌کنند که کودکان فقط باید داستان بخوانند و نقاشی بکشند. فرزندان ما به همان اندازه که به داستان و قصه و نقاشی نیاز دارند، به آشنایی با علوم و فنون روز نیز در حد

**در دنیای امروز، هر چه که  
تواند دانش بشر را ارتقا و  
افزایش دهد، یک وسیله آموزشی به  
حساب می‌آید**



خود نیاز دارند. اگر کتاب‌های آموزشی ما کمی ساده‌تر نوشته شوند و با یک شخصیت داستانی همراه باشند، پنجره‌ای برای فراگیری دانش رایانه‌ای پیش روی کودکان و نوجوانان گشوده می‌شود.

به طور کلی، برخی از کتاب‌های آموزشی که در زمینه فراگیری رایانه به چاپ رسیده‌اند، یا آن قدر کلی نوشته شده‌اند که بزرگسالان هم آن را درخور فهم خود نمی‌دانند، و یا آن قدر در جزئیات غرق شده‌اند که کودک نیز از آن‌ها گریزان است و میل و رغبتی به مطالعه آن‌ها نشان نمی‌دهد. پس چه خوب است که مؤلفان و ناشران محترم به این امر توجه داشته باشند که کتاب‌های آموزش رایانه برای کودکان و نوجوانان می‌باید با کتاب‌های آموزشی بزرگسالان از هر نظر متفاوت باشد. در واقع می‌توان گفت، کتاب‌های آموزشی کودکان ویژگی‌های خاصی دارند که سایر کتاب‌ها فاقد آن‌ها هستند. این ویژگی‌ها را چنین می‌توان بیان کرد:

### ● در نظر گرفتن گروه سنی

مهم‌ترین مسأله در تهیه کتاب‌های کودک و نوجوان، به‌ویژه کتاب‌های آموزش رایانه، در نظر گرفتن گروه سنی مخاطب و سطح دانش و آگاهی اوست. قبل از تهیه متن، مؤلف یا مترجم باید در نظر داشته باشد که مخاطب مطالب در چه رده سنی است و چه ویژگی‌هایی دارد. با این آگاهی، حد و اندازه مطالب را در نظر گیرد و کتاب را تهیه کند. در چنین حالتی، نویسنده از کلی‌گویی پرهیز می‌کند، فقط مطالب و موضوعات متناسب با سن کودک را

برمی‌گزیند و به جزئیات نمی‌پردازد.

### ● روان و سلیس بودن متن

هر قدر متن کتاب روان و ساده باشد، کودک راحت‌تر و ساده‌تر مطالب و موضوعات را درک می‌کند. این ویژگی شاید در کتاب‌های بزرگسالان نیز دارای اهمیت خاصی باشد؛ چرا که مطالب آموزشی خود دارای حالتی خشک و یکنواخت هستند، اما اگر به زبان ساده و روان نوشته شوند، مخاطب را خسته نمی‌کنند و برای او جذاب‌تر خواهند بود.

### ● مشخص کردن هدف درسی در ابتدای

#### هر فصل

در ابتدای هر فصل یا بخش از کتاب، هدف درسی آن بخش باید مشخص شود تا کودک بداند، در این فصل با چه مطالبی آشنا می‌شود. به این ترتیب، قبل از خواندن موضوعات مربوط به آن فصل، اول با هدف آموزشی مطالب انتخاب شده آشنا می‌شود و با آگاهی بیش‌تری به یادگیری آن‌ها می‌پردازد.

### ● انتخاب یک شخصیت داستانی یا

#### کارتونی در کنار مطالب آموزشی

بر همگان روشن است که مطالب و موضوعات آموزشی خسته‌کننده هستند و کودک خیلی زود از آموزش مطالب کناره می‌گیرد و میل و رغبتی به فراگیری مطالب بعدی از خود نشان نمی‌دهد. در حالی که با قرار دادن شخصیت‌های داستانی یا کارتونی در کنار مطالب به گونه‌ای که آموزش مطالب از طریق این شخصیت‌ها انجام شود، کشش و انگیزه‌ای

در انتهای هر فصل از کتاب است. از طریق پاسخ به پرسش‌های متعدد از مطالب ارائه شده، کودک می‌تواند خود را بیازماید که تا چه حد توانسته است، از موضوعات کتاب استفاده کند.

### ● وجود مواردی چون نکته و توجه در متن

برای اشاره به موضوعات خاص و مهم، بهترین روش قرار دادن نکته یا توجه در متن است. این امر باعث می‌شود که کودک با توجه خاصی، آن موارد را بخواند و به آن‌ها توجه کند. اشاره به موضوع نکته یا توجه، می‌تواند با شکل‌های جالب کارتونی متفاوت همراه باشد تا در کودک انگیزه‌ای خاص ایجاد کند و او را برای دنبال کردن مطالب برانگیزد.

### ● نتیجه‌گیری از آموزش هر درس در پایان آن فصل

بهتر است در انتهای هر فصل از کتاب، یک جمع‌بندی کلی از موضوعات مطرح شده در آن گنجانده شود تا کودک بداند، پس از مطالعه آن فصل، موضوعاتی که در انتها به دانش او افزوده می‌شوند، کدامند.

### ● کار عملی در پایان هر فصل

برای این که بتوان دانسته‌های کودک را آزمود و برای این که کودک بتواند، آموخته‌های خود را در عمل پیاده کند، می‌توان در پایان هر فصل یا هر بخش از کتاب، از مطالب آموزشی ارائه شده، یک کار عملی، یا به شکل ساده‌تر، «کار در منزل» برای کودک در نظر گرفت که به شکل

### باید به این نکته توجه داشت که لازمهٔ تهیهٔ

### یک کتاب آموزشی خوب برای کودکان، ارائهٔ آخرین نسخه از نرم افزارهای موجود و آشنا کردن کودکان با آن نرم افزارهاست

خاص در کودک ایجاد می‌شود و میل او به یادگیری مطالب کتاب افزایش می‌یابد.

### ● ارائهٔ مرحله به مرحلهٔ مطالب

مطالب و موضوعات کتاب باید به شکل گام به گام یا مرحله به مرحله در کتاب مطرح شوند؛ یعنی از موضوعات ابتدایی و ساده‌تر شروع و به موضوعات پیچیده‌تر ختم شوند. در این حالت، کودک یا نوجوان از ابتدای مطالب با موضوعات آشنا می‌شود و راحت‌تر می‌تواند آن‌ها را درک کند.

### ● آموزش علمی از طریق تمرین‌های متعدد و متنوع

بهترین و ساده‌ترین راه برای سنجش کودک و نوجوان، قرار دادن تمرین‌های متعدد و متنوع



### ● تهیه کتاب راهنما برای مربی

از آن‌جا که معلمان و مربیان، مجری برنامه‌های درسی و آموزشی هستند و بیش‌تر تحولات درسی توسط آن‌ها اجرا می‌شود، لذا بیش‌ترین نیاز امروز در زمینه آموزشی، پرداختن به آثاری است که باید دانش معلم را در زمینه موضوع علمی (رایانه) افزایش دهد. از این رو بهتر است، به همراه کتاب‌های آموزش رایانه به کودکان و نوجوانان، کتابی مجزا برای مربیان تهیه شود تا آن‌ها نیز با چگونگی روند آموزشی کتاب، آشنا شوند.

حتی می‌توان بخشی از آخر کتاب یا قسمت‌هایی از پائین صفحه هر درس را به مربیان اختصاص داد و نکات و موارد خاصی را برای آن‌ها در این بخش در نظر گرفت.

### ● همراه بودن سی دی آموزشی به همراه کتاب

بهترین نتیجه را در زمینه تهیه یک کتاب موفق زمانی می‌توان به دست آورد که اگر کتابی دارای سی دی آموزشی باشد، آن سی دی به همراه کتاب و به صورت بسته بندی شده، ارائه شود. هم‌اکنون هستند تعدادی از ناشرانی که چنین کتاب‌هایی را به بازار عرضه کرده‌اند. سی دی‌های آموزشی را می‌توان در قالب سی دی‌های آموزش کودک و نوجوان (دانش آموزان) و سی دی‌های آموزشی مربیان و کمک‌مربیان ارائه کرد.

به این امید که تمامی کودکان و نوجوانان ایران زمین بتوانند با دانش انفورماتیک بهتر و بیش‌تر آشنا شوند.

یک پروژه باشد. با این روش، کودک به راحتی می‌تواند دانسته‌های خود را مستقیماً به طور عملی پیاده کند و در صورت وجود هر گونه مشکلی، به رفع آن با کمک مربی و کتاب پردازد.

### ● واژه‌نامه در انتهای کتاب

از آن‌جا که کتاب‌های آموزش رایانه دارای لغات و اصطلاحات خاص خود هستند و بسیاری از آن‌ها باید به شکل لاتین در متن بیایند، بهترین راه، استفاده از یک واژه‌نامه در انتهای کتاب است تا کودک یا نوجوان با مراجعه به آن، به راحتی بتواند به معانی معادل آن لغات یا اصطلاحات دسترسی پیدا کند. در صورت استفاده از این لغات در متن کتاب به شکل لاتین، باید معادل فارسی آن‌ها را در پرانتز و در کنار عبارت لاتین هر کلمه به کار برد تا هنگام خواندن مطالب، کودک با هر دو واژه آشنا شود و برای پرداختن به جزئیات بیش‌تر مربوط به آن واژه، به واژه‌نامه مراجعه کند.

### ● به روز کردن موضوعات

در زمینه آموزش درس‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای و با توجه به تغییرات سریع در این حوزه، و همچنین پیدایش نسخه‌های جدید در نرم‌افزارها، به روز نگه داشتن آثار از اهمیت خاصی برخوردار است. باید به این نکته توجه داشت که لازمه تهیه یک کتاب آموزشی خوب برای کودکان، ارائه آخرین نسخه از نرم‌افزارهای موجود و آشنا کردن کودکان با آن نرم‌افزارهاست.

## اشاره

نقد آثار آموزشی که انتظار می‌رود، لاقلاً در بعضی زمینه‌ها با نقد سایر آثار ادبی و هنری متفاوت باشد، همه جنبه‌های تحلیلی اثر را در پناه «تأثیر آموزشی» آن تحلیل و موشکافی می‌کند. در این عرصه، کتاب رسانه‌ای آموزشی است، مخاطب آن فراگیر یا دانش‌آموز نام دارد، و محتوای آن لزوماً باید دانش پایه یا مهارت‌های معینی را تعلیم دهد. حتی در مورد طرح روی جلد و صحافی کتاب نیز، از همین زاویه باید قضاوت کرد و این همه، علاوه بر همه معیارهایی است که در نقد کتاب به طور عام، در نظر می‌گیریم. مفهوم «بررسی» در این مقاله، فراتر از مفهوم نقد و تجزیه و تحلیل انتقادی است. در نه زمینه موضوعی، معیارهایی به بررسی‌کننده کتاب پیشنهاد شده است تا به کمک آن‌ها بتواند، از اطلاعات کتابداری گرفته تا تأثیر روی مخاطب و حتی شکل ظاهری، کتاب آموزشی را بررسی کند و البته هرچه آموزشی‌تر واریسی کردن این معیارها، بر عهده خوانندگان علاقه‌مند است.

کتاب، آورنده‌ی حکمت و مواظب به خانه‌های شماست.  
پیامبر اکرم(ص)

احمد غلامحسینی

# معیارهای بررسی کتاب‌های آموزشی

بررسی کتاب یک توصیف، تجزیه و تحلیل انتقادی و ارزیابی از کیفیت، معنی و تأثیریک کتاب است. این بررسی می‌تواند روی اهداف، محتوا و صلاحیت کتاب متمرکز شود. نقد و بررسی کتاب یک گزارش یا خلاصه‌ای از کتاب نیست، بلکه واکنشی به نقاط قوت و ضعف مواد آموزشی تحلیل شده است.



بررسی کننده باید آنچه را که نویسنده سعی داشته انجام دهد، ارزیابی کند و ببیند او در این امر موفق بوده است یا خیر؟ راه و روش خاصی برای نوشتن بررسی و نقد کتاب وجود ندارد. بررسی های کتاب به شدت شخصی و تحت تأثیر عقاید منتقدان هستند. نقد بسته به هدف های آن، می تواند از ۵۰ تا ۱۵۰۰ کلمه باشد. در این جا معیارهای فرایند نوشتن یک بررسی ارائه می شود. این معیارها پیشنهادی هستند، نه رویه های رسمی که حتماً باید به کار برده شوند:

۱. ثبت اطلاعات ضروری مربوط به کتاب، شامل: عنوان، نویسنده، تاریخ اولین ویرایش، نوع آن، موضوعات عمومی آن، خصوصیات ویژه (طرح ها، رنگ، فرم و غیره) قیمت و بارکد.

۲. بیان و منظور و هدف اصلی نویسنده از نوشتن کتاب

گاهی نویسندگان هدف خود را در مقدمه اولین فصل ذکر می کنند و شما می توانید با پرسیدن این سؤال ها از خودتان، به درک هدف های کتاب نائل شوید:

۲-۱. چرا نویسنده این موضوع را بر موضوعات دیگر ترجیح داده است؟

۲-۲. کتاب از چه دیدگاهی نوشته شده است؟

۲-۳. آیا نویسنده سعی دارد: اطلاعات ارائه دهد، برخی روش ها را توضیح دهد، یا یک ارزش را به وسیله تجسم آن به خواننده بقبولاند؟

۲-۴. زمینه ها و شاخه های کلی موضوع چیست و در کتاب چگونه به آن توجه شده است؟ (به منابع بیرونی ارجاع داده شده است یا نویسنده به خلاصه کردن تجربیات خود پرداخته است؟)

۲-۵. چه کسی به عنوان مخاطب در نظر گرفته شده است؟

۲-۶. سبک نویسنده چیست؟ رسمی است یا غیر رسمی؟ سبک نوشته را به وسیله تعدادی از این معیارها ارزیابی کنید: انسجام، وضوح، اعتبار، میزان تأثیر، صحت کاربرد کلمات فنی، اختصار، وسعت دید، سیالی. آیا این موارد برای مخاطبان مورد نظر مناسب هستند؟

۲-۷. از بررسی دقیق جدول مفاهیم چه می توان فهمید؟ ممکن است این کار به فهم چگونگی سازماندهی و کمک در فهم عقاید اصلی نویسنده و چگونگی بسط آن کمک کند.

۲-۸. کتاب روی شما چه تأثیری گذاشت؟ آیا عقایدی را که قبلاً داشته اید، تغییر داده است، یا آن ها را تقویت کرده است؟

۲-۸-۱. کتاب با دوره آموزشی یا

خواسته های افراد چگونه ارتباط برقرار می کند؟

۲-۸-۲. چگونه تجربیات افراد

با موضوعات کتاب ارتباط داده شده اند؟

۲-۸-۳. کتاب برای تحقق چه هدف هایی

مناسب است؟

۲-۸-۴. آیا شما کتاب را به دیگران هم

توصیه می کنید؟

۳. بیان مضمون و رویکرد کتاب

۳-۱. مضمون و درونمایه: مضمون،

موضوع یا مقوله است و ضرورتاً عنوان کتاب را در بر نمی گیرد. معمولاً هم در یک جمله کامل بیان نمی شود. مضمون یک جنبه اختصاصی از مطالب مورد بحث را بیان می کند.

۳-۲. رویکرد: به معنی عقاید کلی نویسنده

در باره مضمون است؛ عقاید نویسنده درباره

نکات مهم، فلسفه نهایی کتاب، یا طرح نویسنده برای اثبات نظریه‌اش که آن را بدون استعاره یا دیگر اشکال مجازی زبان، در یک جمله اخباری بیان می‌کند.

#### ۴. روش بسط موضوع

راهی را که نویسنده برای بسط تز خود برگزیده است؛ شامل ذکر مشاهدات با منابع مشخص و نقل قول‌ها. به طور کلی نویسندگان از روش‌های زیر، به طور اختصاصی یا ترکیبی، برای بسط موضوع استفاده می‌کنند.

۴-۱. توصیف: نویسنده به وسیله کلمات، تصویر محل‌ها و حوادث، و شرح جزئیات موضوع را شرح می‌دهد. توصیفات نویسنده به خواننده کمک می‌کند، جزئیات موضوع را درک کند.

۴-۲. داستانگو: نویسنده، داستان یک سلسله از حوادث را بیان می‌کند. معمولاً این کار بر اساس تقدم و تأخر رویدادها انجام می‌شود؛ البته ممکن است نظم رویدادها به خاطر طرح داستان، نقص شود. تأکید داستانگویی، چه در حالت تخیلی و چه در حالت غیرتخیلی، روی حوادث است. داستانگو آنچه را که اتفاق می‌افتد، بیان می‌کند و این هدف اولیه در بیان یک داستان است.

۴-۳. تفصیل و توضیح: نویسنده، توضیح و تحلیل را برای ارائه یک موضوع با شفاف ساختن یک ایده به کار می‌برد. در این روش، حقایق مربوط به یک موضوع یا عقیده، به صورت ساده و واضح بیان می‌شوند و این هدف اولیه در توضیح است.

۴-۴. استدلال: نویسنده روش‌های اقناع را برای پذیرش واقعیت از سوی خواننده واقع‌گرا و در مورد پرهیز از دروغ‌پردازی، به کار می‌گیرد.

هدف واداشتن مخاطب به باور یک عقیده و شاید عمل به آن است. استدلال بنا را روی نتیجه می‌گذارد و هدف اصلی آن، قانع کردن است.

#### ۵. ارزشیابی کتاب از نظر تأثیر بر مخاطب

ارزشیابی کتاب از نظر جالب بودن، داشتن اعتبار، نداشتن جهت‌گیری وی‌بی طرف بودن، دقت و مناسب بودن برای مقصود خوانندگان، صحت و سقم استدلال‌های نویسنده و پاسخگویی یا واکنش به عقاید نویسنده.

#### با کدام عقاید موافق یا مخالف هستید و چرا؟

وضوح نتیجه‌گیری‌ها به طور منطقی از روی نشانه‌ها مشخص می‌شود. مضمون‌هایی را که در کتاب برجسته شده‌اند، توضیح دهید. ببینید، چه چیزهای قابل امکانی در کتاب پیشنهاد شده‌اند، چه نکاتی را مؤلف حذف کرده است یا چه مسائلی حل نشده، رها شده‌اند؟

#### چه نکات خاصی، متقاعدکننده نیستند؟

این کتاب را با سایر کتاب‌ها در زمینه موضوعات مشابه یا کتاب‌های دیگر در همان حد، مقایسه کنید. آیا این کتاب فقط یک بازنویسی از کتاب‌های قبلی است؟ به عبارت دیگر، تکرار اشتباهات در موقعیت‌های قبلی است. آیا منابع جدید، نتایج رویکردهای جدید نویسنده را توجیه می‌کنند؟

بخش‌های ویژه و نتایج مطالبی را که به نظر می‌رسد به کتاب ارزش ادبی داده‌اند، مقایسه کنید. ارتباط کتاب را با حوزه‌های وسیع‌تر بررسی کنید.

۶. جمع آوری اطلاعات درباره نویسنده  
کوشش کنید، اطلاعات بیش‌تری درباره شهرت، شایستگی‌ها، نفوذ، زندگی‌نامه و... نویسنده پیدا کنید. هر اطلاعی که با بررسی کتاب ارتباط پیدا می‌کند و به تأیید صلاحیت مؤلف کمک می‌کند. آیا شما می‌توانید رابطه‌ای بین فلسفه مؤلف، تجربیات زندگی و نتایج بررسی کتاب پیدا کنید؟

۷. بررسی ظاهری کتاب  
در صورت لزوم درباره شکل صحافی و صفحه بندی کتاب یادداشت بردارید. آیا کتاب طراحی واضحی دارد. آیا این موارد کمکی به درک موضوع می‌کند.

۸. بررسی ارجاعات  
ارجاعات را بررسی کنید. آیا فهرست دقیق است؟ هر نوع یادداشت یا پانویس را بررسی کنید. آیا آن‌ها اطلاعات مهمی را ارائه می‌دهند؟ آیا آن‌ها نکات اصلی متن را توضیح یا گسترش می‌دهند؟ هر نوع فهرستی را که نویسنده ممکن است تهیه کرده باشد، بررسی کنید. چه نوع منابع اولیه یا ثانویه در کتابنامه وجود دارد؟ چگونه نویسنده از آن‌ها استفاده کرده است؟ نکات مهم حذف شده را یادداشت کنید.

۹. خلاصه برداری  
پس از تجزیه و تحلیل و تفسیر محتوای کتاب، نظر نهایی خودتان را بیان کنید و توجه ویژه‌ای به پرداخت نهایی نویسنده داشته باشید. آیا خلاصه کتاب قابل قبول است؟  
موضوعات اصلی و خلاصه کوتاهی از

نظرات نویسنده درباره موضوع‌ها، نکات اصلی و گفتار نهایی را فهرست کنید. از منابع خاص موضوع و نقل قول‌ها، برای پشتیبانی از نظرات خود استفاده کنید. اگر نظریه شما با یک استدلال خوب همراه باشد، گفتار نهایی (نتیجه‌گیری) شما می‌تواند به صورت طبیعی دنبال شود. نتیجه‌گیری می‌تواند شامل ارزیابی نهایی و یا بیان دوباره ایده و نظر شما باشد.

برخی ملاحظات زمانی که در بررسی نوع خاصی از کتاب‌ها اعمال می‌شوند، عبارتند از:  
۱. ادبیات داستانی (نکته مهم داستان را بر

ملا نکنید!)

#### ۱-۱. شخصیت

۱-۱-۱. خاستگاه شخصیت‌ها چیست؟

۱-۱-۲. دیدگاه نویسنده نسبت به

#### شخصیت‌ها چیست؟

۱-۱-۳. آیا شخصیت‌ها سطحی هستند

یا عمیق؟

۱-۱-۴. آیا شخصیت‌ها وقایع را توسعه

می‌دهند؟

۱-۱-۵. آیا شخصیت‌پردازی، به صورت

مستقیم یا غیرمستقیم، صورت گرفته است؟

#### ۱-۲. مضمون

۱-۲-۱. مضمون یا مضمون‌های اصلی

کدامند؟

### بررسی‌کننده

باید آنچه را که نویسنده سعی

داشته انجام دهد، ارزیابی کند

و ببیند او در این امر موفق بوده

است یا خیر؟

۱-۲-۲. مضمون‌ها چگونه ارتباط پیدا می‌کنند و بسط می‌یابند؟

۱-۲-۳. آیا مضمون‌ها قدیمی و آشنا هستند یا جدید و بدیع؟

۱-۲-۴. آیا مضمون اصلی کتاب آموزشی، روان‌شناسی، اجتماعی، تفریحی، یا... است؟

۱-۳. طرح داستان

۱-۳-۱. عناصر گوناگون چگونه در داستان مدیریت می‌شوند (برای مثال، حالت انتظار، بلا تکلیفی، نقطه اوج، فرجام داستان).

۱-۳-۲. چه ارتباطی بین طرح داستان و پردازش شخصیت‌ها وجود دارد؟

۱-۳-۳. با چه وسعتی و چگونه وقایع و حوادث داستان به سمت پیچیدگی و یا دوباره گشوده شدن بسط پیدا می‌کنند؟

۱-۳-۴. عناصر مبهم و نامشخص کدام‌ها هستند؟

۱-۳-۵. چه تدابیر دیگری برای ابهام‌زایی به کار گرفته شده است؟

۱-۳-۶. آیا طرح فرعی هم در داستان وجود دارد؟ این طرح فرعی چگونه با طرح اصلی ارتباط پیدا می‌کند؟

۱-۳-۷. آیا یک طرح اولیه یا ثانویه برای برخی عناصر داستان وجود دارد؟ (شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی، سبک و غیره)



۱-۴. سبک

۱-۴-۱. نحوه برانگیختن تفکر در نگارش چگونه است؟ (به عنوان مثال: سادگی، وضوح)

۱-۴-۲. نحوه انگیزش عاطفی در نوشتن چگونه است؟ (برای مثال: شوخ طبعی، درک و طنز)

۱-۴-۳. نحوه انگیزش زیبا شناختی در نوشته‌ها چگونه است؟ (برای مثال: توازن و تناسب)

۱-۴-۴. تدابیر سبک‌شناسی چگونه بسط یافته‌اند؟ (برای مثال: استفاده از سمبل‌ها، دورنمایه، تشبیه، تمثیل)

۱-۴-۵. گفتار چگونه تأثیر گذار است؟

۱-۵. زمینه

۱-۵-۱. زمینه چیست؟ آیا زمینه نقش مهمی در کار برعهده دارد؟

۱-۵-۲. آیا زمینه یک تصویر ذهنی به وجود می‌آورد؟ چگونه؟

۱-۵-۳. چه چشم اندازی مورد استفاده قرار گرفته و آن‌ها چه تأثیری و اهمیتی دارند؟

۱-۵-۴. آیا رویداد داستان، تأثیر یا نفوذی روی شخصیت‌ها و یا طرح داستان دارد؟

۱-۶. شرح حال

۱-۶-۱. آیا کتاب تصویر کاملی از موضوع ارائه می‌دهد؟

۱-۶-۲. کدام بخش از زندگی بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است؟ آیا این ترتیب قابل قبول است؟

## نقد و بررسی کتاب

### یک گزارش یا خلاصه‌ای از کتاب نیست

بلکه واکنشی به نقاط قوت و ضعف مواد آموزشی تحلیل شده است

۳-۶-۱. باور اصلی نویسنده چیست؟  
 ۴-۶-۱. موضوع چگونه سازماندهی شده است؟ (بر اساس ترتیب وقایع، مرور گذشته و غیره)  
 ۵-۶-۱. آیا شیوه برخورد نویسنده با موضوع سطحی است یا این که به صورت وسیعی درباره آن به مطالعه پرداخته است؟  
 ۶-۶-۱. از چه منابعی در آماده سازی بیوگرافی استفاده شده است؟  
 ۷-۶-۱. آیا نوشته ها مستند هستند؟  
 ۸-۶-۱. آیا نویسنده سعی در دستیابی به انگیزه های پنهان داشته است؟  
 ۹-۶-۱. چه حقایق مهم تازه ای درباره زندگی، در کتاب به کار گرفته شده اند؟  
 ۱۰-۶-۱. چه ارتباطی بین سیر موضوع با وقایع همزمان وجود دارد؟  
 ۱۱-۶-۱. چگونه شرح حال نوشته شده بانوشته های دیگران درباره همان شخص مقایسه می شود؟

۷-۲. آیا نحوه ارائه سطحی است یا عمیق؟  
 ۸-۲. کتاب برای چه گروهی نوشته شده است؟ (متن آموزشی، اطلاعات عمومی، برای اندیشمندان و...)  
 ۹-۲. چه حجم از کتاب به بیوگرافی اختصاص دارد؟  
 ۱۰-۲. آیا بر تاریخ اجتماعی یا تاریخ سیاسی تأکید شده است؟  
 ۱۱-۲. آیا کتاب ویرایش مجدد شده است؟ در مقایسه با چاپ اول، تغییرات آن را چگونه ارزیابی می کنید؟  
 ۱۲-۲. آیا داده ها به صورت تفصیلی به کاربرده شده اند؟ آیا استفاده هوشمندانه بوده است؟  
 ۱۳-۲. آیا نقشه، تصویر و چارت (نمودارها، نقشه ها، جداول) در کتاب وجود دارد؟ آیا کاربرد و چگونگی ارائه آن ها ارزیابی شده است؟

### ۳. شعر

۱-۳. آیا این شعر یک کار قوی، خلاقانه و منحصر به فرد است؟  
 ۲-۳. چه نوع شعری در دست بررسی است؟ (حماسی، عاشقانه، مرثیه)  
 ۳-۳. از چه طرح شعری در آن استفاده شده است؟ (قافیه، وزن، صنایع ادبی، استعاره، ...)  
 و با چه تأثیری؟  
 ۴-۳. محور توجه در شعر چیست؟ آیا تأثیر آن به صورت آشکار است؟

۲. تاریخ و دیگر متون غیر داستانی  
 ۱-۲. کتاب به کدام موضوع اختصاصی یا دوره زمانی خاص پرداخته است؟  
 ۲-۲. شیوه ارائه از اول تا آخر چگونه است؟  
 ۳-۲. چه منابعی مورد استفاده قرار گرفته اند؟  
 ۴-۲. آیا مطالب (کلی و جزئی) دارای اعتبار هستند؟  
 ۵-۲. آیا سبک کار، گزارش نویسی است یا نویسنده سعی در نوشتن تفسیری داشته است؟  
 ۶-۲. باور اصلی یا عقیده نویسنده چیست؟

منبع:

<http://www.lave.ca.76/library>

## اشاره

در ادامه نوشتار قبلی (جوانه شماره ۵) که به کاربرد منطقی اصول عام زیباشناسی تصویرهای آموزشی (سادگی، پیوستگی، تأکید و تعادل) پرداخته بود، در این مقاله معیارهای زیباشناسی را مطرح می‌کنیم. تصویرگر صرفاً با شناخت دقیق و مطالعه ژرف در مورد این معیارها می‌تواند تصویرهای زیبا به همراه پیام آموزشی روشن، قابل فهم و جذاب خلق کند.

در این نوشتار، ابتدا معیارهایی را از حیث زمینه و موضوع شرح می‌دهیم و سپس، به معیارهای اندازه‌گیری، ترکیب بندی، کادربندی، کنتراست و خط و شکل در تصویرهای نشریه‌های آموزشی می‌پردازیم.

# اصول و زیباشناسی معیارهای تصویرهای آموزشی

سید امیر رون

## ۱. تصویر آموزشی از بعد زمینه و موضوع

قبل از پرداختن به این موضوع باید دانست که فضا را می‌توان به دو دسته تقسیم بندی کرد: الف) فضای منفی<sup>۱</sup>: فضای خالی از هرگونه اثر یا نشانه‌ای را فضای منفی می‌گویند.

ب) فضای مثبت<sup>۲</sup>: هرگونه اثر یا نشانه‌ای روی فضای منفی، آن را به فضای مثبت تبدیل می‌کند.

به تعبیری دیگر، می‌توان فضای منفی را زمینه و فضای مثبت را موضوع نامید. در نتیجه لازم است، برای بیان بهتر موضوع، آن را از زمینه

تصویر آموزشی یک وجه تخصصی هم دارد که عبارت است از این‌که ما با تصویر آموزشی، مخاطب را به آموزش دعوت می‌کنیم یا می‌خواهیم احساسات، ذهن و منطق او را با سؤال مواجه سازیم  
مهندس علاقه‌مندان



جدا کرد و همیشه هوشیار بود که شیفنتگی نسبت به زمینه، بیننده را از موضوع غافل نکند. برای مثال، اگر موضوع تصویر جوانه یک ساقه و منظور بیان زندگی باشد، قرار دادن این موضوع در جلوی پس زمینه‌ای که دارای تنه یک درخت با پوستی مشبک و اشکال لوزی زیبا باشد، باعث نادیده گرفتن موضوع اصلی توسط بیننده و ضعف تصویر برای بیان منظور اصلی خود می‌شود. [۱]

در طراحی تصویر، اصولاً زمینه ثابت و موضوع متحرک به نظر می‌آید. غفلت از این اصل موجب سردرگمی مخاطب و در نتیجه، بی‌اثر شدن ارتباط بصری خواهد شد. برای مثال، تصویر یک ماهی در تنگ آب باید طوری ترسیم شود که تنگ ثابت و ماهی در حال حرکت به نظر بیاید. علاوه بر این، همان‌گونه که از نام زمینه پیداست، باید این عامل طوری عمل کند که باعث برجسته نمایش دادن موضوع شود. در غیر این صورت، اصل تباین (تضاد) که جزو نیازهای چشم بشر می‌باشد، تحت الشعاع غفلت تصویرگر قرار می‌گیرد و زیبایی تصویر از بین می‌رود. به همین سبب، زمینه یکدست باعث برجستگی موضوع می‌شود و زمینه شلوغ موضوع را در خود گم می‌کند. پیداست که چنین تصویرهایی را نمی‌توان تصویر آموزشی به حساب آورد.

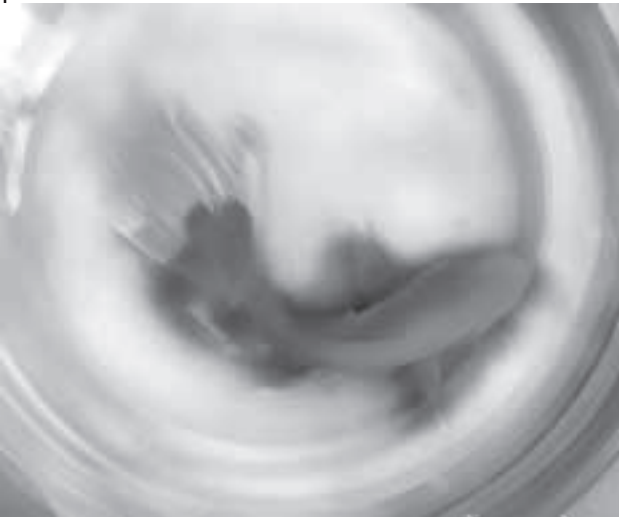
مقایسه عکس یک نفر در بین جمعیت و عکس همان فرد جلوی یک پرده سفیدرنگ، وجه تمایز زمینه شلوغ و یکدست را در ذهن ما به خوبی مشخص می‌کند. به طور کلی، اگر طراحان به اصل زمینه و موضوع دقت کافی نداشته باشند، می‌توان گفت، اکثر اصول زیباشناسی

تصویر اعم از زنده بودن، پیوستگی و... آن طور که باید در رسانه یا تصویر آموزشی جلوه‌گر نمی‌شود. و در نتیجه، تأثیرگذاری تصویر به حداقل می‌رسد. برعکس، شناخت دقیق زمینه و موضوع و رعایت اصول مربوط به آن‌ها در تصویرسازی، عملاً باعث ارتقای سایر عوامل زیباشناسی تصویر می‌شود.

## ۲. رابطه تصویر آموزشی با معیارهای

### اندازه‌گیری

تمام عناصر بصری می‌توانند روی یکدیگر تأثیر بگذارند و همدیگر را تعدیل کنند و یا تغییر دهند. مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در این زمینه، مقیاس‌ها یا معیارهای اندازه‌گیری هستند. بزرگی و کوچکی، بلندی و کوتاهی، وسعت و باریکی و بسیاری نسبت‌های دیگر، تنها در مقایسه اندازه اشیا با یکدیگر و یا در مقایسه با اعضای بدن انسان، قابل درک و فهم هستند.



عنصری کوچک به نظر نمی‌رسد، مگر آن‌که در مجاورت عنصری بزرگ قرار گرفته باشد و برعکس.

چنانچه می‌دانیم با استفاده از این اصل، در سینما صحنه‌های جالبی پدید می‌آورند. از جمله، هنگام غرق شدن کشتی در دریا، با استفاده از نماهای متفاوت، موسیقی خاص و در نتیجه، هیجانی کردن فیلم در یک لحظه، معیارهای آشنا را از چشم بیننده حذف می‌کنند و با فیلمبرداری از غرق شدن یک کشتی اسباب‌بازی (ماکت کشتی) در استودیو و مونتاژ ماهرانه آن با اصل فیلم، غرق شدن واقعی کشتی را به بیننده القا می‌کنند. به این ترتیب است که صرفه‌جویی مالی زیادی در تهیه فیلم‌های سینمایی به عمل می‌آید.

در مورد تصویرهای آموزشی هم باید یادآوری کرد که با دادن معیارهای آشنا، از جمله بدن انسان و اعضای آن، می‌توان با تصویر، تصور درستی به بیننده القا کرد.

برای مثال، در یک تصویر آموزشی اندازه واقعی ارتفاع یک منظره آبشار، زمانی نمود پیدا می‌کند که انسانی سوار بر اسب کنار آن قرار گرفته باشد. در تصویر دیگری، برای نمایاندن عظمت اهرام ثلاثه مصر، عرب شترسواری را پای اهرام می‌آورند تا چشم تصویر را راحت‌تر درک کند. معیارهای آشنا (بدن انسان و اعضای آن، حیوانات و گیاهان و...) از مواردی هستند که در صورت لزوم باید در تصویر آموزشی، گنجانده شوند تا به این ترتیب، چشم با اطمینان کامل تصویر را احساس کند و به تبع، درک آن نیز به آسانی صورت گیرد.

۳. تصویر آموزشی از حیث ترکیب بندی بشر برای ایجاد نظم در دنیای اطراف خود نیازی ذاتی دارد و بدون نظم در جنبه‌های مهم زندگی، ادامه حیات برای او ممکن نیست. انسان به تبعیت از خالق و ناظم خود، موجودی است نظم‌پرداز. کلمات فراوانی که در محاورات روزمره زندگی اشاره به نظم دارند، شواهدی هستند براین تمنای درونی؛ مثلاً گفته می‌شود قرارداد تنظیم شد، فعالیت‌ها برنامه‌ریزی گردید، جلسه تشکیل شد و...

افلاطون گفته است: نظم، قرار گرفتن طبیعی اشیا در جای خود است. در طراحی تصویر، از نظم تحت عنوان «ترکیب بندی یا کمپوزسیون»<sup>۳</sup> یاد می‌شود و آن عبارت است از «جمع‌آوری و تنظیم اجزای متفاوت و مستقل از هم، برای تشکیل یک کل زیبا و موزون.» [۲]

برای خلق ترکیب بندی صحیح، اصولی مطرح هستند که با رعایت آن‌ها می‌توان به تصویر آموزشی زیبا و دلنشین دست یافت. از میان این اصول، دو اصل «نسبت‌های طلایی» و «نقاط طلایی» را که از یونان قدیم به یادگار مانده‌اند و امروزه هم مورد استفاده هستند، توضیح می‌دهیم:

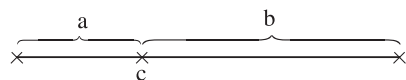
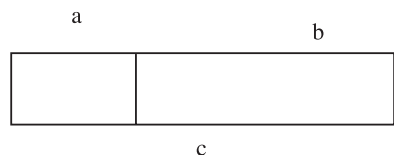
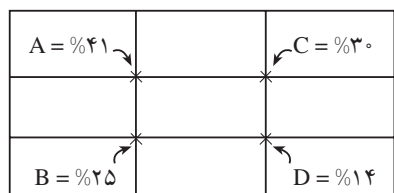
۳-۱. نسبت‌های طلایی: ایجاد نسبت‌های طلایی، یعنی معین ساختن نقطه‌ای روی خط یا شکل به طوری که نسبت میان بخش کوچک در بخش بزرگ، با نسبت میان بخش بزرگ و کل خط یا شکل برابر باشد. فرمول ساده آن عبارت است از:

$$\frac{b}{c} = \frac{a}{b}$$

لوکوروبوزیه فرانسوی در مورد نسبت‌های

طلایی، تحقیقاتی به عمل آورده است که امروزه یافته‌های وی در طراحی صنعتی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۳-۲. نقاط طلایی: به طور طبیعی، تصویر از بالا به پایین و از چپ به راست دیده می‌شود. بنابراین، با ترسیم یک مستطیل (کادر متعارف تصویر) و تقسیم آن به نه خانه به وسیله دو خط عمودی و دو خط افقی، جدولی به وجود می‌آید که در آن پر انرژی‌ترین و کم انرژی‌ترین نقاط از نظر جلب توجه بیننده، به ترتیب اهمیت با قدرت جذب چنان که در شکل دیده می‌شود، شماره گذاری می‌گردد.



بدیهی است، اگر سوژه‌ای در تصویر در نقطه A قرار گیرد، به دلیل بالا و چپ بودن موقعیت آن، قدرت جذب بیش تری از نقطه D خواهد داشت. جالب است بدانیم، هنرمندان غربی اصول

ذکر شده را تا حد امکان در آثار خود پیاده کرده‌اند؛ به طوری که در تابلوی «به دار آویختن مسیح» اثر رافائل و در آثار متعدد دیگر (از لئوناردو داوینچی)، رعایت نسبت‌های طلایی به چشم می‌خورد.

#### ۴. رابطه تصویر آموزشی با معیارهای کادربندی

۴-۱. انتخاب کادر مناسب، سوژه را از سرگردانی نجات می‌دهد؛ چرا که کادر معیاری است برای ارزیابی روابط بین اجزای تشکیل دهنده یک تصویر. منتهای کادر افقی احساس

سکون، عمق، سردی و آرامش را القا می‌کند و کادر عمودی، احساس جنبش، نزدیکی، گرمی و التهاب و هیجان را.

۴-۲. اندازه استاندارد

تصویر مستطیلی است که طول آن  $1/33$  برابر عرض آن باشد ( $1 \times 1/33$ ) که این اعداد را با هر مضربی می‌توان در نظر گرفت. مثلاً در مضرب ۳ می‌شود:  $3 \times 4$  و در مضرب ۹ می‌شود:  $9 \times 12$ .

۴-۳. باید دانست، برای این که تصویری به خوبی دیده شود، فاصله

بین چشم و تصویر باید با دو برابر قطر تصویر برابر باشد. از آن جا که فاصله مطلوب دیدن در حدود ۳۰ سانتی متر است، ابعاد تصویرهای



آموزشی بهتر است  $9 \times 12$  باشد که با داشتن قطر ۱۵ سانتی متری، با دانش آموزان راحت تر ارتباط بصری برقرار می کند. [۳]

۴-۴. یکی از قابل بحث ترین مطالب راجع به ترکیب بندی، کشش مغناطیسی کادر است. چهارچوب یا قاب تصویر، کششی بسیار قوی روی سوژه های داخل کادر اعمال می کند؛ به خصوص گوشه های کادر که از برخورد خط افقی و خط عمودی پدید می آیند. اگر سوژه ای در وسط کادر به صورت کوچک قرار گیرد، بر اثر فشار کادر، کوچک تر از حد معمول به نظر می آید و اگر سوژه لبه های کادر را لمس کند، به نظر می رسد که در حال گسترش است و میل به خارج شدن از چهارچوب کادر را دارد. به همین ترتیب، در داخل کادر سوژه هایی که کوچک باشند به طرف سوژه های بزرگ تر جذب می شوند و تحت الشعاع آن ها قرار می گیرند. [۴]

### شناخت دقیق زمینه و موضوع و رعایت اصول مربوط به آن ها در تصویرسازی، عملاً باعث ارتقای سایر عوامل زیباشناسی تصویر می شود



با وجود تمامی این توضیحات، مبحث ترکیب بندی عصاره و نتیجه نهایی مباحث زیباشناسی تصویر است و هر هنرمند در واقع در این ارزشیابی نهایی است که می تواند تمام اطلاعات خود را به نمایش بگذارد. دانش انسان نسبت به خود و محیط اطرافش دائماً گسترش می یابد و در هر یافته ای، ترکیب بندی و نظمی شگرف دیده می شود که ناظم بی همتا در تمام پدیده ها به ودیعه نهاده است. کشف چنین ترکیب بندی هایی از طبیعت است که پایه های سازمان بندی هنری را می سازند و الگوی واقعی هر هنرمند محقق قرار می گیرند.

### ۵. رابطه تصویر آموزشی با خط ها

خط افق در کنار دریا، خطوط زاویه دار صخره ها و کوهستان ها، خطوط راست دیوار خانه ها و تیرهای چراغ برق، خطوط قوس دار و موازی سیم های برق کوچه و خیابان، خط لبه میز، چاقو، شیشه و... هر یک در ضمیر ما اثر می گذارند، ولی چون به دیدنشان عادت کرده ایم، معمولاً به تأثیر روانی آن ها چندان توجهی نمی کنیم. در حالی که در کنار دریا، از تماشای خط افق احساس آرامش می کنیم؛ چرا که چشم انسان، در امتداد افق با هیچ مانعی برخورد نمی کند و چون نگاه به آرامی روی چنین خطی می لغزد، در ذهن احساس آرامش پدید می آید.

خط کناری ابرها، پستی و بلندی تپه های شنی یا قوس های نرم و تکراری چشم را نوازش می دهند. اما سنگ های تیز و خطوط دنداندار کوهستان ها، حالت ترس و احتیاط در ما پدید می آورند. نگاه انسان در امتداد خطوط

دندان‌دار لبه‌های کوهستان، دائماً تغییر جهت می‌دهد و خسته می‌شود. یک دیوار کج با تیر چراغ برقی که خم شده باشد (خط مورب)، بدون تردید تأثیر نامطلوبی در روان انسان می‌گذارد؛ چرا که خط مورب، عمودی است که ایستایی خود را از دست داده است و هر آن بیم افتادن آن می‌رود، پس غیر قابل اطمینان است.

خط عمودی (دیوار ساختمان‌های بلند، درختان سپیدار و...) نگاه را به طرف بالا می‌کشاند و نیروی خود را به ما تحمیل می‌کند. حالت نرمی و آزادی خطوط آزاد فاقد نقطه انتهایی مشخص، احساس جست‌وجو کنندگی را القا می‌نماید. لبه چاقو، گوشه‌های میز و همه اشیایی که زوایای تیز و برنده دارند، ایجاد هراس می‌کنند و ما می‌کوشیم که با آن‌ها برخورد نداشته باشیم. در حالی که با خیال راحت بر قوس نرم بالش سر می‌گذاریم و به موی سر کودکی دست می‌کشیم.

همه ما اره نجاری را دیده‌ایم. اگر کف دست را در امتداد پشت اره بکشیم، دست به راحتی بر آن می‌لغزد و خط صافی را لمس می‌کند. ولی دندان‌های اره به دست آسیب می‌رساند و حرکت آن را دچار وقفه می‌کند. همان‌طور که دست در برخورد با دندان‌های اره آسیب می‌بیند، چشم نیز از دیدن خط تیز و دندان‌دار احساس ناراحتی می‌کند. واکنش چشم و مغز نسبت به خط، واکنشی غریزی است؛ مثل واکنشی که از لمس زبری و نرمی، دیدن سفیدی و سیاهی و یا چشیدن شیرینی و شوری داریم.

به هر حال، با شناخت تأثیرات روانی و بصری خط و کاربرد صحیح آن می‌توان، ارزش

هر نوع تصویر و به ویژه تصویرهای آموزشی را فزونی بخشید. البته توجه به تأثیر روانی بصری خط در تصویرگری و این که چه نوع خطی را چه مقدار باید به کار گرفت، بستگی به خواست و نظر تصویرگر و طراح دارد. تصویرگر نسبت به چگونگی موضوع خطوطی را به کار می‌گیرد که تأثیرات خاصی در بیننده ایجاد می‌کند و پیرو همین تأثیرات است که بیننده تصویر، اصطلاحات: طراحی خشک، خشن، بی‌روح، لطیف، مهیج، شاعرانه و نظیر آن را برای توجیه تأثیری که از دیدن یک طراحی کسب کرده است، بیان می‌دارد.

این تأثیرات صرفاً با میزان مهارت طراح در بیان تصویر ارتباط ندارند، بلکه خاصیت روانی بصری خط نیز در قضاوت بینندگان سهمیم و دخیل است. برای مثال، عشق و محبت را می‌توان با خط‌های منحنی و شکل‌های دورانی،





بافت‌های نرم و اندازه‌های مشابه یا نزدیک به یکدیگر نشان داد و نفرت را که ضدعشق است، می‌توان با خطوط زاویه‌دار و شکل‌های هندسی گوشه‌دار و بافت‌های درشت و زبر و اندازه‌های متشابه ارائه کرد. [۵] یا در ترسیم تصویری راجع به جنگ، چهره دشمن را با خطوط تیز و شکننده و چهره دوست را با خطوط نرم نقش زد. در ادامه این نوشتار، به معرفی انواع خطوط و تأثیرات روانی آن‌ها می‌پردازیم.

۵-۱. خط عمودی: خطی است نیرومند و فعال و نمایشگر تعادل و ایستایی. بلندی را نشان می‌دهد و نه گستردگی را. گرمی را می‌نمایاند نه سردی را. عده‌ای معتقدند، وجود خط ایستاده در امضای افراد، نشانه مصمم بودن آن‌هاست.

۵-۲. خط افقی: خطی است آرام و بی‌هیجان و خشک؛ مثل انسانی که خفته باشد. ۵-۳. خط کج: عمودی است که تعادل خود را از دست داده؛ خطی است نامطمئن، عصبی و مهیج.

۵-۴. خط زاویه‌دار: خطی است که مسیرگردشش در زمان‌های مختلف تغییر کرده



است.

۵-۵. خط دندانه‌دار: از تکرار یکنواخت و یا ناهماهنگ خط زاویه‌دار پدید می‌آید. این خط آسیب‌رسان است و انسان با دیدن آن یاد شیشه یا تیزی سنگ می‌افتد.

۵-۶. خط منحنی: بخشی از یک دایره است. خطی است نرم، لغزنده، بدون خطر و آرامش‌دهنده. نوسانات خطوط منحنی را روی تپه‌های شنی می‌توان مشاهده کرد. این خط چشم‌نواز است و رنگین‌کمان و نور سحرگاهی را که آرامش‌بخشند، تداعی می‌کند.

۵-۷. خط موج: خطی است که از تکرار نامنظم، منحنی‌ها پدید می‌آید. با قوس‌های بزرگ، انسان را یاد موج دریا می‌اندازد که هیبت و عظمت دارد و با قوس‌های کوچک، تداعی‌کننده حرکت‌های حقیر است.

۵-۸. خط مارپیچ: گسترش منحنی‌هایی

است که گرد یک محور می چرخند. [۶]  
 اما نظریه مهم دیگری که در مورد خط و استفاده از آن در طراحی وجود دارد، حاکی از آن است که خط وسیله‌ای است برای نشان دادن صورت‌هایی که هنوز در دنیای واقعی وجود ندارند و فقط در خیال انسان هستند. کیفیت سیال و قابل انعطاف خط، به آزادی در آزمون و تجربه شکل‌ها کمک بسیاری می‌کند. خط با وجود آزاد بودن مبهم نیست، بلکه مشخص و دارای جهت و هدف است و حدود تصویر آموزشی را نیز تعیین می‌کند.

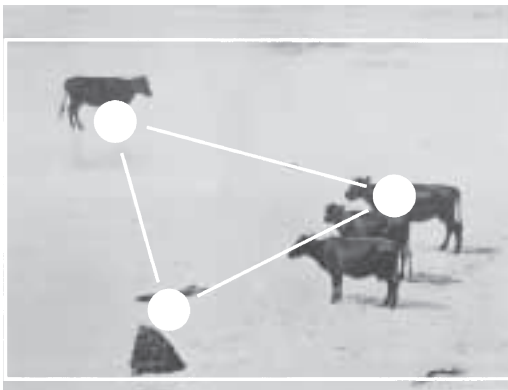
به دست یک هنرمند، خط می‌تواند بسیار ظریف و لرزان، یا درشت و سنگین رسم شود و یا حالت مردد، جست‌وجوگر و سرگردان به خود بگیرد. بنابراین، در طراحی تصویرهای کتاب‌های آموزشی خط می‌تواند اطلاعات عدیده‌ای را به بیننده انتقال دهد و چون دنیای کودک تصویری تر از دنیای نوجوانان است، شناخت خطوط توسط تصویرگر و استفاده صحیح از آن‌ها، به ارتباطی قابل قبول بین تصویر و دانش آموز می‌انجامد.

۱-۶. مثلث: شکل هندسی فعالی است که حرکت روبه بالا را القا می‌کند و پرنرژی‌ترین شکل‌هاست. در ترکیب بندی، باید رأس و قاعده مثلث در تصویر دیده شوند. مثلاً اگر می‌خواهیم تصویر فردی را که پشت میز نشسته طراحی کنیم، باید دست‌های او که بر

## ۶. تصویر آموزشی از بعد شکل

شکل را می‌توان این‌طور تعریف کرد:  
 «نحوه طراحی خط و سطح برای تجسم یک شیء» [۷]

حوزه شکل‌ها بسیار وسیع است و تماشای هر جسمی از زوایای متفاوت، ممکن است تأثیرات متفاوتی از مجموعه خطوط و سطوح خود بر بیننده بگذارد. شکل نسبت به رنگ توجه کم‌تری را جلب می‌کند، زیرا به عکس‌العملی نیاز دارد که در آن، تفکر بر



میز تکیه دارد (به عنوان قاعدهٔ مثلث)، در تصویر دیده شود. در غیر این صورت (مغناطیس کادر)، تصویر نازیبا می شود و مشاهده گر احساس می کند که فرد در حالت پائین افتادن و سقوط است.

۶-۲. دایره: این شکل شروع و انجامی ندارد. مظهر بی نهایت و نشان کمال توازن است. شکلی است سبک و پرتحرک؛ مثل تصویر بادکنک‌هایی که وقتی با رنگ‌های زنده در تصویرهای کتاب‌های کودکان ترسیم می شود، نوعی شادابی را القا می کند.

**اگر تمام محیط دید انسان یک رنگ و تمام سایه روشن‌ها بدون استثنا به خاکستری تبدیل شوند، حالت رؤیت بدون نگاه کردن پیش می آید که چون زیستن بدون زنده بودن است**

۶-۳. مستطیل: این شکل نه تنها بهترین کادر برای تصویر است، بلکه شکلی هندسی را ارائه می دهد که دارای بیشترین کاربرد نیز هست. این شکل خواه برای تصویر، خواه برای وسائل زندگی یا الگوهای معماری و یا... در نظر گرفته شود. از نظر دخالت ابتکار انسان، مستعدترین شکل هاست. اتاق‌ها، تلویزیون، دریچه دید دوربین عکاسی، تخته سیاه و... اغلب مستطیلی شکل هستند. بنابراین بهتر است، تصویرهایی هم که در کتاب‌های آموزشی چاپ می شوند، در کادر مستطیلی افقی قرار گیرند.

## ۷. رابطه تصویر آموزشی با کنتراست (تباين)

هر مفهومی در مقابل ضد خود معنی پیدا می کند. بدون سرما، گرمایی وجود ندارد و بدون پستی، بلندی به چشم نمی آید، تضاد یا کنتراست موجود در پدیده‌ها باعث حساس شدن قوای حسی ما نسبت به معنای آن‌ها می شود.

سوزانه لانگر<sup>۴</sup> در مقاله‌ای به نام «انتزاع در علم و هنر» می نویسد: «وحدت جویی احساس از طرفی، و تمایز قائل شدن منطقی از طرف دیگر، با یکدیگر رابطه بسیار نزدیکی دارند که این جزو اصول اولیهٔ مربوط به شکل هاست. این موضوع بر قداما پوشیده نبوده است و بدان وحدت در عین کثرت می گفتند.» [۸]

بدون کنتراست، کلیهٔ مدرکات ذهن از بین می روند و حالتی شبیه به مرگ یا فنا پیش می آید. اگر تمام محیط دید انسان یک رنگ و تمام سایه روشن‌ها بدون استثنا به خاکستری تبدیل شوند، حالت رؤیت بدون نگاه کردن پیش می آید که چون زیستن بدون زنده بودن است.

کنتراست را می توان مبالغه و تأکید در ویژگی‌های یک نقش یا دقیق نمودن آن‌ها در یک تصویر دانست. این عامل برای اجتناب از سردرگمی بیننده بسیار لازم است؛ چرا که اگر در یک اثر بصری، عنصری از ماجراجویی و تحرک وجود نداشته باشد، باعث کدورت و ملال چشم و ذهن می شود. یکی از خطرهایی که تصویر را تهدید می کند، ایجاد حالت کسالت‌بار و یکنواخت است. یک شکل ساده و منظم را می توان زیر تسلط یک شکل نامنظم و تصادفی درآورد تا موجب جلب توجه بیننده شود. با ایجاد سایه روشن یا با استفاده از تضاد رنگ‌ها می توان



به کنتراست لازم دست پیدا کرد؛ به طوری که برای نمایش زیبایی واقعی گل سرخ، باید آن را روی بوته سبز رنگ نشان داد.

بالاخره چنان که می دانیم، دست بردن مقیاس های واقعی، باعث تحریک چشم می شود و این حالت از طریق ضد آن چیزی که عادت داریم ببینیم، ایجاد می گردد. مثلاً برای معرفی شیرخواری در یک تصویر باید ابتدا عکس گاوی را در پس زمینه به صورت کمرنگ ترسیم کرد و بعد موضوع اصلی، یعنی «شیشه شیر» را در اندازه بزرگ طراحی نمود، به این ترتیب، با ایجاد کنتراست جاذبه لازم ایجاد می شود.

یکی از عوامل ایجاد کننده کنتراست، «بافت» می باشد. پس بهتر است دقت بیش تری در این مورد در ساخت تصویرها به عمل آورد؛ چرا که چهارچوب تصویرها با درک انسان سروکار دارد، ولی «بافت» تصویر، احساس لازم را در بیننده پدید می آورد. بافت سطح های نرم انسان را به وسوسه لمس کردن می اندازد و حالتی دوستانه و پرکشش دارد. این همان احساسی است که هنگام دست کشیدن بر پارچه ابریشمی یا کاغذ سنباده به انسان دست می دهد. لمس کردن پوست خز باعث لذت حس لامسه می شود، اما دست کشیدن روی دیوار سیمانی ناخوشایند می نماید.

البته باید یادآوری کرد که پدیده بافت صرفاً با دست کشیدن احساس نمی شود، بلکه بالاتر از دست کشیدن، دیدن در امر ارتباط با مقوله بافت سروکار دارد. معمولاً پس از دیدن یک بافت است که میل داریم، با لمس کردن و دست زدن از وجود آن اطمینان حاصل کنیم.

شاید به همین دلیل باشد که در نمایشگاه ها

به طور مکرر این نوشته را می چسبانند که: «لطفاً دست نزنید.» و یا هنگامی که با چشمان بسته در تاریکی ناچار می شویم اشیا را لمس کنیم، حالتی بسیار محتاطانه برخورد می گیریم. پس در تصویرهای آموزشی باید از سایه و روشن در خطوط و سطوح و رنگ ها بهره جست و نوع بافت اشیا را معرفی کرد. برای مثال، در آموزش بحث «اصطکاک» به فراگیران، تصویرگر جاده یخ زده ای را با رنگ های سفید، آبی و سطحی مسطح و خطوط نرم و روان و دایره ای شکل، ترسیم می کند و برای معرفی لاستیک چرخ ماشین هایی که روی این جاده راه می روند، از تضاد سایه و روشن و سفید، و خطوط زاویه دار و سطحی پرچین بهره می گیرد. به این ترتیب، با استفاده از خاصیت بافت در تصویر، پیام آموزشی لازم به دانش آموزان القا می شود.

#### زیرنویس

1. Negative Space
2. Positive Space
3. Composition
4. Susanne Langer

#### منابع

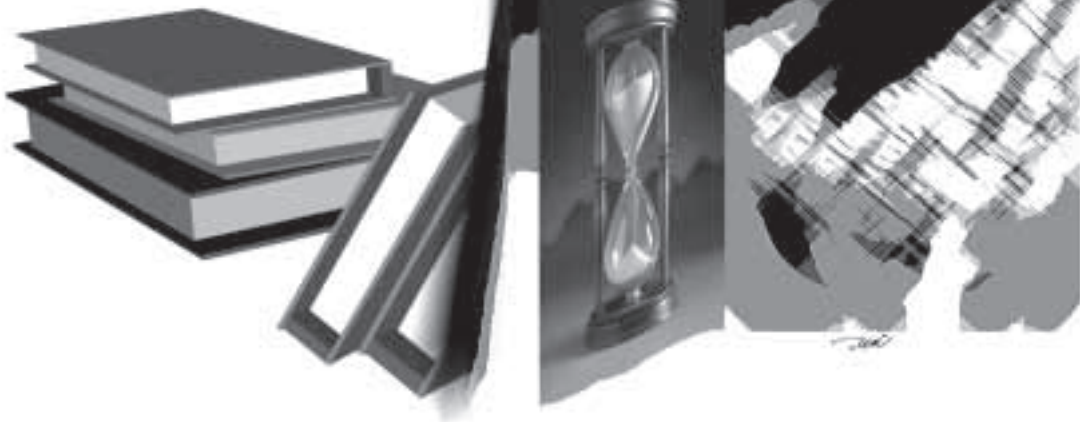
۱. حسین نژاد، دکتر غلامرضا. زیباشناسی تصویر. انتشارات تربیت. چاپ اول. ۱۳۷۱.
۲. علوی، منصور. معماری داخلی. نشر آبی. چاپ اول. ۱۳۶۴.
۳. مانته، هارالد. ترکیب بندی در عکاسی. ترجمه پیروز سیار. انتشارات سروش. چاپ اول. ۱۳۶۵.
۴. منبع شماره ۱
۵. دونیس، اداندریس. مبادی سواد بصری. ترجمه مسعود سپهر. انتشارات سروش. چاپ اول. ۱۳۶۸.
۶. وزیري مقدم. محسن. شیوه طراحی. سروش. چاپ دوم. ۱۳۶۲.
۷. علوی، منصور. معماری داخلی. نشر آبی. چاپ اول. ۱۳۶۴.
۸. منبع شماره ۱.

## اشاره

برای تدوین برنامهٔ درسی، خواه به فراگیران به عنوان یک اجتماع یادگیری در کنار جامعهٔ اصلی بنگریم (دیدگاه اجتماعی)، خواه بکوشیم مراحل رشد فراگیران را با درک و فهم آنان پیوند دهیم (دیدگاه رشدگرا)، خواه به نحوهٔ تفکر و پرورش مهارت‌های فکری فراگیران اهمیت بدهیم (دیدگاه شناختی)، و خواه آموزش را با انگیزه‌ها و علاقه‌های فراگیران آغاز کنیم و ادامه دهیم (دیدگاه انسان‌گرایانه)، در هر صورت، آرمان ما تربیت شهروندی است که با استفاده از مهارت‌های آموزشی و نگرش‌های مثبت علمی، آموختن را در همهٔ مراحل زندگی شعار و عمل خویش قرار دهد و با احساس نیاز به یادگیری، به استقبال تغییر و نوآوری برود، تربیت انسانی متفکر، منتقد و محقق که می‌داند هر موضوع دلخواه خود را چگونه بیاموزد. اما میان این وضعیت مطلوب و وضعیت موجود شکافی وجود دارد که محتوای این مقاله می‌کوشد، راه از میان برداشتن آن را بنماید. در واقع، خوانندهٔ علاقه‌مند به این موضوع، با مطالعهٔ دقیق ملاک‌هایی که در مقالهٔ حاضر در مورد جهت‌گیری و رویکردهای نوین در تدوین برنامهٔ درسی علوم تجربی ارائه شده است، به راحتی می‌تواند قضاوت کند که هر درس علوم تجربی در وضعیت موجود، تا چه حد در انطباق با آخرین یافته‌های تدوین برنامهٔ درسی قرار دارد.

**برنامهٔ درسی «یک چهارچوب سازمان یافته است که از طریق آن، دانش‌آموزان به هدف‌های مشخص شده در برنامه دست می‌یابند».**

# جهت‌گیری و رویکردها در برنامهٔ درسی علوم تجربی<sup>۱</sup>



## الف. جهت‌گیری‌های اصلی

در برنامه‌درسی علوم تجربی، سه جهت‌گیری اصلی وجود دارد:

۱. دانستنی‌های ضروری و سایر هدف‌های آموزشی، به گونه‌ای روشن و واضح طرح می‌شوند و این هدف‌ها، آشکارا بر تداوم پیشرفت در یادگیری علوم تأکید دارند.

۲. در فرایند ارزشیابی، تمرکز بر ارزشیابی تشخیصی و تکوینی است تا میزان یادگیری دانش‌آموزان افزایش یابد.

۳. برنامه‌درسی علوم تجربی، «نیازهای اولیه‌کودکان» را مهم‌ترین شرط توجه به زمینه‌های ارائه شده در محتوای کتاب‌های درسی قرار می‌دهد تا «آموزش معنادار» تحقق یابد و محتوای دانش، برخاسته از زندگی دانش‌آموزان باشد و آن‌ها را هدایت کند. در این صورت دانش‌آموزان می‌توانند رابطه میان علم، جامعه و فناوری را درک کنند.

محتوای دانستنی‌ها (هدف‌های دانشی) در چهار زمینه اصلی یا موضوع (رشته) قابل طرح هستند:

۳-۱. علوم فیزیکی (فیزیک و شیمی): هدف‌های مربوط به درک واقعیت‌ها و اصول و قوانین حاکم بر ماده و انرژی، تغییرات مواد و بر همکنش ماده و انرژی.

۳-۲. علوم زیستی: هدف‌های مربوط به درک دنیای زنده گیاهان، جانوران و روابط

موجود میان آن‌ها.

۳-۳. علوم زمین: هدف‌های مربوط به درک زمین و ماورای آن.

۳-۴. علوم بهداشتی: هدف‌های مربوط به درک کارکرد و سلامت بدن انسان.

هرچند این تقسیم‌بندی، به معنای تعیین مرز میان رشته‌های علمی نیست، اما در عین حال تلاش می‌شود، مهارت‌ها و نگرش‌های علمی، و نیز درک کلی از ماهیت علم و ارتباط آن با فناوری، احساس فراگیران را در مسیر درک «هماهنگی طبیعت» پیرامونشان، هدایت کند.

در جریان آموزش علوم، فراگیران درک می‌کنند که دانشمندان چگونه با به کارگیری «رویه‌های نظام‌مدار خلاق تحقیق» بدنه دانش را در شاخه‌های گوناگون آن پدید آورده‌اند. امروزه نیز یادگیری علوم بر پایه درک دنیایی که در آن زندگی و کار می‌کنیم، بنا شده است. علم و فناوری در عرصه‌های متنوع زندگی و جامعه نفوذ کرده‌اند. این وابستگی ما به علم و فناوری است که سطح بالایی از سواد علمی را برای همگان تقاضا می‌کند.

برنامه‌درسی علوم تجربی، چارچوبی را در یادگیری علوم برای دانش‌آموزان فراهم آورده است. این چارچوب از شش رشته تشکیل شده است که همانند تار و پود پارچه‌ای درهم تنیده و یکپارچه شده‌اند.

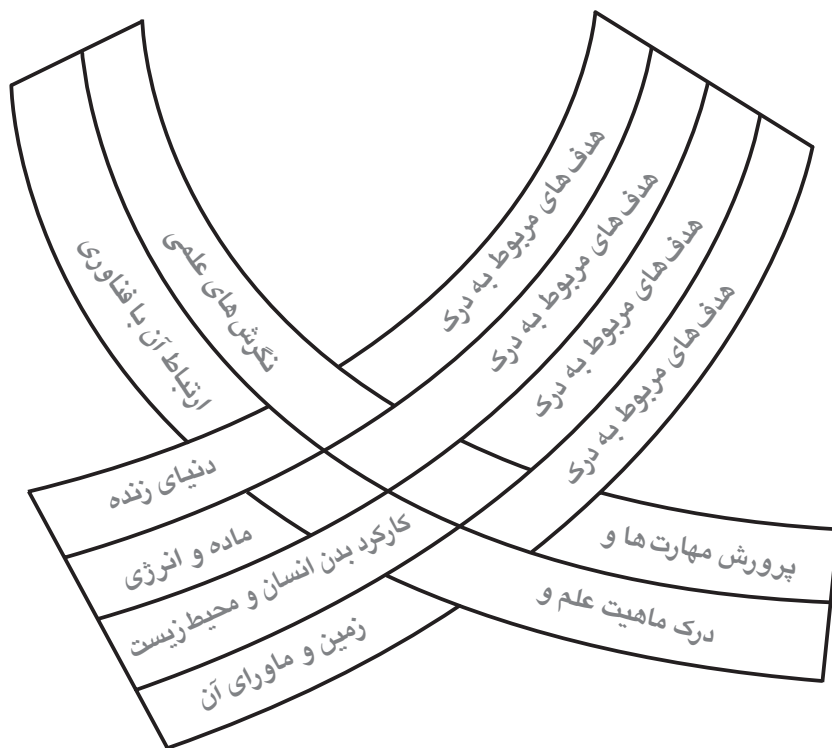
چهار رشته آن عبارتند از: چهار زمینه اصلی علوم تجربی (علوم فیزیک، علوم زیستی، علوم زمین و علوم بهداشتی) و دو رشته دیگر که در

دانش‌های بشر و فرایند جست‌وجو و کاوش مداوم است. این نگاه، برنامه دریم تنیده‌ای را به وجود می‌آورد که در آن، پرورش مهارت‌های علمی و نگرش‌ها، رشته‌هایی تلفیقی و ارتباطی جدانشدنی را بین موضوعات علمی ایجاد می‌کنند. نمودار زیر این ارتباط و درهم‌تنیدگی را نشان می‌دهد.

### ب. رویکردهای اساسی

برنامه درسی علوم تجربی، همچون هر برنامه درسی دیگری، موضع‌گیری‌هایی اساسی درباره فرایند «یاددهی-یادگیری» و ابعاد گوناگون نظری و عملی آن دارد. مجموعه این دیدگاه‌ها

لابه‌لای این چهار رشته عامل بافت و پیوند به حساب می‌آیند، «مهارت‌ها و نگرش‌ها»، و «درک ماهیت علوم و ارتباط آن با فناوری» هستند. تفکیک هدف‌های دانشی، این هدف‌ها را روشن و آشکار می‌کند. مهارت‌ها به عنوان «راه کار یادگیری»، زمینه مشارکت دانش‌آموزان را در درک مفاهیم و هدف‌های مورد نظر فراهم می‌کنند و ارزشیابی تکوینی را به منظور افزایش یادگیری واقعی ممکن می‌سازند. نگرش‌ها از یک سو نیازهای پایه دانش‌آموزان را مطرح می‌کنند و از سوی دیگر، فرصت تحقق هدف‌های اجتماعی را فراهم می‌سازند. در مجموع می‌توان گفت که علم، شامل





## در آموزش علوم، بر درگیر ساختن هرچه بیش تر دانش آموزان در فرصت های یادگیری و دوری از رویکردهای «معلم محور» تأکید شده است

در ابعاد گوناگون، رویکرد برنامه درسی را مشخص می سازند. مهم ترین این ابعاد عبارتند از: آرمان های تربیتی، تلقی و نگاه خاص به جریان یادگیری و فرایند آموزشی و نقش محیط یادگیری، نقش معلم، نقش یادگیرندگان، و روش های سنجش و ارزشیابی آموخته ها. پیش از توضیح در مورد هر یک از این ابعاد، لازم است یادآوری شود که در تدوین برنامه درسی، دیدگاه های متفاوتی وجود دارند. دیدگاه برنامه درسی علوم تجربی را می توان تلفیقی از دیدگاه های اجتماعی، رشدگرا، شناختی و انسان گرایانه به شمار آورد.

### - دیدگاه اجتماعی:

در برنامه درسی علوم تجربی به فراگیران در بستر و شرایط خاص اجتماعی نگریسته می شود و مدرسه به عنوان یک اجتماع یادگیری در کنار جامعه و نیز بخشی از آن، ظاهر می شود.

### - دیدگاه رشدگرا:

بر تمهیدات و ایجاد شرایط تسهیل رشد و تحول دانش آموزان تأکید می شود. این برنامه محیط های یادگیری را به گونه ای طراحی می کند که در آن ها تلاش و فعالیت برای بلوغ و تعالی معنا می یابد و فرصت یادگیری معناداری به وجود می آید. به این ترتیب مفاهیم مربوط به مراحل رشد را در ابعاد تازه ای که با درک و فهم، پیوند پیدا می کنند، می پذیرد.

- دیدگاه شناختی: به نحوه تفکر و پرورش مهارت های فکری (استنباط، تفکر نقاد، فرضیه سازی و ...) اهمیت می دهد.

### - دیدگاه انسان گرایانه:

آموزش را با انگیزه ها و علاقه های فراگیران آغاز می کند و ادامه می دهد. «آموزش و پرورش عاطفی» که در تعالی خودپنداره دانش آموزان و رشد مهارت های فردی و گروهی آن ها معنا پیدا می کند، از هدف های آموزش علوم است.

در فرصت دیگری، هر یک از ابعاد و رویکردهای برنامه درسی علوم تجربی، جداگانه بحث خواهند شد. در این جا به طور اجمال، به نکات برجسته ابعادی که مطالعه آن ها، ضرورت دارد اشاره می شود:

۱. آرمان ها: تأکیدها و آرمان های این برنامه، با توجه به فلسفه آموزش علوم تجربی و سواد علمی و فناورانه روشن می شود. آموزش علوم، به عنوان بخشی از کل آموزش، در پی آن است، شهروندانی تربیت کند که با استفاده

از مهارت‌های آموزشی و نگرش‌های مثبت علمی، آموختن را در همه مراحل زندگی شعاع و عمل خویش قرار دهند و با احساس نیاز به یادگیری، به استقبال تغییر و نوآوری بروند. آموزش علوم، با تأکید بر آموزش همگانی، تشکیل «یک جامعه یادگیرنده» را آرمان خود می‌داند.

هدف این آموزش، تربیت متفکرانی است که خلاق بار بیایند، دید انتقادی پیدا بکنند، از کنجکاوای علمی در دنیای پیرامون خود لذت

آموزش حاصل نمی‌شوند، بلکه برای رسیدن به آن‌ها، باید قابلیت‌های ذهنی در حال رشد فراگیران، از طریق ایجاد زمینه مناسب برای «یادگیری تحولی» به چالش دعوت شوند. مهارت‌ها و ارزش‌های علمی، در همه ابعاد فردی و اجتماعی آن، با جهت‌گیری مناسب نسبت به خود و محیط اطراف به دست می‌آیند. این جهت‌گیری‌ها تنها وقتی امکان‌پذیرند که کودکان فعالانه در ساختن و بازسازی محیط فیزیکی، اجتماعی و اخلاقی خود شرکت داشته باشند.

در رویکرد نوین آموزش علوم، یادگیری همواره عملی خلاقانه تلقی می‌شود. هر یادگیری، مستلزم پرداختن به محیط، به طریقی نوآورانه است. این نوآوری، ناشی از فعالیت‌های ذهنی یادگیرنده و تحت تأثیر موضوعی است که با آن سرو کار داریم. انسان هرگز به نسخه برداری ساده از متن نمی‌پردازد، بلکه شناسایی او، از نحوه برخورد اختصاصی خودش با محیط، تأثیر می‌پذیرد.

## دیدگاه برنامه درسی علوم تجربی را می‌توان تلفیقی از دیدگاه‌های اجتماعی، رشدگرا، شناختی و انسان‌گرایانه به شمار آورد

ببرند، برای تحقیقات علمی و فناوریانه ارزش قائل شوند و از آن‌ها در جهت زندگی سالم و آسوده بهره ببرند. همچنین آماده دریافت شواهد و رویدادهای تازه باشند و در کنار مزایای علم و فناوری، از عیب‌ها و دخالت‌های نادرست آن‌ها در محیط زیست آگاهی داشته باشند و محدودیت‌ها و توانایی‌های علم و فناوری را همراه با هم درک کنند.

۲. فرایند یادگیری: هدف‌های برنامه با

۳. ساختارگرایی: فرایند یادگیری و آموزش در علوم تجربی، مبتنی بر اصول «ساختارگرایی» است. آموزش علوم به دانش‌آموزان، از موضوع و مسأله مورد علاقه آنان آغاز می‌شود. ارتباط موضوع با اجتماع و قرار داشتن آن در معرض دید و عمل دانش‌آموزان در سواد علمی و فناوریانه، اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود و ساخته شدن این آموزش براساس ساخت‌ها، افکار و اندیشه‌های فعلی دانش‌آموزان اتفاق می‌افتد؛ ساخت‌ها و اندیشه‌هایی که از تعاملات درون جامعه یا یادگیری قبلی دانش‌آموزان در داخل



مدرسه به دست آمده‌اند. در آموزش علوم، بر درگیرساختن هرچه بیش‌تر دانش‌آموزان در فرصت‌های یادگیری و دوری از رویکردهای «معلم محور» تأکید شده است.

۴. یادگیرندگان: براساس فلسفه سواد علمی و فناوریانه، هر یادگیرنده توانایی ذهنی در حال گسترشی دارد و پیوسته در حال تحول است. این نگاه به آموزش علوم، الگویی از آموزش و پرورش تحولی به شمار می‌آید. همه افراد، توانایی‌های لازم را در سنین متفاوت به دست می‌آورند. این تفاوت‌های فردی، می‌توانند به سرعت رشد هوشی و تفاوت در شرایط محیطی مربوط باشند.

۵. مربی و آموزش: مربی تسهیل‌کننده یادگیری است و مهم‌ترین وظیفه او، انطباق برنامه درسی با سطح توانایی ذهنی کودکان است. بنابراین، تناسب محتوا با تحول کودک، به عنوان یک اصل رعایت می‌شود. این برنامه، هنگامی به کودک داده می‌شود که وی توانایی ذهنی لازم را به دست آورده باشد و این به معنای این است که برنامه درسی بررسی و تحلیل شود تا سطح توانایی ذهنی لازم برای تسلط بر آن مشخص شود.

«از این دیدگاه، معلم نیز یک یادگیرنده است. معلمی که درباره برنامه درسی به تجربه می‌پردازد، هم درباره برنامه چیزهایی یاد می‌گیرد و هم درباره دانش‌آموزانی که به آن‌ها درس می‌دهد. کودکانی که با همکاری یکدیگر به فعالیت می‌پردازند و تجربه کارکردن با مطالب برنامه درسی را به دست می‌آورند نیز به طور

همزمان هم در حال تدریس و هم در حال یادگیری هستند.»

۶. سنجش: در آموزش علوم، سنجش فقط نمره دادن نیست، بلکه ثبت تدریجی تلاش‌هایی است که فراگیران در طول مدتی مشخص انجام داده‌اند. پس از تهیه پرونده‌ای که نوشته‌ها، تمرین‌ها، آزمایش‌ها و گزارش‌های دانش‌آموزان را دربر دارد، معلم با نگاهی به آن، برداشت دقیقی از کیفیت کار

## این وابستگی ما به علم و فناوری است که سطح بالایی از سواد علمی را برای همگان تقاضا می‌کند

فراگیران، توانایی‌ها و میزان پیشرفت آن‌ها در این دوره زمانی به دست می‌آورد.

می‌توان معیارهای اساسی در فلسفه و رویکرد جدید آموزش علوم، را چنین خلاصه کرد:

۱. تعیین هدف‌های آموزشی صریح و روشن نتیجه‌ها و حاصل فعالیت‌های آموزشی، روشن و واضح هستند. هر یک از فرصت‌های یادگیری حداقل به یک «برون داد» خاص توجه

دارند؛ هرچند که هدف‌ها، حتی در یک پایه تحصیلی، می‌توانند بنابر شرایط فراگیران متفاوت باشند.

## ۲. تشویق یادگیری علم

برون دادهای علمی، به عنوان نتیجه فرایندهای آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرند. انتظار نمی‌رود، دانش آموزان به تکرار برنامه‌هایی یکنواخت قناعت کنند، بلکه می‌توانند توانایی انجام کارهای تازه را پیدا کنند.

## ۳. معنا بخشیدن به تکالیف و وظایف دانش آموزان، از طریق ارتباط آن‌ها با نتیجه‌های معین یادگیری

هر فعالیت آموزشی می‌تواند یک برون داد معین یا بخشی از آن و یا چند برون داد آموزشی مشخص را پوشش دهد.

## ۴. آغاز آموزش با چشم اندازی اجتماعی

براساس اندیشه‌های ساختارگرایی، برای بهینه سازی ارتباط، آموزش موضوعات از مسأله مورد علاقه جامعه آغاز می‌شود که معرف موضوعات و مسائل مورد علاقه دانش آموزان است.

## ۵. درگیر کردن دانش آموزان در فعالیت‌های حل مسأله و تصمیم گیری

فعال شدن دانش آموزان در حل مسأله و تصمیم گیری، به میزان زیادی به درگیر شدن آنان با موضوع و مسأله مورد علاقه و مورد نیازش به وجود مؤلفه علمی و مطالعه بستگی دارد و بخش



جدایی ناپذیر برنامه درسی است. سؤالاتی علمی که به طور عملی مورد تحقیق قرار می‌گیرند و به راه‌حلی ختم می‌شوند که برخاسته از مسائل مورد علاقه دانش آموز هستند.

۶. مورد توجه قرار دادن مشارکت دانش آموزان ساختارگرایی در عرصه عمل، درگیر شدن دانش آموزان در تفکر، اجرا و بیان یادگیری را ضروری می‌داند و انتظار دارد که در این شرایط، دانش آموزان در همه فعالیت فردی، گروهی و جمعی کلاسی شرکت جویند. این مشارکت شامل کارهای نوشتاری، گفتاری، نمایشی، بارش مغزی، تصمیم گیری و... است.

## ۷. ترسیم نقشه جریان کار و نتایج کارهای آموزشی

آموزگاران، براساس برنامه اجرایی سناریویی برای تدریس تهیه می‌کنند که راه‌های اصلی مورد پیگیری، توالی امور و پیامدهای آن و دستیابی به مفهوم هدف مورد نظر را در بر می‌گیرد.

## ۸. ارزشیابی، بیانگر میزان دستیابی به هدف‌های آموزشی

ارزشیابی، اختصاص نمره به آنچه که دانش آموز بر حسب وظیفه و تکلیف انجام داده است، نیست؛ بلکه تعیین و ثبت موقعیت دانش آموز در تصمیم گیری، قضاوت و پیشنهاد برای مسأله مورد آموزش است.

### زیونویس

۱. برگرفته از سند راهنمای تولید مواد آموزشی علوم تجربی دوره ابتدایی که به سفارش دفتر انتشارات کمک آموزشی تهیه شده است، سال ۱۳۸۲.





## اشاره

در نظام‌های آموزشی متمرکز، برای هر رشتهٔ درسی فقط یک کتاب تألیف و منتشر می‌شود و این یک کتاب، به دلیل محدودیت‌هایی که دارد، همهٔ انتظارات و مخاطب را برآورده نمی‌سازد. در نتیجه، حضور کتاب‌های کمک‌آموزشی متعدد و متنوع در آن رشته، ضرورت پیدا می‌کند. با وجود کتاب‌های کمک‌آموزشی، مسئولان نظام آموزشی می‌توانند امیدوار باشند، کاستی‌ها و محدودیت‌های کتاب درسی تا حد امکان برطرف شوند.

اما این فقط یک روی سکه است. روی دیگر سکه این واقعیت است که برخی انواع کتاب‌های کمک‌درسی و آموزشی، کاستی‌ها و ضعف‌های نظام آموزشی را تشدید و تقویت می‌کنند. از جمله، به خاطر حجم زیاد اطلاعات درسی، کتاب‌های کمک‌درسی به فرموله کردن اطلاعات دست می‌زنند، تا دانش‌آموز همان اندک فرصت تفکر دربارهٔ متن درس را هم از دست بدهد. و یا، منحصر شدن تمامی ارزش‌های تحصیلی در نمرهٔ درس، انواع حل‌المسائل را روانهٔ بازار می‌کند، تا دانش‌آموز فارغ از مطالعهٔ مطالب کتاب درسی، خود را فقط برای امتحان آماده کند.

در این مقاله، نگارنده با تمرکز بر این معضل، نخستین پنجره را برای رسیدن به افق روشن‌تر در زمینهٔ ارتباط سازمان یافته میان تولیدکنندگان کتاب درسی و کتاب کمک‌آموزشی گشوده است.

**سرانه مطالعه در کشور ما براساس مطالعات گذشته ۲ دقیقه اعلام شده. از آنجا که ۷۰ درصد جمعیت کشور ایران زیر ۲۰ سال هستند، لازم است تنوع موجود در کتاب‌ها رعایت شود، چرا که پوشش دادن تمام سلیق نیازمند تنوع کتاب‌هاست.**  
برگرفته از پژوهشی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

# کتاب‌های و درسی



## فرایند برنامه ریزی درسی

« دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی »، یکی از دفاتر چندگانه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی کشور است. به طور کلی می توان گفت، این دفتر متولی برنامه ریزی درسی و تأمین محتوای علمی در هر یک از رشته های علوم پایه، علوم انسانی و... در نظام آموزش و پرورش کشور است.

در این دفتر، هر گروه رشته درسی دارای یک شورای برنامه ریزی است متشکل از: برنامه ریزان درسی، متخصصان موضوعی، کارشناس یا کارشناسان گروه و چند دبیر مجرب. هر گروه طی فرایندی یک یا چند ساله، دست به تولید راهنمای برنامه درسی در رشته خود می زند.

راهنمای برنامه درسی مشتمل است بر هدف های آن درس از دوره ابتدایی تا دوره پیش دانشگاهی، سر فصل ها، روش های یاددهی - یادگیری، مواد و ملزومات مورد نیاز در آموزش آن درس، و بالآخره، شیوه ها و ابزارهای سنجش و ارزشیابی. تمام این موارد به طور مشروح در راهنما منعکس شده است.

بدیهی است، آماده سازی چنین راهنمای برنامه ای که همه هدف ها، مفاهیم،

موضوعات و روش ها را به صورت منسجم داشته باشد، باید بر اساس پژوهش های متعدد و نیز مطالعات تطبیقی که برنامه ریزان را از برنامه درسی سایر کشورها مطلع می سازد، انجام پذیرد.

علاوه بر این، ضرورت دارد به منظور کشف نیازهای علمی و مهارتی در هر رشته درسی، نیازسنجی علمی صورت بگیرد و به کمک پرسشنامه نظر معلمان و صاحب نظران نیز جمع آوری شود. بالاخره زمانی که راهنمای برنامه درسی بر اساس نظرات گوناگون و استفاده از برنامه های کشورهای دیگر تدوین گردید، اعتبار بخشی می شود.

اعتبار بخشی راهنمای برنامه درسی خود یک پروژه تحقیقاتی است که طی آن، راهنمای برنامه ابتدا در اختیار متخصصان موضوعی، همچون استادان دانشگاه، دبیران برگزیده و عده ای از برنامه ریزان درسی قرار می گیرد تا نظرات اصلاحی و تکمیلی خود را بیان کنند. پس از استخراج نظرات رسیده و اعمال آن ها، راهنمای برنامه درسی به عنوان یک دستور العمل و مانیفست تدوین کتاب برای آن درس محسوب شده و سند رسمی گروه درس معرفی می شود.

## ارتباط آن با

منصور ملک عباسی

# کتاب های کمک آموزشی

## تألیف کتاب درسی

که قدرت پردازش نیز دارد، نگاه می‌کند. امروزه سعی بر این است که، محتوای کتاب از حالت اطلاعاتی و حافظه محوری فاصله بگیرد و فقط در صورت نیاز اطلاعات ارائه شود. به علاوه، به مهارت‌های تفکر از قبیل بحث و استدلال و نقادی توجه بیش‌تری معطوف شود و توسعه مهارت‌های فردی و گروهی افزایش یابد.

توجه به این رویکردهای جدید، فرایند تألیف را به امری بسیار تخصصی تبدیل کرده است. به این ترتیب، تألیف کتاب درسی با تألیف کتاب‌های علمی و دانشگاهی بسیار متفاوت می‌باشد.

### سؤال اساسی

بیان این فرایند طولانی نشان می‌دهد که مؤلفان کتاب‌های کمک آموزشی تا چه حد باید سعی کنند، در راستای هدف‌ها و رویکردهای کتاب درسی گام بردارند و این مهم به شناخت هدف‌های آشکار و پنهان در کتاب درسی نیاز مبرم دارد.

آیا مطالعه کتاب درسی و ملاحظه درس‌ها و فصل‌های آن، مؤلفان کتاب‌های کمک آموزشی را قادر می‌سازد که همه هدف‌های کلی، جزئی، رفتاری و رویکردهای حاکم بر آن را در یابند؟ و دقیقاً در همان راستا، کتاب‌های تکمیلی و یا تعمیقی کمک آموزشی طراحی و تدوین نمایند؟

با این نگاه، آیا می‌توان مطمئن بود که کتاب‌های فراوان و متنوعی که امروزه در بازار کتاب‌های کمک آموزشی یافت می‌شوند و در تبلیغات رادیو و تلویزیون، و بر سر هر کوی و

مرحله سوم از فرایند تألیف، مرحله انتخاب فرد یا گروه مؤلفان و تألیف کتاب درسی بر اساس راهنمای برنامه است.

شورای برنامه‌ریزی هر گروه درسی، پس از آن که راهنمای برنامه درسی خود را تدوین و اعتبار بخشی کرد، موظف است از میان کارشناسان گروه خود یا متخصصان موضوعی، و یا دیگر افراد دارای صلاحیت، فرد یا گروهی را به منظور تألیف کتاب درسی برگزیند. سپس بین مؤلف یا مؤلفان از یک سو، و دفتر تألیف و برنامه‌ریزی درسی از سوی دیگر قرارداد تألیف منعقد می‌شود و کار تألیف کتاب بر اساس همان راهنما و با توجه به هدف‌ها و سرفصل‌ها، و با نگاه به رویکرد تعیین شده، درس به درس و فصل به فصل انجام می‌پذیرد. در پایان نیز دستنویس کتاب به شورای برنامه‌ریزی درسی در گروه تحویل داده می‌شود.

بعد از حروفچینی هر فصل از کتاب، چندین بار توسط کارشناسان گروه بازخوانی می‌شود و از نظر نوع تصویرها، نوع و میزان تمرین‌ها و فعالیت‌ها، چگونگی متن‌ها، توجه به رویکردها، محقق شدن هدف‌های مورد نظر، رابطه عمودی و افقی محتوای کتاب و... مورد توجه، بررسی و اظهار نظر قرار می‌گیرد. شورای برنامه‌ریزی درسی می‌کوشد که کتاب درسی از هر نظر معتدل و جامع باشد.

در سال‌های اخیر، «رویکرد فعال» مورد توجه گروه‌های درسی قرار گرفته است و به مخاطب به عنوان فردی صاحب فکر و اندیشه

ما ضمن احترام به مؤلفان آگاه و علاقه مند به توسعه علمی و کاربردی علوم مختلف، از روش آن دسته از کتاب‌های کمک درسی انتقاد می‌کنیم که ناآگاهانه و بی توجه به هدف‌ها و رویکردهای کتاب درسی، مشغول تولید کتاب‌های کمک درسی هستند.

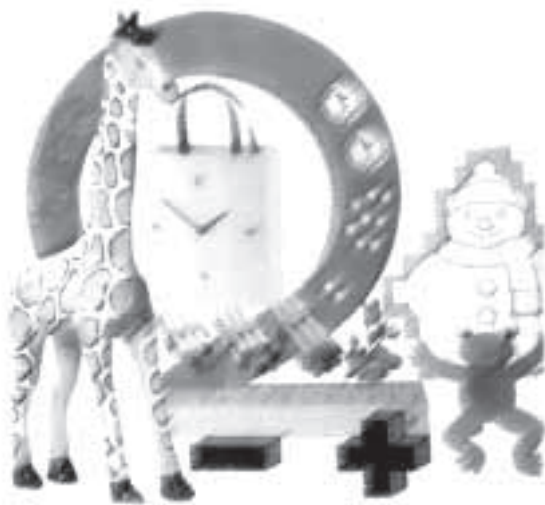
### نیاز به کتاب‌های کمک آموزشی

بدیهی است که برنامه درسی و کتاب‌های درسی، به لحاظ محدودیت‌هایی که دارند، قادر نیستند تمام ضرورت‌ها و نیازهای مورد انتظار از خود را پاسخ دهند؛ به ویژه آن که در نظام متمرکز تألیف کتاب درسی برای تمامی گروه‌ها و قشرهای جامعه دانش آموزی در سراسر کشور، در یک رشته یک کتاب تألیف و منتشر می‌شود و روشن است که یک کتاب درسی همه گونه انتظارات مخاطب خود را

برزن معرفی می‌شوند و همه را به سوی آینده بهتر علمی فرا می‌خوانند، در راستای صحیحی قرار دارند؟ آ

یا اگر نگوئیم همه، برخی از این سلسله انتشارات، خوانندگان، دانش‌آموزان و حتی معلمان را دچار سوء تفاهم نمی‌کنند؟ بررسی برخی کتاب‌های کمک آموزشی رشته‌های درسی حاکی از سوء برداشت مؤلف است که با فرض هدف‌های از قبل تنظیم شده در ذهن خود، با طرح موضوعات جنبی و ارائه فعالیت‌های گوناگون جهت گیری کتاب درسی را به شکلی دیگر می‌نمایاند و به سمت و سوی دیگری می‌برند.

انواع کتاب‌های سؤالات استاندارد، کتاب‌های کار، خودآزمون‌ها، پرسش‌های کاربردی و غیره، دانش‌آموزان را برای شرکت در آزمون‌های ورودی، مدارس تیزهوشان و غیرانتفاعی، یا حضور در المپیادها و کنکور دانشگاه‌ها آماده می‌کنند که با روح کلی هدف‌های کتاب‌های درسی ارتباط چندانی ندارد.



**امروزه سعی بر این است که،  
محتوای کتاب از حالت اطلاعاتی  
و حافظه محوری فاصله بگیرد  
و فقط در صورت نیاز اطلاعات  
ارائه شود**



## الف) کتاب‌های تکمیلی

کتاب‌هایی هستند که به منظور ارائه اطلاعات فراتر از چهار چوب کتاب درسی و برنامه درسی تدوین می‌شوند و می‌توانند به عنوان منبع و مرجع، مورد استفاده دانش‌آموزان و یا معلمان قرارگیرند. این کتاب‌ها براساس هدف‌های کتاب‌های درسی جنبه دانش‌افزایی و مهارتی و حتی روشی دارند و در راستای تکمیل و یا توسعه برنامه‌های مصوب درسی تولید می‌شوند.

ممکن است این کتاب‌ها ضمن توضیح درس، معرفی منابع دیگر، ترسیم اشکال و... فعالیت‌ها و تمرین‌هایی را نیز ارائه کنند و حتی به تدریس و آموزش بپردازند، ولی به هر حال جنبه آموزشی آن‌ها بر تمرین غلبه دارد. قالب‌های مورد استفاده می‌توانند شعر، داستان، سرگرمی، متن، معرفی سایت‌های علمی، طراحی شکل، تمرین و غیره باشند. ولی آنچه که در همه آن‌ها بارز است، تأکید بر آموزش و ارائه محتوای تکمیلی است.

## ب) کتاب‌های تعمیقی

مجموعه کتاب‌های کار و تمرین، سؤالات برتر، خودآزمون‌ها و... کتاب‌هایی هستند که به منظور تعمیق و توسعه مفاهیم، و تثبیت آموخته‌ها در چارچوب برنامه درسی مصوب تهیه می‌شوند. این کتاب‌ها فرصت‌های جدیدی را بر حسب نیازهای متفاوت با تکیه بر تفاوت‌های فردی ایجاد می‌کنند و امکان آموزش جبرانی را نیز فراهم می‌سازند. در این نوع کتاب‌های کمک آموزشی، بر خلاقیت، توسعه مهارت‌های

## کتاب‌های آموزشی هدفمند، باید دقیقاً در حول و حوش محورهای اصلی و هدف‌های کلی و جزئی برنامه درسی تألیف شوند

نمی‌تواند برآورده کند. این جاست که نقش کتاب‌های کمک آموزشی بخوبی معلوم می‌شود. این کتاب‌ها باید بتوانند، خلأ موجود را پر کنند، به مفاهیم عمیق‌بخشند، و در توسعه و تثبیت یادگیری و کسب مهارت پیش‌تر، یاور کتاب درسی باشند.

جای هیچ شک و شبهه‌ای دراهمیت و جایگاه کتاب‌های کمک آموزشی نیست و در همه جای دنیا هم از این گونه کتاب‌ها استقبال می‌شود. اگر ایرادی هست، در سمت‌گیری و جهت بخشی غلطی است که برخی از این گونه کتاب‌ها به منظور منافع بیش‌تر اتخاذ کرده‌اند و بازار آشفته‌ای را به وجود آورده‌اند.

ضرورت دارد مختصراً به انواع کتاب‌های کمک آموزشی و هدف‌های آن‌ها از بعد علمی توجه کنیم. کتاب‌های کمک آموزشی را می‌توان در یک تقسیم‌بندی بسیار کلی به دو گروه «کمک آموزشی تکمیلی» و کتاب‌های «کمک آموزشی تعمیقی» دسته‌بندی کرد.

اجتماعی و هنری، و گسترش مهارت های ذهنی همچون بحث و استدلال و تفکر نقاد تأکید می شود. تأمین فرصت های تازه برای آموزش مجدد، تمرین آموخته ها و غنی سازی آموزشی، از وظایف و هدف های این گونه کتاب هاست.

### نتیجه گیری

از آنچه که گذشت می توان دریافت که کتاب های کمک آموزشی هدفمند، باید دقیقاً در حول و حوش محورهای اصلی و هدف های کلی و جزئی برنامه درسی تألیف شوند. اما آیا بین برنامه ریزان و مؤلفان کتاب های درسی از یک سو و مؤلفان کتاب های کمک آموزشی و مؤسسات انتشاراتی از سوی دیگر، به صورت سیستماتیک و ارگانیک، ارتباطی منطقی وجود دارد؟

حتی اگر به صورت غیر رسمی و نامشخص چنین رابطه ای برقرار باشد، این ارتباط چگونه است؟

متأسفانه برخی از کتاب های کمک آموزشی امروزه جای کتاب های درسی اصلی را به طور کاذب گرفته اند. آزمون ها را به حدی بزرگ جلوه می دهند که گویی آموزش عمومی کشور به منظور ارزشیابی و آزمون نهایی طراحی شده است و چنانچه کسی بتواند، با ایجاد میان برها در ارزیابی ها، به نتایج مطلوب دست یابد، هدف های آموزش عمومی نظام آموزش و پرورش ملی تحقق یافته است. در نتیجه، برای برخی از دانش آموزان، آزمون مداری هدف شده است.

آیا نباید روزی به این مسأله توجه شود؟

آیا نباید نویسندگان محترم کتاب های کمک آموزشی قبل از دست زدن به تألیف، با کارشناسان گروه های برنامه ریزی آموزشی و درسی و معلمان مجرب، به نوعی ارتباط برقرار کنند و با مطالعه راهنمای برنامه درسی و مجموعه راهنماهای تولید کتاب های آموزشی با هدف های کلی، اصول و رویکردهای جدید کتاب های درسی و کمک آموزشی به خوبی آشنا شوند؟

مادر صد پاسخ به این پرسش نیستیم، بلکه قصد داریم، ابتدا فکر چنین ارتباط ارگانیکی را مطرح کنیم تا نیاز آن معلوم شود و سپس به دنبال راه حل باشیم. امید است، صاحب نظران و علاقه مندان بتوانند، بایست نهادات مفید خود، ما را در این زمینه یاری کنند.

### منابع

۱. راهنمای برنامه درسی جغرافیا، دوره متوسطه.
۲. راهنمای برنامه درسی جغرافیا، دوره راهنمایی و ابتدایی.
۳. چگونه کیفیت آموزشی را بهبود بخشیم، ترجمه فرخ لقا رئیس دانا.
۴. فصل نامه شورای سامان بخشی کتاب های آموزشی، شماره ۳، بهار ۸۱.
۵. ویژه نامه سومین جشنواره کتاب های آموزشی، شماره ۴، رشد جوانه، آذر ۸۱.



## اشاره

ضرورت آگاهی از نیازها، و علاقه‌ها و سلیقه‌های دانش‌آموزان، به‌منظور برنامه‌ریزی بهتر و مفیدتر برای تولید و نشر کتاب‌هایی که بالندگی فکری و فرهنگی و علمی آنان را از یکسو و ایجاد، تقویت و تعمیق فرهنگ مطالعه و کتابخوانی را از سوی دیگر موجب شود، اجتناب‌ناپذیر و بدیهی است. به همین منظور، پژوهش حاضر با دو هدف زیر انجام شده است:

۱. دستیابی به میزان مطالعهٔ درسی و غیردرسی دانش‌آموزان استان اصفهان (دورهٔ متوسطه) و منابع مطالعهٔ آنان.

۲. دستیابی به روند موضوعی منابع مورد مطالعه، مؤلف‌های اصلی تأثیرگذار بر میزان مطالعه، موضوع مطالعه و نوع منابع برای انجام پژوهش مزبور، بعد از انجام پیمایش روی ۵۱۷ نفر از دانش‌آموزان دورهٔ متوسطهٔ استان که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده بودند و میزان، نوع و کتاب‌های مطالعه‌شده را روشن می‌ساخت، سیستم مقوله‌بندی متغیرهای تحلیل محتوا تنظیم شد و سپس تعداد ۲۰ عنوان از کتاب‌های پرخواننده، از نظر محتوا و با روش‌های آماری توصیفی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. اهم یافته‌های به‌دست آمده را در دو بخش می‌خوانیم:

**هیچ روشی، برتر از پژوهش نیست.**  
حضرت علی(ع)

# چکیده یافته‌های یک پژوهش

## تحلیل محتوای

کتاب‌های غیردرسی مطالعه‌شده  
توسط دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه  
استان اصفهان<sup>۱</sup>



## الف) یافته‌های بخش پیمایش

درحالی که حدود ۳۷ درصد آنان روزنامه و حدود ۲۸ درصد نیز مجله مطالعه می‌کردند.

● زمینه و حوزه مطالعه بیشترین تعداد افراد «کتاب داستان» (۳۲ درصد) بود. زمینه‌های علمی (۲۵ درصد)، مذهبی (۱۵ درصد) و تخیلی (۱۴ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار داشت. مطالعه در زمینه‌های اخلاقی کمترین میزان را به خود اختصاص داده بود (۶ درصد).

● هدف بیشترین افراد (۶۶ درصد) از مطالعه، سرگرمی و بعد از آن «کمک به یادگیری مطالب درسی» (۲۰ درصد) بود.

● برای تهیه کتاب جهت مطالعه، بیشترین افراد «امانت گرفتن از مدرسه و کتابخانه» (۳۶ درصد) و از دوستان (۲۳ درصد) را مطرح کردند (خرید کتاب (۱۸ درصد) و داشتن در منزل (۱۹ درصد) در مرتبه بعدی قرار داشت.

● بیشترین تعداد افراد (۲۸ درصد) اعلام کردند که بین ۲۰ تا ۵۰ کتاب غیر درسی در منزل دارند. در رتبه بعدی، ۲۶ درصد بین یک تا پنج کتاب و ۱۵ درصد بین ۵ تا ۱۰ کتاب داشتند. کمترین تعداد (۵ درصد) هیچ کتاب غیردرسی در منزل نداشتند.

● افرادی که مطالعه غیردرسی کمی داشتند، علل آن را چنین بیان کردند: زیاد بودن تکالیف درسی (۲۸ درصد)، انجام فعالیت‌ها و کارهای دیگر (۱۹ درصد)، بالا بودن قیمت کتاب (۱۸ درصد)، در دسترس نبودن کتاب (۱۵ درصد)، نبود کتابخانه غنی در محل و مدرسه (۹ درصد) و نداشتن علاقه شخصی (۶ درصد).

● در مورد این که آیا در طول سال تحصیلی گذشته، کتاب غیردرسی مطالعه کرده‌اند یا نه،

● در نمونه‌های انتخاب شده، نیمی از افراد پسر و نیم دیگر دختر بودند؛ به گونه‌ای که ۷۵ درصد آنان در شهر و ۲۰ درصد در روستا زندگی می‌کردند. بقیه محل سکونت خود را مشخص نکرده بودند. این افراد در دامنه سنی ۱۴ تا ۲۱ سال و بیشترین تعداد آنان، شانزده ساله (۲۹ درصد) بودند.

● از نظر پایه تحصیلی، سهم هر پایه در نمونه تقریباً برابر (۳۳ درصد) و از نظر معدل تحصیلی سال قبل، معدل‌ها بین یازده تا بیست بود؛ به گونه‌ای که بیشترین تعداد افراد، معدل پانزده (۱۳ درصد) داشتند.

● از نظر ساعات مطالعه در شبانه‌روز، بیشترین تعداد افراد (۲۸ درصد) بین یک تا دو ساعت مطالعه داشتند و فقط حدود ۸ درصد افراد مطالعه‌ای کم‌تر از یک ساعت را اعلام کردند. حدود ۲۱ درصد افراد نیز بیش از ۴ ساعت مطالعه داشتند.

● جنس، سن، شاخه تحصیلی و معدل افراد روی میزان مطالعه آنان تأثیر داشت، اما پایه تحصیلی، مستقل از آن بود.

● در مورد داشتن مطالعه غیردرسی، بیشترین تعداد افراد (۴۲ درصد) مطالعه کم‌تر از یک ساعت و کمترین آنان (۳ درصد) مطالعه بیش از ۴ ساعت را اعلام کردند.

● میزان مطالعه غیردرسی دانش‌آموزان نیز مستقل از جنس آنان نبود، اما ارتباطی بین مطالعه غیردرسی، سکونت در شهر یا روستا و شاخه تحصیلی افراد وجود نداشت.

● منابع مطالعه غیردرسی حدود ۸۰ درصد دانش‌آموزان، کتاب‌های گوناگون بوده،

فقط ۸ درصد افراد هیچ کتاب غیر درسی مطالعه نکرده بودند و ۹۲ درصد افراد بین یک تا چهار کتاب غیر درسی مطالعه شده را مطرح کردند.

● در میان کتاب‌های غیر درسی مطالعه شده، کتاب‌های زیر به ترتیب، بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص دادند: داستان راستان (۵۷ مورد)، پنجره (۲۳ مورد)، دیوان حافظ (۱۸ مورد)، مثلث برمودا (۱۶ مورد).

● تعداد کل کتاب‌های عنوان شده از سوی دانش‌آموزان، ۸۸۹ عنوان بود.

ب) یافته‌های بخش تحلیل محتوا

● ۱۳ کتاب تألیف، و ۷ کتاب ترجمه و تدوین بود. موضوع اصلی بیش‌تر کتاب‌ها «عشقی» (۷ مورد) و بعد از آن اجتماعی-

خانوادگی (۵ مورد) بود.

● هدف اصلی مطالب کتاب‌های مذهبی مورد تحلیل، «تعلیم و اطلاع‌رسانی» (۴۶ درصد)، و در مرتبه بعد، «تشییق و ترغیب» (۲۳ درصد) و «توصیف و تفسیر» (۱۷ درصد) بود. در میان کتاب‌های مذهبی، به ترتیب از «کتاب‌های حدیث و روایت» (۴۵ درصد)، «کتاب‌های دیگر» (۲۴ درصد) و «قرآن و کتاب‌های حدیث» (۱۷ درصد) بیش‌تر استفاده شده بود.

● ارزش‌های مذهبی، اخلاقی و اجتماعی بیش‌تر از سایر ارزش‌ها در کتاب‌های مذهبی مطرح شده بودند (به ترتیب ۳۷، ۲۵ و ۱۲ درصد).

● موضوع محوری کتاب‌های مذهبی متعدد و متنوع بود، اما بیش‌ترین موارد «وظایف

از نظر ساعات مطالعه در شبانه‌روز، بیش‌ترین تعداد افراد (۲۸ درصد) بین یک تا دو ساعت مطالعه داشتند و فقط حدود ۸ درصد افراد مطالعه‌ای کم‌تر از یک ساعت را اعلام کردند



و احکام مذهبی» (۱۳ درصد)، «اخلاق و آداب اجتماع» (۱۱ درصد) و «شخصیت‌ها و الگوهای مذهبی و دوستی آن‌ها» (۹ درصد) بود.

● در ۹۴ درصد موارد، مطالب کتاب‌های مذهبی کاربردی بودند و بیش‌ترین جنبه‌های کاربرد آن‌ها، «تهدیبی (اخلاقی)» (۴۷ درصد) و بعد از آن «یادگیری» (۱۹ درصد) بود.

● در کتاب‌های داستانی، در ۵۶ درصد موارد قهرمان داستان، زن و غالباً جوان (۴۸ درصد) بود. همچنین، در ۷۸ درصد موارد، وضعیت و پایگاه اقتصادی اجتماعی قهرمان متوسط (۴۸ درصد) و بالا (۳۰ درصد) بود.

در ۶۷ درصد موارد، قهرمان در نقش مثبت و در ۴ درصد موارد در نقش منفی ظاهر می‌شد. در ۷۳ درصد موارد نیز تغییر پایگاه اقتصادی اجتماعی نداشت. اما در مواقعی که این تغییر وجود داشت، در بیش‌تر مواقع (۲۰ درصد)، در مسری صحیح و قانونی و به علت قابلیت‌های فردی و تلاش قهرمان (۱۳ درصد) و در جهت بهبود وضعیت قهرمان (۱۶ درصد) بود.

● روابط بین فردی قهرمان اصلی با سایرین، در ۱۸ درصد موارد سازنده و مفید و در ۱۲ درصد موارد مخرب و غیرسازنده بود. همچنین، عملکرد قهرمان در ۶۳ درصد موارد موفقیت‌آمیز بود. اصلی‌ترین ابزار تأثیرگذاری قهرمان بر مخاطب، در ۴۱ درصد موارد گفتار او و در ۴۱ درصد دیگر گفتار و رفتار او بود.

● روابط بین فردی افراد در ۷۷ درصد موارد مثبت و مطلوب بود و در ۴۵ درصد موارد، پیام‌های داستان به گونه‌ای غیرمستقیم به

مخاطب منتقل می‌شد.

● ارزش‌های ارائه‌شده در کتاب‌های داستانی در بیش‌تر موارد اخلاقی (۴۲ درصد) و بعد از آن، مذهبی (۱۲ درصد) و اجتماعی (۷ درصد) بود. همچنین، ۴۰ درصد مطالب این کتاب‌ها مرتبط با معضلات جامعه و ۶۰ درصد آن‌ها ارتباطی با این معضلات بود. بدآموزی‌های رفتاری، گفتاری، و... فقط در ۴ درصد مطالب وجود داشت. هدف ۴۱ درصد مطالب، سرگرمی و انتقال احساسات بود.

● بیش‌تر مطالب داستان‌ها، آرامش‌بخش (۴۹ درصد) و بخشی از آن‌ها هیجان‌آور (۳۸ درصد) بود. در ۵۱ درصد موارد، داستان‌ها مخاطب را به سمت پیشرفت برمی‌انگیختند. نویسندگان در ۹۶ درصد از موارد، تصویرسازی موفقی از قهرمانان اصلی داشتند و در ۳۳ درصد موارد، بنیان خانواده در داستان حفظ شده بود.

● اصلی‌ترین موضوع در کتاب‌های داستانی، «عشق، عاشقی و دوست داشتن» (۱۷ درصد) و «محببت به دیگران و دوست داشتن آن‌ها» (۱۰ درصد) بود.

■ براساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد شده است، ضمن نظارت و ارزشیابی دقیق محتوای کتاب‌های منتشره، در طول زمان‌های متوالی نیازسنجی‌هایی از اقشار گوناگون و از جمله دانش‌آموزان در مورد نیاز آنان به منابع غیردرسی صورت گیرد و بر مبنای آن، خوراک مطالعاتی آن‌ها تهیه شود.

زیرنویس

۱. پژوهشگر: جواد یارعلی، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان، ناظر: دکتر ثریا معمار، بهمن‌ماه سال ۱۳۷۹.



اشاره

## دنیا

### از آن کسانی است که کتاب می‌خوانند.

«پیام روز جهانی کتاب»

مؤسسه فرهنگی فاطمی، از سال ۱۳۶۱ کار خود را در حیطه نشر آغاز و تاکنون بیش از ۴۰۰ عنوان کتاب و نشریه آموزشی منتشر کرده است. این مؤسسه، دوبار از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان ناشر سال و چندین مرتبه از سوی «نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران»، «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش» و دیگر مراکز فرهنگی به عنوان ناشر برگزیده انتخاب شده است.

به کارنامه مؤسسه فرهنگی فاطمی، باید برگزیده شدن در سومین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد (دوره متوسطه) را نیز افزود. این موضوع، بهانه گفت‌وگوی ما با **ایرج ضرغام** مدیر این مؤسسه شده است.

گفت‌وگو با ایرج ضرغام، مدیر مؤسسه فرهنگی فاطمی

## مهم‌ترین مشکل انحصار و تمرکز کتاب درسی است

جمله نشر کتاب‌های آموزشی، ضروری به نظر می‌رسید.

باتوجه به نکات پیش گفته، می‌توان گفت که همه تولیدات ما کتاب‌های آموزشی است و خوشبختانه، باوجود فراز و فرودها، توانسته‌ایم در این راه استوار بمانیم.

○ تعریف شما از کتاب آموزشی چیست؟  
● پاسخ این سوال به تعریف آموزش برمی‌گردد. بدیهی است که برداشت ما از مفهوم

○ چرا به انتشار کتاب‌های آموزشی روی آورده‌اید و چنددرصد از تولیدات شما در این جهت بوده است؟

● ما بر این باوریم که آموزش و پرورش بنیادی‌ترین عرصه فرهنگی کشور است و چنان با زیرساخت‌های دیگر مرتبط است که بدون تحول در این عرصه، هیچ تغییر اساسی در جامعه امکان‌پذیر نیست. لذا برای رسیدن به هدف‌هایمان، انجام فعالیت‌های فرهنگ و از

آموزش، یادگیری سطحی و شناخت راه و روش‌های نامناسب برای کسب نمره بالاتر در امتحانات نیست، بلکه رویکردمان به آموزش، پرورش خلاقیت، ابتکار و تفکر است. بنابراین کتاب آموزشی، کتابی است که چنین نیازهایی را برآورده کند.

○ آیا آنچه به عنوان کتاب آموزشی تولید می‌شود، به مفهوم دقیق، آموزشی است؟

● خیر. بررسی کتاب‌های منتشر شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، عمده کتاب‌هایی که به عنوان کتاب‌های آموزشی تولید می‌شوند، نگاهی سطحی و بسیار ابتدایی به آموزش دارند. شاید بتوان این نوع آموزش را یادگیری سطحی و طوطی‌وار نامید. کتاب‌های حل المسائل، تست و بیش‌تر کتاب‌هایی که اصطلاحاً «کتاب‌های کمک‌درسی» نامیده می‌شوند، در چنین مقوله‌ای جای می‌گیرند.

○ آیا خود شما استفاده از چنین کتاب‌هایی را توصیه می‌کنید؟

● طبیعی است که بسیاری از این کتاب‌ها را نمی‌پسندیم، ولی نباید فراموش کرد که افزایش تولید و عرضه این گونه کتاب‌ها، اقتضای نظام آموزشی فعلی است. دلیل انتشار این کتاب‌ها با تیراژ کلان، این است که خریدار دارند و احتمالاً به این دلیل خریدار دارند که گرهی از کار دانش‌آموزان را می‌گشایند. درد اصلی، وجود چنین نظام آموزشی است و متأسفانه در حال حاضر نظام آموزشی ما در خدمت ارزشیابی است.

○ آیا انتشارات فاطمی از گروه کارشناس برای تولید کتاب‌های آموزشی استفاده می‌کند؟ این گروه دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

● «مؤسسه فرهنگی فاطمی» از معدود مؤسسات خصوصی است که تصمیم‌گیری‌هایش

براساس نظر عده‌ای کارشناسان مقیم و غیرمقیم درمؤسسه صورت می‌گیرد. این عده، علاوه بر تخصص در رشته‌های علمی، دارای سابقه آموزشی طولانی و تجربه فراوان در امر تألیف، ترجمه و ویرایش هستند. ما به خود می‌بالیم که این مؤسسه، عرصه پرورش نیرو برای نشر کتاب‌های آموزشی بوده است.

○ موضوعات و محتوای کتاب‌های آموزشی خود را بر چه اساسی گزینش و انتخاب می‌کنید؟

● محتوای کتاب‌های مؤسسه فرهنگی فاطمی، عمدتاً از برنامه درسی دانشگاه‌ها و نیز برنامه‌های آموزش و پرورش نشأت می‌گیرند، اما اولویت‌ها براساس طرح‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت، مؤسسه انتخاب می‌شوند. در این طرح‌ها، باتوجه به نوآوری‌ها و ابداعات در عرصه جهانی در رشته‌ها و گروه‌های سنی مختلف نیازهای آموزشی، تعیین می‌شوند.

○ در عرصه تولید کتاب‌های آموزشی، مهم‌ترین مسائل و مشکلات شما چیست؟

● مهم‌ترین مشکل، انحصار و تمرکز کتاب‌های درسی است، انحصاری که لزوماً از توان و تخصص بیش‌تر ناشی نمی‌شود، بلکه تابع ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، و... است. باید انحصار نیمه‌پنهان بعضی از سازمان‌های دولتی و نیمه‌دولتی در عرصه کتاب‌های غیردرسی را نیز به این مشکل اضافه کنیم. این مشکل حتی در عرصه توزیع کتاب‌های آموزشی نیز وجود دارد. مشکل دیگر کمبود کارشناس حرفه‌ای در این زمینه و دشواری تربیت و آموزش این افراد و نگهداری این نیروها در شرایط نابه‌سامان اقتصادی و اجتماعی فعلی است.

## اشاره

در عرصهٔ تعلیم و تربیت محتوای آموزشی در کنار معلم وسیله‌ای اساسی برای تربیت انسان، به شمار می‌رود. همان گونه که در هیچ یک از امور زندگی نمی‌توان بدون هدف و ابزار مناسب حرکت کرد، در طراحی فرصت‌های یادگیری و سازماندهی عناصر اصلی برنامه نیز نمی‌توان بدون توجه به مجموعه‌ای از مسائل ریشه‌ای و بنیادی تصمیم گرفت. در مقاله حاضر، میانی سازماندهی محتوای آموزش فلسفه بررسی می‌شود. **قاعدتاً قبل از این که آموزش فلسفه به‌طور ویژه مطالعه شود، ضروری است که امور فلسفی، روان‌شناختی و اجتماعی تأثیرگذار در یادگیری فلسفه، توضیح داده شود.** به هر میزان که تصویر روشنی از ماهیت انسان، علوم انسانی، زندگی اجتماعی، یادگیری و موارد مشابه به دست آوریم، به همان اندازه در فهم درست ابعاد و محتوا موفق‌تر عمل خواهیم کرد. اولین عامل تأثیرگذار در سازمان محتوا، نگرش برنامه‌ریزان به ماهیت انسان است. هرگونه نگرشی که به انسان داشته باشیم، از همان زاویه به سازمان محتوا می‌نگریم. از نظر «قرآن» انسان موجودی است که از قابلیت الهی شدن برخوردار است و باید با یک حرکت کل‌گرایانه و همه‌جانبه به سوی کمال حرکت کند. اصولاً صراط رستگاری جاده‌ای مستقیم و واحد است و تربیت انسان نیز باید در این حرکت واحد، به‌صورت یکپارچه انجام پذیرد.

علاوه بر انسان‌شناسی، روان‌شناسی، ماهیت زندگی اجتماعی و یادگیری نیز در نحوهٔ سازماندهی تأثیر می‌گذارد. سازمان محتوای آموزشی باید به‌نحوی تنظیم شود که از طریق برنامه درسی یکپارچه، وحدت‌نظر، صلاحیت واحد و یادگیری مؤثر همه‌جانبه را در خود تقویت و به‌وجود آورد.

هدف از تحصیل فلسفه،

ارتقاء انسان از پایین‌ترین مراتب به عالیترین

مراتب کمال است.

«ملاصدرا»

# بررسی مبانی سازمان محتوای آموزش در علوم انسانی با تأکید بر آموزش فلسفه

فخری ملکی



## ماهیت فلسفه

بنابر دیدگاه بسیاری از استادان، «خاستگاه پرسش فلسفه چیست؟ شوق و مقصد فلسفه‌شناسایی است یعنی روکردن به ذات و حقیقت چیزها و کارهاست<sup>۱</sup>». یعنی چون آدمی مایل است به ذات امور پی ببرد، پرسش‌های فلسفی را طرح می‌کند. اگر افلاطون با به کاربردن واژه «دیالکتیک»، آن را به عنوان روشی معرفی می‌کند که روان را اوج می‌دهد، در همین راستا به ماهیت فلسفه نظر دارد. از نظر افلاطون «فیلسوف کسی است که به شناخت ذات هرچیز رسیده است. کسی که به این پایه نرسیده باشد، مفهوم مبهمی از چیزها دارد و نمی‌تواند آن را به خود و دیگران بفهماند<sup>۲</sup>».

در دوران جدید نیز می‌توان بر نظر فیلسوف برجسته «کانت» تکیه کرد. او مفهوم جهانی فلسفه را به رابطه هرگونه شناسایی با مقاصد ذاتی خرد انسان و مفهوم دانشگاهی آن را کوششی برای شناختن خاستگاه و ماهیت شناسایی و حدود آن می‌داند<sup>۳</sup>».

«یاسپرس نیز کار فلسفه را بیدارکردن انسان‌ها می‌داند<sup>۴</sup>». انسان‌ها کی بیدار می‌شوند؟ یقیناً زمانی که به چپستی امور پی ببرند.

از متفکران فلسفه اسلامی نیز می‌توان به فیلسوف شهیر عالم اسلام، ملاصدرا اشاره کرد. او می‌گوید:

«علم ان الفللسفه استکمال النفس الانسانیه بمعرفه حقایق الموجودات علی ماهی علیها والحکم بوجودها تحقیقاً بالبراهین لا اخذاً بالظن ولتقلید، بقدرالوسع الانسانی<sup>۵</sup>». بدان که فلسفه استکمال نفس انسانی است با معرفت به حقایق

موجودات آن‌گونه که هستند و حکم به وجود آن‌ها، از طریق تحقیق، به وسیله براهین نه از روی ظن و تقلید، تاحدی که در توان آدمی است.

درمجموع، باتوجه به آن‌چه که گفته شد می‌توان فلسفه را چنین تعریف کرد: «فلسفه تلاشی است برای فهم ماهیت امور و اتصال آدمی به حقایق». (جدول ۱)

## ماهیت برنامه درسی فلسفه در دوره

### متوسطه

#### نقش و کارکرد فلسفه

● ترویج فلسفه در یک جامعه چه نقش و کارکردی دارد؟ آیا آموزش فلسفه در دوره متوسطه اساساً نقش دارد یا نه؟ نقش آن سازنده است یا خیر؟

۱. فلسفه خوانی و فلسفیدن، مساوی یا ملازم یکدیگر نیستند. اما سوق دادن دانش آموز به تجربه‌های فلسفی یا به تعبیر دقیق‌تر، تسهیل و تصحیح تجربه‌های فلسفی دانش‌آموزان را می‌توان به عنوان ضلعی از اضلاع جهت‌گیری آموزش فلسفه تلقی کرد و برنامه آموزشی فلسفه را در راستای آن طراحی کرد.

۲. افزایش توانایی تفکر روشمند، تقویت اندیشیدن اثربخش و تفکر نقادانه، از آثار سازنده آموزش فلسفه است، اما اولاً، این امر به صورت مشروط قابل طرح است و بستگی به برنامه آموزشی و اجرای موفق آن دارد. ثانیاً، این امور را نیز می‌توان ضلعی از اضلاع برنامه آموزشی که تعیین‌کننده موفقیت آن است، در نظر گرفت.

۳. یکی از تفاوت‌های عمده فلسفه با سایر علوم در این است که آموزش فلسفه علاوه بر افزایش دانش، به افزایش دانایی نیز می‌انجامد، ولی سایر علوم بیش و کم به افزایش دانش مربوط هستند. این نکته در تبیین ارتباط بنیادین تفکر فلسفی با سایر درس‌ها اهمیت فراوان دارد، تأمل در این نکته نشان می‌دهد که آموزش فلسفه لزوماً به افزایش دانایی نمی‌انجامد، بلکه به نوع برنامه آموزشی وابسته است. جهت‌گیری‌های فعلی برنامه‌های درسی فلسفه صرفاً افزایش دانش است.

۴. فلسفه و آموزه‌های دینی دارای سؤال‌های مشترکی هستند و جست‌وجوی این مسائل مشترک موجب همسویی این دو می‌شود. به عنوان مثال، اگر جهت‌گیری

آموزشی فلسفه را خویشتن‌شناسی و وقوف بر رازها و نیازهای وجودی بدانیم، می‌توان یکی از فواید آموزشی فلسفه را ایجاد نیاز به آموزه‌های دینی دانست. در این مثال، خویشتن‌شناسی یکی از هدف‌های آموزش فلسفه است و امر مترتب بر آن، فایده آموزش فلسفه.

### هدف‌های آموزش فلسفه

برنامه آموزشی فلسفه در دوره متوسطه چه هدف یا هدف‌هایی را باید تعقیب کند و چه نیازهایی را باید پاسخگو باشد؟

دیدگاه‌های فیلسوفان سنتی در پاسخ به هدف فلسفه چندان متفاوت نیست. تقریباً اجماع نظر آن‌ها، شناختن موجود به ما هو موجود و تبدیل انسان به عالمی مشابه با عالم کبیر است. اما امروزه در پرتو نظام‌های مختلف و رویکردهای گوناگون، پاسخ‌های متفاوتی به این سؤال داده شده است. دیدگاه‌های ارائه شده در مورد هدف آموزش فلسفه را در چهار نظریه عمده می‌توان طبقه‌بندی کرد:

یک) خودشناسی

دو) تفکر نقادانه و اثربخش

سه) تسهیل و تصحیح تجربه‌های فلسفی  
چهار) آموزش فلسفه به منزله یک رشته

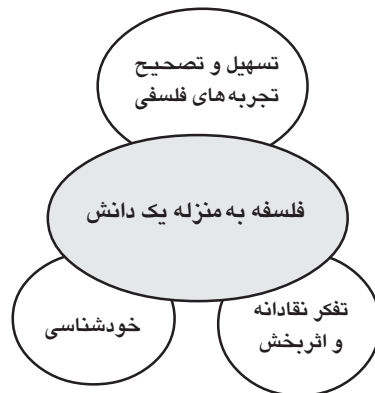
تحصیلی

نکته مهم در تحلیل کلی دیدگاه‌های چهارگانه این است که این دیدگاه‌ها ناسازگار نیستند. هیچ‌کدام جای را بر دیگری تنگ نمی‌کنند، بلکه می‌توان آموزش فلسفه را در راستای هدفی چندسویه طرح‌ریزی کرد.

هسته اصلی این هدف چندضعلی را، فلسفه به منزله یک دانش تشکیل می‌دهد، اما



دانشی نه لزوماً معطوف به نظام خاص فلسفی، بلکه به معنای طرح مسائل کلی معرفت فلسفی، سه هدف دیگر، سایر اضلاع آن هستند.



نمودار ۱. هدف های چندسویه آموزش فلسفه.

- فلسفی دارای اولویت انگاشت:
۱. حقیقت آدمی چیست؟
  ۲. موضع انسان در هستی چیست؟
  ۳. آیا ورای عالم حس و محسوسات، عالم دیگری نیز هست؟
  ۴. آیا جهان هدفدار است و رو به سویی دارد؟
  ۵. آیا زندگی عالم معنا دار است؟
  ۶. آیا انسان بر سرنوشت خود حاکم است؟
  ۷. آیا در جهان، غلبه بر خیر است یا شر یا هیچ کدام؟
  ۸. آیا امکان شناخت وجود دارد؟
  ۹. سعادت آدمی در چیست؟
  ۱۰. آیا جهان آفریننده، نگه دارنده و راهنمایی دارد؟ صفات او چیست؟
  ۱۱. آیا هستی ما و جهان مستقل است یا رابط؟

### مباحث دارای اولویت در آموزش فلسفه

\* چه مباحثی در آموزش فلسفه می تواند در نیل به هدف های یادشده، مؤثر و مقرب باشد؟ طرح چه مسائلی در برنامه فلسفه اولویت دارد؟ پاسخ به این سؤال، باتوجه به دیدگاهی ترکیبی که در بیان هدف های فلسفه به دست آمد، خالی از صعوبت نیست، زیرا برحسب هریک از هدف های یادشده، مباحث فراوانی به میان می آید و کثرت و تنوع مباحث در برنامه درسی دبیرستانی مشکل آفرین می شود. پس به ناچار باید گزینشی درمیان باشد. فلسفه چیزی نیست جز مسائل فلسفی، مسائل فلسفی یا به خودشناسی مربوطند، یا به تفکر نقادانه و اثربخش و یا به مسائل فلسفه به منزله متافیزیک. بر این مبنا می توان مسائل زیر را در طرح مباحث

### شیوه ها و زبان آموزش فلسفه

\* بدون تردید کارایی و اثربخشی برنامه درسی فلسفه منوط به استفاده از شایسته ترین روش ها و مناسب ترین زبان است. این روش ها کدامند؟

۱. برنامه آموزش فلسفه از حیث ساختار زبانی، باید ویژگی های زیر را داشته باشد:
    - ۱-۱. زبان دقیق
- یکی از آفات مهم کتاب های آموزشی، استفاده نابه جا و برداشت های سلیقه ای از مفاهیم دانش مربوطه است.
- به کار گرفتن دقیق، صحیح و بدون ابهام مفاهیم هر علمی از عوامل دقیق بودن زبان

است. عده‌ای گمان دارند که این ویژگی زبان (دقیق بودن) با آسان‌یابی و سادگی زبان منافات دارد، درحالی که چنین نیست.

## ۱-۲. زبان آسان‌یاب

یکی از ویژگی‌های گریزناپذیر آموزش فلسفه به دانش‌آموزان، استفاده از ساده‌ترین زبان ممکن است. زبان پیچیده و آکنده از اصطلاحات نامفهوم و نامأنوس، مانع فهم آموزه‌های فلسفه سبب رکود توانایی اندیشیدن است. بنابراین، صعوبت در زبان با هدف‌های برنامه آموزشی فلسفه منافات دارد.

اما سؤال این است که چگونه می‌توان مفاهیم فلسفی را که غالباً انتزاعی و پیچیده‌اند، در جامعه‌ای ساده و عاری از پیچیدگی انتقال داد؟ سادگی زبان مرهون چیست و چگونه به دست می‌آید؟

این عوامل در مجموع سادگی زبان را تأمین می‌کنند:

۱-۲-۱. استفاده از مثال‌ها و نمونه‌های عینی و سعی در محسوس کردن مفاهیم معقول: این شیوه تأثیر فراوانی در ساده‌سازی آموزش فلسفه دارد، اما اعمال آن دقت و بصیرت کافی می‌طلبد.

۱-۲-۲. استفاده از واژگان ساده: یکی از شیوه‌های ساده‌سازی زبان، استفاده از واژه‌های مأنوس و متعارف و پرهیز از اصطلاحات پیچیده است. سادگی واژگان، مولود سادگی مفاهیم است. یعنی مشکل صرفاً به لغات و الفاظ برنمی‌گردد، بلکه غالباً

پیچیدگی در مفهوم‌سازی‌های فلسفی است که واژگان دشوار را به میان می‌آورد. بنابراین، استفاده از واژگان ساده منوط به مفهوم‌سازی‌های نوین، واضح و روشن است.

۱-۲-۳. ساده‌بودن ساختار جملات: ممکن است جمله مؤلف از واژگان ساده باشد، اما به دلیل ساختار، پیچیده و گنگ باشد. ترکیب جملات باید واضح، کوتاه و رسا باشد. عبارت‌پردازی‌های درازدامن، ابهام‌آور است.

## ۱-۳. ترتیب آموزشی

در آموزش فلسفه، رعایت ترتیب تعلیمی و عبور تدریجی از مفاهیم ساده به پیچیده ضروری است. نباید مباحث، مسبوق به تصور مفاهیم و یا تصدیق اموری باشند که هنوز در باره آن‌ها سخن گفته نشده است. بهتر آن است که در نخستین مواجهه با یک مفهوم فلسفی، آن را به سادگی تعریف کرد و با تغییر در نحوه نگارش یا رنگی نوشتن آن، جدیدبودن مفهوم را یادآور شد. امروزه در منابع آموزشی مغرب‌زمین چنین امری مرسوم و رایج است.

## ۱-۴. زبان باطراوت

آموزش فلسفه به دلیل زبان دقیق و مفاهیم انتزاعی، به خودی خود جذاب نیست، بلکه باید با روش‌هایی به آن طراوت بخشید. ایجاد تنوع، استفاده طبیعی از شعرها، حکایات، کلمات قصار، تصویرپردازی در کلام، فنون فصاحت و بلاغت، همچون فن «اضراب» می‌تواند زبان را نشاط‌آور کند.

## ۵-۱. زبان گفت‌وگو

زبان آموزشی فلسفه باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز را از حالت شنوندگی صرف و تماشاگری محض درآورد و در موقعیت بازیگری و ایفای نقش در آموزش فلسفه قرار دهد. یکی از شیوه‌های مؤثر در این راستا، استفاده از زبان گفت‌وگو است. افلاطون آثار خود را در قالب «گفت‌وگوهای فلسفی سقراط با دیگر حکیمان» ارائه کرده است.

## ۶-۱. زبان داستانی

برخی از صاحب‌نظران استفاده از زبان داستان را توصیه می‌کنند. استفاده ضمنی و نه کلی از زبان داستان از طریق ذکر برخی حکایات، درمقام یادگیری و یا تعریف، کارایی کتاب آموزشی را افزایش می‌دهد.

## ۲. شیوه‌ها

برنامه‌درسی فلسفه محتاج شیوه‌ای کاملاً متفاوت با دیگر درس‌ها و نیز متفاوت با شیوه‌های سنتی است. چند شیوه مهم قابل توصیه هستند:

### ۱-۲. شیوه تحلیلی

فیلسوفان تحلیلی، گام‌های مهمی در آسان‌سازی تفکر فلسفی و اثربخشی آن برداشته‌اند. در شیوه تحلیلی، نقد و داوری، مسبوق به فهم و تصور روشن و واضح از مطلب است و لذا، بر تحلیل ادعا و روش بیان کردن سخن تأکید می‌شود (تحلیل مفهومی و گزاره‌ای).

**تحلیل مسأله و تجزیه آن  
به مسائل سازنده،  
نشان دادن ابعاد متفاوت  
مسأله و روش مطالعه  
آن، در واقع دانش آموز  
را به فلسفیدن نزدیک  
می‌کند**



## ۲-۲. شیوه مسأله محوری

مفهوم محوری، موضوع محوری و مشرب محوری، شیوه‌های گوناگونی هستند که بیش و کم در برنامه‌های آموزش فلسفه به کار گرفته می‌شوند و کارایی و اثربخشی آن‌ها را به شدت کاهش می‌دهند. آموزش فلسفه باید به شیوه مسأله محوری طراحی شود، زیرا جهت‌گیری عمده در این نوع برنامه، افزایش قدرت اندیشیدن و نیز تسهیل تجربه‌های فلسفی است.

مراد از شیوه مسأله محوری آن است که قبل از هر بحثی، ابتدا مسأله مربوط، به صورت کاملاً واضح طرح شود. «حسن السؤال نصف العلم» به معنای همین است که مسأله را خوب طرح کن تا متعلم خود پاسخ را بیابد؛ تحلیل مسأله و تجزیه آن به مسائل سازنده، نشان دادن ابعاد متفاوت مسأله و روش مطالعه آن، در واقع دانش آموز را به فلسفیدن نزدیک می‌کند.

## ۲-۳. شیوه چالش‌زا

روش دیالکتیکی و چالش‌نظام‌مند در آموزش فلسفه، از حیث افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان، تقویت قدرت اندیشیدن و

تسهیل تجربه‌های فلسفی آن‌ها بسیار مؤثر است. ساده‌ترین شیوه در چالش‌زا کردن محتوای آموزشی، طرح آرای مختلف و نقد و داوری دیدگاه‌های مخالف است.

## ۲-۴. رعایت ترتیب منطقی

محتوای آموزشی فلسفه خود باید الگوی نظم باشد. مباحثی که نقش مبادی و مقدمات را دارند، باید ابتدا طرح شوند و مباحثی که منطقی بر آن‌ها مبتنی هستند، باید متأخر باشند. نظم منطقی نقش مؤثری در بالندگی تفکر فلسفی دارد. به همین دلیل، وجود نظم منطقی در محتوای آموزشی فلسفه ضرورت دارد. آن‌چه در این مقام اهمیت دارد، سازگاری دوگونه نظم در محتوای آموزشی است: یکی ترتیب تعلیمی که ملاک آن عبور از سادگی به پیچیدگی است و دیگری ترتیب منطقی که ملاک آن عبور از



**آموزش فلسفه می‌تواند، ذهن  
دانش آموز را نسبت به بنیان‌های  
فلسفی سایر علوم  
شنا سازد**

مبادی و مقدمات به توابع و نتایج است.

همچنین، پیوند وجود که در آموزش فلسفه و دین با سایر درس‌ها در سطح وجودی دانش‌آموز پیدامی‌کند نیز نمایان می‌شود.

### ارتباط فلسفه با سایر آموزش‌ها

ارتباط محتوای آموزشی فلسفه با سایر آموزش‌ها، مسبوق به تصویری است که از جهت‌گیری آن می‌توان داشت. بر مبنای جهت‌گیری چندسویه در آموزش فلسفه، نکات زیر را می‌توان مورد تأکید قرارداد:

سوم: بین آموزش فلسفه و سایر آموزش‌ها ارتباط دوجانبه و شبکه‌ای وجود دارد. نیاز علوم به فلسفه در مبادی تصویری و تصدیقی، روش‌ها و رویکردها از یک طرف، و ارتزاق غیرمستقیم و تحول‌پذیر فلسفه از پیشرفت علوم و فنون از طرف دیگر سبب شده است که همبستگی متقابل بین آن‌ها به وجود آید. برنامه آموزش فلسفه نمی‌توان نسبت به این همبستگی بی‌تفاوت باشد.

اول: هر دانشی بر مبانی فلسفی، روش شناختی و معرفت‌شناختی خاص استوار است. آموزش فلسفه می‌تواند، ذهن دانش‌آموز را نسبت به بنیان‌های فلسفی سایر علوم شنوا سازد. عطف توجه به مبانی معرفتی و فلسفی سایر درس‌ها، به وسیله محتوای آموزشی فلسفه تسهیل می‌شود.

چهارم: آموزش فلسفه پیش از دانش، بر دانایی تأکید می‌کند. بر این مبنا، رابطه این دو محتوا با سایر محتواهای آموزشی که پیش و کم بر دانش تأکید دارند (و نه بر دانایی)، روشن‌تر می‌شود. دانش بر مبنای دانایی استوار می‌گردد و بدون دانایی کارایی و اثربخشی ندارد. معنای این سخن آن است که سایر محتواهای آموزشی از حیث کارایی و اثربخشی بر آموزش فلسفه استوار می‌شوند. (جدول ۲)

دوم: تأکید بر رازها و نیازهای وجودی و خودشناسی در آموزش فلسفه، رابطه پر دامنه‌تری را بین فلسفه و محتوای سایر درس‌ها، به ویژه محتوای آموزش دینی به وجود می‌آورد. بر مبنای تمایز رازها و نیازهای وجودی از مسأله‌ها و حاجت‌های غیر وجودی، می‌توان تمایز و ارتباط مهمی را بین آموزش فلسفه و دین از یک سو، و سایر درس‌ها، از سوی دیگر نشان داد. علوم و فنون (محتوای سایر آموزش‌ها) به مسأله‌ها و حاجت‌های غیر وجودی می‌پردازند و انسان در کنار آن‌ها به آموزشی نیاز دارد که او را نسبت به رازها و نیازهای وجودی، اولاً شنوا سازد و ثانیاً به آن‌ها پاسخی شایسته دهند؛ و این، نیازمندی کلی و بیش و کم همسان دانش‌آموزان در همه مقاطع آموزشی را به فلسفه دینی نشان می‌دهد.

#### زیرنویس

۱. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. درآمدی به فلسفه. انتشارات طهوری. تهران. ۱۳۷۸.
۲. هومن، محمود. تاریخ فلسفه. ج ۱. انتشارات طهوری، تهران. ۱۳۲۷.
۳. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. انتشارات طهوری. ۱۳۷۹.
۴. همان منبع.
۵. جوادی آملی. رحیق مختوم، شرح حکمت متعالیه. بخش یکم از جلد اول. مرکز نشر اسراء. ۱۳۷۵.
۶. فرامرزی قراملکی، احد. جهت‌گیری‌های آموزش منطق و فلسفه دبیرستان. ۱۳۸۰. ص ۹۸-۶۲.

● جدول ۱. مبانی سازماندهی محتوای آموزش فلسفه

ماهیت فلسفه	ماهیت یادگیری	ماهیت زندگی اجتماعی	ماهیت علوم انسانی	ماهیت انسان
<ul style="list-style-type: none"> <li>- خاستگاه فلسفه شوق و مقصد آن شناسایی است.</li> <li>- از نظر افلاطون، دیاکتیک، روان را اوج می دهد.</li> <li>- کارکرد فلسفه بیدارکردن انسان هاست.</li> <li>- فلسفه موجب کمال نفس انسان می شود.</li> <li>- فلسفیدن حالتی از زندگی است که رنگ متمایز آن توجه به شناسایی است و فلسفه حاصل این اندیشیدن است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- همه چیز آدمی به میزان کارآمدی یادگیری وابسته است.</li> <li>- یادگیری مقوله ای چندبعدی است.</li> <li>- ابعاد شناختی، نگرشی و مهارتی، سه وجه اصلی مثلث یادگیری هستند.</li> <li>- یکی از ویژگی های یادگیری مؤثر رابطه متقابل اجزای آن است.</li> <li>- یادگیری مؤثر محصول فعالیت یادگیری است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- زندگی اجتماعی به مثابه یک کل است</li> <li>- زندگی اجتماعی از دو علت اساسی نشأت می گیرد:</li> <li>الف) روح جمعی حاکم بر روابط و شؤون اجتماعی</li> <li>ب) نحوه مواجهه آدمی با مسائل زندگی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- علوم انسانی با پیچیده ترین موجود جهان ارتباط دارد.</li> <li>- دایره تغییر در علوم انسانی در مقایسه با علوم تجربی تنگ تر و محدودتر است.</li> <li>- در حوزه علوم انسانی، نباید تنها به رفتار منطقی آدمی اکتفا کرد.</li> <li>- هدف علوم انسانی کشف واقعیت های وجودی انسان است.</li> <li>- علوم انسانی مانند سایر علوم دلیل طلب است ولی داورهای خود را با دلائل موجود خاتمه یافته تلقی نمی کند.</li> <li>- علوم انسانی از روش های عقلی، اسنادی و اشرافی بهره می برد.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- انسان کمالاتی بالقوه دارد.</li> <li>برای به فعلیت رسیدن امکانات بالقوه وجود به شرایط مطلوب یادگیری نیازمند است.</li> <li>- یکپارچگی و انسجام ساحات فطرت شرط لازم برای رشد است.</li> <li>- دوره نوجوانی و جوانی دوره رشد تکوینی عقل است.</li> <li>- جست و جوی هدف و فلسفه زندگی از ویژگی این دوره است.</li> <li>- ویژگی دیگر جوانان، انعطاف پذیری اوست.</li> <li>- در این مرحله از زندگی است که انتخاب صورت می گیرد.</li> </ul>

● جدول ۲. ماهیت محتوای آموزشی فلسفه

تفصیل و کارکرد	هدف‌ها	مباحث دارای اولویت و اهمیت	شيوه‌ها و زبان آموزش	ارتباط فلسفه با سایر آموزش‌ها
<ul style="list-style-type: none"> <li>- سوق دادن دانش آموز به تجربه‌های فلسفی.</li> <li>- افزایش توانایی تفکر روشن‌اندیشانه و تقویت اندیشیدن اثربخش و تفکر نقادانه.</li> <li>- آموزش فلسفه، علاوه بر یک رشته.</li> <li>- این چهار دیدگاه ناسازگار نیستند.</li> <li>- می‌توان فلسفه را در راستای هدفی چندسویه جهت داد. هسته اصلی این هدف چندضلعی، فلسفه به منزله یک دانش است</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- خودشناسی</li> <li>- تفکر نقادی و اثربخش</li> <li>- تسهیل و تصحیح تجربه‌های فلسفی</li> <li>- آموزش فلسفه به منزله یک رشته.</li> <li>- این چهار دیدگاه ناسازگار نیستند.</li> <li>- می‌توان فلسفه را در راستای هدفی چندسویه جهت داد. هسته اصلی این هدف چندضلعی، فلسفه به منزله یک دانش است</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- فلسفه چیزی نیست جز مسائل فلسفی</li> <li>- به خودشناسی مربوط هستند و یا به تفکر نقادی و اثربخش، و یا به مسائل فلسفه به منزله متافیزیک. بر این مبنا می‌توان مسائل زیر را در طرح مباحث فلسفی دارای اولویت انگاشت:</li> <li>- حقیقت آدمی چیست؟</li> <li>- موضع انسان در هستی چیست؟</li> <li>- آیا امکان شناخت وجود دارد؟</li> <li>- آیا زندگی عالم معنادار است؟</li> <li>- ...</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- از حیث ساختار زبانی به زبان: دقیق</li> <li>- آسان‌یاب</li> <li>- آموزشی</li> <li>- باطراوت</li> <li>- گفت‌وگرایی</li> <li>- داستان</li> <li>- چند شیوه مهم قابل توصیه است:</li> <li>- شیوه تحلیلی</li> <li>- شیوه مسأله محوری</li> <li>- شیوه چالش‌زا</li> <li>- ترتیب منطقی</li> <li>- ترتیب تعلیمی</li> <li>- باید در برنامه آموزشی بین ترتیب منطقی و تعلیمی سازگاری ایجاد کرد.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- آموزش فلسفه می‌تواند ذهن دانش آموز را نسبت به بنیان‌های فلسفی سایر علوم، شنوا سازد.</li> <li>- علوم و فنون به مسأله‌ها و حاجت‌های غیر وجودی می‌پردازند و فلسفه به رازها و نیازهای وجودی و به آن‌ها پاسخی شایسته می‌دهد.</li> <li>- علوم در مبادی تصویری و تصدیقی به فلسفه محتاج هستند. فلسفه نیز غیر مستقیم از علوم ارتقا می‌کند.</li> <li>- فلسفه پیش از دانش، بر دانی تأکید می‌کند. ولی سایر درس‌ها پیش بر دانش تأکید می‌کنند.</li> <li>- دانش بر مبنای دانایی استوار می‌شود و بدون دانی، فاقد کارایی و اثربخشی است.</li> </ul>

## اشاره

**امیر نساجی** در سال ۱۳۴۲ در تهران متولد شد. او فعالیت هنری خود را از نوجوانی آغاز کرد و در سال ۱۳۶۸، به دانشگاه هنر راه یافت تا در رشته نقاشی تحصیل کند. او در سال ۱۳۷۲، جایزه اول نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودک را به دست آورد. هم‌اکنون نیز به تصویرگری کتاب‌های داستانی، مجلات رشد، کتاب‌های «انتشارات مدرسه» و کتاب‌های درسی مشغول است. اما خودش می‌گوید که به نقاشی علاقه دارد. گفت‌وگوی ما را با این تصویرگر و نقاش می‌خوانید.

**تصویرگر مقلد نویسنده نیست،**

**یک شریک است.**

موریس سنداک

○ آقای نساجی به نظر شما تصویر در کتاب‌های آموزشی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا جزو کارهای موفق محسوب شود؟

● تصویرگر باید مسائل اصولی تصویرسازی را در این باره رعایت کند و زیاد حاشیه نرود. تصویرگری کتاب‌های آموزشی، یا تصویرسازی قصه کمی فرق دارد. به هر حال، تصویرسازی تجربی است و براساس تجربیات افرادی که در این زمینه کار کرده‌اند، شکل گرفته است.

○ آیا نقش تخیل در تصویرهای کتاب‌های آموزشی کم‌تر است؟ یعنی تصویر بیش‌تر وابسته به متن است؟

● بله، بیش‌تر وابسته به متن است. وقتی



گفت‌وگو با امیر نساجی، تصویرگر

**ارتباط**

**مثلث ناشر،**

**تصویرگر و نویسنده**



بحث آموزش به میان می‌آید، ما نمی‌توانیم خارج از محدوده آموزشی که در متن آمده است، تصویرسازی کنیم. برای زیباسازی کارهایی می‌شود کرد، ولی اصول اصلی را نباید نادیده گرفت.

○ رابطه ناشر، مؤلف و تصویرگر در جامعه ما چگونه است؟ آیا هر کس در جایگاه خودش قرار دارد؟

● من در جایی صحبتی داشتم و اتفاقاً تأکیدم بر همین بود که باید بتوانیم، مثلث ناشر، تصویرگر و نویسنده را به درستی برقرار کنیم. یعنی، در تولید کتابی که می‌خواهد به یک اثر برجسته تبدیل شود و به دست مخاطب خود برسد، اگر این سه رکن نقش مساوی داشته باشند، موفق است. ولی متأسفانه الان تصمیم‌گیرنده اصلی ناشر است. ناشر خیلی مواقع در کار گرافیک دخالت می‌کند و تصویرساز، بنابه دلائل متعدد، به این قضیه تن می‌دهد. این یک واقعیت است. این است که جایگاه تصویرسازی که زیرمجموعه گرافیک است، خوب نیست.

○ این فقط یک بخش قضیه است که ناشر اجحاف می‌کند، ولی...

● اجحاف نیست، بحث تجارت کار است. تصویرسازی یا گرافیکمان دستخوش تجارت شده است. تصویرگری کتاب کودک، سبک و سیاق خوبی ندارد، یعنی افراط و تفریط دارد. بلافاصله که شما ۲۰ هزار نسخه چاپ کنید، چند هزار نسخه از آن فروش رفته است. ولی مسأله مهم این است که ناشر چه قدر به

ذهنیت تصویرگر وفادار مانده، است. متأسفانه کم‌تر به این موضوع می‌پردازند.

○ یعنی بخشی از مشکلات تصویرگری ما به خاطر ذهنیت نداشتن ناشر است. ولی در مجموع، این ضعف تصویرگری باید دلایل دیگری هم داشته باشد. ما الان مخصوصاً در تصویرگری کتاب‌های آموزشی، با فرایند مثبتی روبه‌رو نیستیم و حتی شاهد نزولش هم بوده‌ایم. ● حالا در این جا ما نمی‌خواهیم از موانع اسم ببریم و آن‌ها را تیر کنیم. در مجموع، حرف اول خودم را می‌زنم: ما وفادار مانده‌ایم به اندیشه‌های گذشته که پیش‌تر در کتاب آموزشی به لحاظ تصویرگری مطرح بوده‌اند و اگر پا را از آن فراتر بگذاریم، احتمال این که تصویر رد شود یا قابل استفاده نباشد، وجود دارد. یعنی ما همچنان داریم کار گذشته را انجام می‌دهیم. یعنی با تصویرسازی علمی روز، چندان هماهنگ نشده‌ایم.

○ این مشکل مخاطب نیست که کار حرفه‌ای و نو را نمی‌پذیرد؟

● مخاطب مشکلی ندارد، چرا که در مصورسازی کتاب‌های غیر آموزشی، جهش‌های گوناگونی رخ داده است. گاهی هم خیلی افراط شده است. یعنی ما دیگر دنیای بچه‌ها را در نظر نمی‌گیریم و به خودمان می‌پردازیم؛ نوپردازی‌های این گونه هم داریم. در بحث‌های آموزشی، باید یک سلسله اصول را رعایت کرد. نوع اجراها هنوز قدیمی است. حالا ما در مورد استثنا بحث نمی‌کنیم، بحث بر سر قاعده است؛ یعنی آنچه که الان

به صورت تیراژ زیاد می بینیم . وگرنه ممکن است ناشری کار آموزشی بکند و از کتاب های خارجی هم استفاده کرده باشد . ظاهراً کتابش را که ورق می زنیم از تصویرهای زیبایی برخوردار است ، ولی آیا تصویرگرش ایرانی بوده است؟ ما خیلی راحت کپی کردن از تصویرهای خارجی را می پذیریم و آن ها را چاپ می کنیم ، ولی اگر تصویرگر خودمان بخواهد نوگرایی بکند ، و دیدگاه جدیدی ارائه دهد ، با چون و چراهای زیادی روبه رو خواهد شد .

## ما خیلی راحت کپی کردن از تصویرهای خارجی را می پذیریم و آن ها را چاپ می کنیم

○ در این بحث که شما فرمودید ، هنوز ذهنیت تصویرگران قدیمی است . فکر نمی کنید که تشکیل یک رشته مستقل دانشگاهی برای تصویرگری بتواند به حل این مشکل کمک کند؟ ● هم اکنون در دانشگاه ها شاخه تصویرگری وجود دارد . زیرمجموعه گرافیک است و دانشجویان آموزش می بینند .

○ منظورم این است که زیرمجموعه نباشد و خودش بتواند به عنوان یک رشته مستقل ، حضور داشته باشد؟ ● بله ، این مدینه فاضله ای است که باید باشد ، ولی آیا هست؟ آیا می شود؟ آیا اصولاً اهمیتش در اولویت هست؟ این ها جای بحث دارد و بحثش هم طولانی و تخصصی است .

○ فکر می کنید خود این تصویرگران در این میان چه کار می توانند بکنند؟ جدا از نقش دولت و سیاست های دولتی .

● فرض کنید من ناشر خصوصی باشم و دیدگاه خاصی نیز داشته باشم . تصویرگر خاص خودم را پیدا می کنم و دیگر بحث هم نمی کنم که ارزان تر یا گران تر بگیر ، این طور کار کن یا آن طور کار نکن . ولی اگر وابستگی دولتی داشته باشم و بخواهم دست به عصا کارکنم ، دوباره تصویرگر محدود می شود به آن فضایی که برایش ترسیم می شود . چون می دانید هنر وقتی برایش تعیین شود که از این زاویه تا آن زاویه حرکت کن ، یا از این نقطه تا آن نقطه کار کن ، دیگر هنر نیست و اجرای هنر است . یعنی دیگر خلاقیت در آن نیست . باید دست هنرمند را باز بگذاریم که خلاقیتش را تا آن جاکه امکان دارد ، بروز دهد .

○ این قضیه در مورد تصویرگری کتاب های آموزشی هم صدق می کند یا به طور کلی می فرمایید؟

● این امر کلی است و در مورد کتاب های آموزشی هم همین طور است . من چند کتاب آموزشی را که تصویرسازی کردم ، برای هر کدام با متخصص همان بحث آموزشی مشورت کردم . آن متخصص ، گرافیک نمی دانست ، ولی با احترام از تصویرگران یاد می کرد و ظاهراً میدان را باز می گذاشت برای این که هرطور که می خواهیم کار کنیم . اما وقتی کاری را که دلمان می خواست آماده می کردیم و می آوردیم ، می گفت : « نه ، کار باید این طوری بشود . » نمونه خارجی هم که نشان می داد ، متعلق به سال های خیلی پیش بود .

○ در مقوله تصویرگری، بخش خصوصی وضعیت بهتری نسبت به بخش دولتی دارد؟

● بخش خصوصی می‌تواند وضعیت بهتری داشته باشد. دستش باز است، یعنی سرمایه‌گذار خودش تنهاست. اگر من به عنوان یک ناشر خصوصی، شما را تصویرگر را به همکاری دعوت کنم، می‌توانم از خودم هزینه کنم، حتی اگر برایم سود نداشته باشد یا مورد نقد منفی قرار بگیرد، می‌توانم این حرکت را انجام دهم. ناشران متعددی نیز در این مقوله، یعنی کتاب‌های آموزشی مشغول کار هستند. بازار کتاب‌های آموزشی هم گرم شده است و دیگر برای کارهای آموزشی دست و دلشان نمی‌لرزد. البته معمولاً کپی می‌کنند؛ یعنی از کار فرنگی استفاده می‌کنند تا هزینه‌ها را پایین بیاورند.

○ فکر می‌کنید جشنواره‌هایی مثل جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد می‌توانند در ارتقای سطح تصویرگری مؤثر باشند؟

● بی‌تأثیر نیستند. تشویق معمولاً می‌تواند مؤثر باشد.

○ چگونه می‌شود این تأثیر را عملی‌تر کرد؟

یعنی چگونه باید برگزیدگان را به جامعه مخاطب به عنوان تصویرگر نمونه معرفی کرد؟ یا خود تصویرگران چگونه می‌توانند این کار را انجام دهند؟

● حالا می‌توانیم در مورد تصویرگران برگزیده بحث نکنیم. بیاییم بگوییم تصویر برگزیده به عنوان الگو کدام است. البته نه این که یک الگو را شابلون کنیم تا بقیه از روی آن کپی

کنند یا مثل آن کار کنند. اما اگر در بحث تصویرگری کتاب‌های آموزشی و دیگر مقولات، نوعی از تصویرگری موفق بوده و به لحاظ آموزشی در مراکز آموزشی پاسخ مثبت داده است، می‌توانیم آن را الگو کنیم و به فکر

متعالی کردن آن باشیم. ولی متأسفانه این اتفاق کم‌تر می‌افتد. معمولاً سعی و خطا می‌کنیم و از این راه می‌خواهیم به نتیجه برسیم. اگر هم نتیجه گرفتیم، بعداً رهاش می‌کنیم و دوباره تجربه جدیدی را دنبال می‌کنیم. در دنیا تا آن جاکه من اطلاع دارم، این رسم نیست. یعنی روی تجربه‌ها خیلی سرمایه گذاشته‌اند و آن‌ها را از دست نمی‌دهند. ما تجربه‌هایمان را راحت از دست می‌دهیم. نمی‌خواهیم منفی بافی کنیم، ولی واقعیت همین است.

معمولاً در مراکز دولتی که باید بیش‌تر روی این قضیه کار بشود، فعالیت جدی کم‌تر می‌بینم. دوستان سعی و تلاش دارند، ولی تلاشی که بار خوبی نمی‌دهد و آفت‌زدایی نمی‌شود.

○ بحث ورود رایانه و استفاده از آن برای کار تصویرگری، در مجموع مفید بوده است یا خیر؟

چون برخی از دوستان معتقدند رایانه، عده‌ای آدم کم‌دانش را در این حیطه وارد کرده است که دارند از آن استفاده می‌کنند، بدون این که اصول و مبانی کار را بدانند.

● باز هم کلی صحبت کنیم که به کسی بر نخورد. رایانه که بد نیست. رایانه دنیای غنی و وسیعی است که هر کاربر به فراخور حال و سوادش از آن استفاده می‌کند. من که سوادم

ناچیز است، در همان حد ابتدایی از آن استفاده می‌کنم.

اگر من حساسیت کاری داشته باشم، همان وسواسی را که در کار تصویرگری با قلم مویم دارم، با رایانه هم خواهم داشت.

○ الان وضعیت چه طور است؟ بیش تر از آن استفاده بهینه می‌شود یا استفاده سودجویانه؟

● تصویرسازی کامپیوتری به آن معنا که شاخص باشد، ندیده‌ام. کارها اغلب ضعیف بوده‌اند. البته عقیده دارم، ما باید کارمان را با افرادی که در دنیا به طور شاخص و برجسته کار می‌کنند، مقایسه کنیم. نباید مرز بیندیم و بگوییم که ما ایرانی هستیم. نه، ما برای مخاطب کار می‌کنیم، در هر جای جهان که باشد. کشورهای پیشرفته دنیاروی این قضیه کار کرده‌اند، ما هم کار می‌کنیم؛ فقط آن‌ها زودتر از ما به این پدیده دست پیدا کرده‌اند. اصلاً کار گرافیک طوری است که رایانه و تکنیک‌های خاص آن را می‌طلبد. ولی ما در تصویرگری، هنوز رایانه را به صورت حرفه‌ای دخالت نداده‌ایم. استفاده ما ناشیانه، تجربی و خام است. ولی این پدیده را نمی‌شود رد کرد؛ یعنی واقعیتی است که باید بپذیریم.

○ اگر بخواهیم جمع بندی بکنیم، با توجه به نکاتی که شما گفتید و بیش تر هم انتقادی بود، چه باید کرد؟

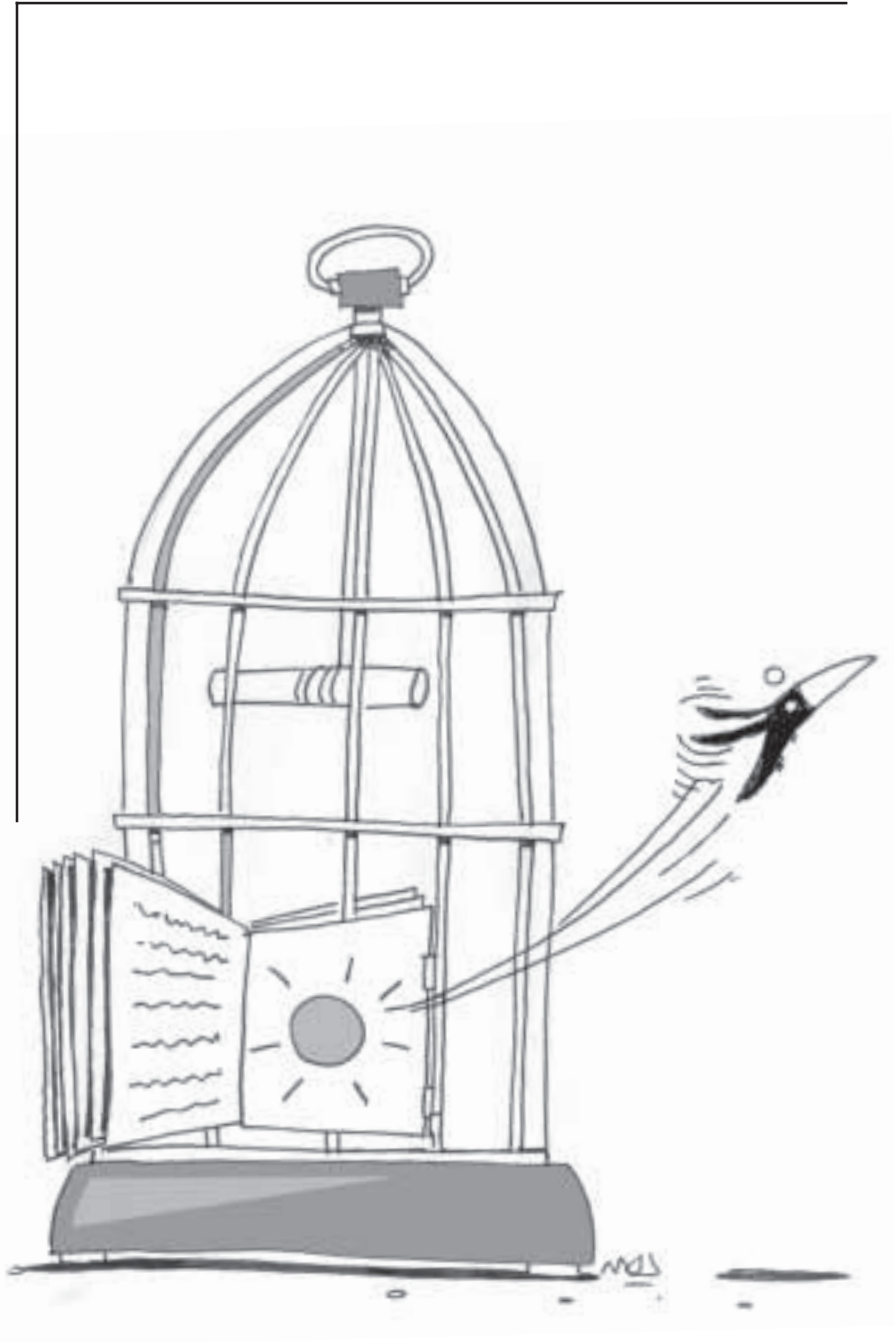
● در بحث تصویرگری کتاب، نباید اقتصادی اندیشید. در چند سال اخیر، نویسنده یا ناشری که به نوعی مؤلف بوده و دیدگاهی خاص برای خودش داشته، موفق تر بوده و در

نمایشگاه‌ها کارش برجسته تر بوده است تا افرادی که خیلی تجاری برخورد کرده‌اند و مدام در این فکر بوده‌اند که چه قدر کاغذ یا مرکب مصرف می‌شود و یا چه قدر کار ارزان تر می‌شود.

## در بحث تصویرگری کتاب، نباید اقتصادی اندیشید

○ یعنی شما معتقدید که مشکل ما در حیطه تصویرگری، با حذف نگاه اقتصادی برطرف می‌شود؟

● اقتصاد وجود دارد و ما نمی‌توانیم اقتصاد را کنار بگذاریم. ما وابسته به اقتصاد هستیم، اما ناشر نباید تنها به فکر هزینه کم و سودآوری بیش تر باشد، زیرا در این صورت بحث آموزش و مخاطب کتاب منتشر شده فراموش می‌شود. باید بپذیریم که این جا نوع و نحوه پرداخت به صورت مناسبی نیست. یعنی به تصویرگر و گرافیست با تجربه می‌گویند: فرد دیگری که تازه کار است با یک سوم مبلغ پیشنهادی شما کار می‌کند. اگر نمی‌خواهید، کار را به او بدهیم! به این شکل کاسبکارانه با کار برخورد می‌کنند و این خوب نیست. چه توقعی داریم که گرافیک و تصویرگری ما بهتر شود؟ تصویرگری زاده روح بشر است. انسانی که دستخوش چنین رفتارهای غیرحرفه‌ای شود، دیدگاه منفی پیدا می‌کند و نمی‌توان از او انتظار خلاقیت داشت.



**انگیزه و اشتیاق چون دو رکاب دوچرخه‌اند،  
منطق و احساس چرخ‌های آن‌ها،  
انعطاف‌پذیری دنده‌های آن‌ها،  
و بی‌تفاوتی، ترمزهای آن‌ها.  
پاتریک آلیس**

#### **اشاره**

در طول یکصد سال اخیر، بارها و بارها شاهد آن بوده‌ایم که بحث «ضرورت اصلاح تولید کتاب‌های آموزشی» بالا گرفته و به ندرت هم به وحدت نظر و رویه برای اصلاح امور انجامیده است. برخی باور داشته‌اند که اصلاحات یکباره و یکشبه محقق نمی‌شود و به تدریج و مرور نیاز دارد و درست مقابل آنان، گروهی بر این عقیده بوده‌اند که با مماشات و تعطل هیچ اصلاحی میسر نمی‌شود. حکمی، قانونی، فرمانی باید باشد تا انجام ناصواب امور، به کلی متوقف شود. البته در میان این دو گروه، طیف متنوعی از عقاید و باورهای دیگر را هم می‌توان یافت. مقاله حاضر فقط یکی از راه‌حل‌های مسأله را با ما درمیان می‌گذارد. شایسته است، آن را با دقت بخوانیم و درباره آن نیک ببندیشیم.

سید محمود صموتی

**ضرورت  
کیفیت بخشی  
و ساماندهی  
کتاب‌های آموزشی  
فنی و حرفه‌ای  
علوم تجربی و ریاضی**

بازار نشر کتاب‌های فنی و حرفه‌ای، ریاضی و علوم تجربی، بازار بسیار عجبی شده است. هر کتابی با هر محتوایی، به راحتی چاپ و منتشر می‌شود؛ گویا هیچ نهادی وجود ندارد که بر این مقوله نظارت کند. فرایند چاپ این گونه کتاب‌ها به ظاهر مشابه کتاب‌های ادبی، مذهبی، فلسفی، تاریخی، عرفانی و... است، اما این تشابه ظاهری است.

برای این که بتوانیم مسأله را دقیق‌تر بررسی کنیم، لازم است اشاره‌ای به مراحل انتشار کتاب داشته باشیم.

هنگامی که یک کتاب توسط مؤلف نوشته می‌شود، در اختیار ناشر قرار می‌گیرد و ناشر پس از بررسی اجمالی کتاب، درباره چاپ آن تصمیم می‌گیرد. البته ملاک‌های ناشران برای چاپ کتاب، متفاوت است. برخی با دیدگاه عمیق محتوایی به کتاب می‌نگرند و بسیاری به بازار و مسأله هزینه و فایده و کسب درآمد می‌اندیشند. هر دو کسب درآمد می‌کنند؛ یکی بیش‌تر و دیگری کم‌تر.

کتاب‌های علوم تجربی، ریاضی، و فنی، غالباً از لحاظ محتوایی بررسی نمی‌شوند و ناشر با توجه به نیاز بازار و میزان فروش و دور نماندن از رقبا، با مسؤولیت مؤلف کتاب را چاپ می‌کند.

بعد از این که ناشر مصمم به چاپ کتاب شد، با مؤلف قرار داد می‌بندد. سپس نوبت به مرحله حروفچینی، ترسیم تصویر و صفحه‌آرایی می‌رسد. پس از این مرحله، نسخه‌نهایی کتاب برای چاپ آماده می‌شود. از این به بعد، ناشر باید از نظارداری برای کسب مجوز، مسیرهای خانه کتاب، کتابخانه ملی و اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را طی کند.

خانه کتاب و کتابخانه ملی تقریباً به محتوای کتاب هیچ کاری ندارند. آن‌ها فقط برای شابک که همان شماره استاندارد بین‌المللی کتاب است و نیز برای شناسنامه کتاب طبق ضوابط موجود اقدام می‌کنند. پس از دریافت شابک، ناشر نسخه‌ای از کتاب را به «اداره نشر کتاب» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌فرستد. این اداره به حق در ارتباط با کتاب‌های ادبی، فلسفی، تاریخی، معارف و علوم قرآنی وظیفه بسیار مشکل‌تری به عهده دارد. زیرا باید محتوای هر کتاب را به طور دقیق مطالعه کند و در صورت مناسب بودن آن، با توجه به فرهنگ جامعه و قوانین کشور، به آن مجوز انتشار بدهد. به همین دلیل، این نوع کتاب‌ها غالباً مدت بیش‌تری را برای دریافت مجوز درانتظار می‌مانند.

اما نقش «اداره کتاب» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مورد کتاب‌های علوم ریاضی، تجربی، فنی و حرفه‌ای و کاردانش و کتاب‌های مشابهی که جنبه تخصصی دارند، به این خلاصه می‌شود که تصویر نا متعارفی در کتاب وجود نداشته باشد یا جملات کتاب با عرف جامعه و قوانین منطبق باشند. متأسفانه این نهاد به هیچ وجه محتوای کتاب را به طور جدی بررسی نمی‌کند و هیچ نهاد دیگری نیز وجود ندارد که به لحاظ محتوایی کتاب‌های تخصصی را بررسی کند. بنابراین، این گونه کتاب‌ها نسبت به کتاب‌های اجتماعی، بسیار سریع‌تر مجوز انتشار می‌گیرند.

این مسأله باعث شده است که کیفیت این قبیل کتاب‌ها تا حد بسیار نازلی پائین بیاید و حتی کار به جایی برسد که ناشری با کپی کردن از سایر منابع موجود و فقط به خاطر تمديد مجوز

فعالیت، کتاب‌هایی را به چاپ برساند که هیچ گونه بهره‌ای به جامعه نمی‌رسانند.

سؤال این است که چرا باید چنین باشد؟ این آشفته بازار چاپ کتاب‌های تست، کنکور و کمک آموزشی مربوط به رشته‌های علوم تجربی، ریاضی، فنی و حرفه‌ای، و... تا چه زمانی تداوم خواهد داشت؟

## این آشفته بازار چاپ کتاب‌های تست، کنکور و کمک آموزشی مربوط به رشته‌های علوم تجربی، ریاضی، فنی و حرفه‌ای، و... تا چه زمانی تداوم خواهد داشت؟

آیا تا به حال به این نکته اندیشیده شده است که برای خرید کاغذ چه میزان ارز به هدر می‌رود؟ چه تعداد درخت از عرصه گیتی حذف می‌شود و چه آسیب‌هایی به محیط زیست می‌رسد؟ آیا چاپ کتاب‌های بی‌محتوا می‌تواند سرمایه‌گذاری مناسبی برای ارتقای علمی و فرهنگی جامعه باشد؟

همه ساله مسؤلان محترم درگزارش‌ها فقط به تیراژ کتاب‌ها و تعداد عنوان‌ها اشاره می‌کنند و محتوا غالباً به بوته فراموشی سپرده می‌شود. هیچ مرجعی وجود ندارد که بررسی کند، چرا این کتاب‌ها با این محتوای غلط یا نازل و کیفیت نامطلوب و قیمت بالا چاپ شده‌اند؟ نیاز بازار، تبلیغات غلط و عدم اطلاع مصرف‌کننده از کم و کیف محتوای کتاب‌های کنکور و کمک آموزشی تخصصی، باعث شده است، هر نوع رسانه

مکتوبی با هر محتوایی، جذب بازار شود. البته کتاب‌های خوب و پر محتوایی نیز با کیفیت بالا چاپ می‌شوند که تعداد آن‌ها بسیار اندک است و با عنوان‌ها و تیراژ بالای کتاب‌های چاپ شده، قابل مقایسه نیستند. این کتاب‌های محدود نیز دچار بازار مافیایی توزیع کتاب می‌شوند و همواره ناشر را با ضرر و زیان مواجه می‌کنند. نکته بسیار تأسف آور این است که اگر یک ناشر بخواهد کتاب خود را خارج از شبکه توزیع مافیایی کتاب توزیع کند، نمی‌تواند حتی ۱۰ نسخه از کتاب خود را به فروش برساند.

لازم به ذکر است، پدیده نیاز بیش از حد و عدم اطلاع کافی مصرف‌کننده کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، بسیار شدیدتر است و این کتاب‌ها بیش‌تر در معرض آسیب قرار دارند.

شیوه استفاده از منابع موجود، از طرف مؤلفان تازه کار بسیار رواج دارد. البته منبع را ذکر می‌کنند، ولی آیا تنها ذکر نام منبع کافی است؟ آیا هنگامی که بازار کتاب تشنه است، هر کسی باید قلم به دست بگیرد و با برداشت‌های ناقص از کتاب‌های موجود و قلم ناشیوای خود، کتابی را به بازار تحویل دهد که به هیچ وجه قابل استفاده نیست؟ این آشفته‌گی‌ها در کتاب‌های کمک آموزشی، کنکور، کتاب‌های فنی و حرفه‌ای، کاردانش و... بیش‌تر وجود دارند؛ البته با کمی تفاوت از نظر شدت و ضعف. نبود مؤلف کارآمد و صاحب‌قلم نیز از معضلات آشکار این پدیده ناخوشایند است.

و اما راه حل: همواره جامعه از منتقدان انتقاد می‌کند که چرا یک نقاد فقط نقاط ضعف را می‌بیند و به نقاط مثبت توجه نمی‌کند.

از آن مهم‌تر، چرا در ارتباط با نقد خود راه حل ارائه نمی‌دهد. برای این که این مقاله به دور



از این پرسش باشد، ببینیم چگونه می‌توانیم این معضل را از پیش پا برداریم و نشر کتاب‌های تخصصی را سرو سامان دهیم.

قبلاً اشاره کردیم، سازمان نهادی وجود ندارد که ناظر بر محتوای این گونه کتاب‌ها باشد. آیا باید به فکر ایجاد تشکیلات و سازمان‌های جدید باشیم و بدنه اداری وزارت ارشاد را متورم‌تر کنیم؟ چنین طریقی نه تنها کار ساز نیست، بلکه معمولاً باعث سد کردن مسأله نشر می‌شود. پس چه باید کرد؟

متأسفانه در سال‌های اخیر، مشارکت بین سازمان‌ها مشاهده نمی‌شود؛ سازمان‌های گوناگونی که متولی امور متفاوتی هستند و در راستای هم قرار دارند. به عنوان مثال، همه می‌گویند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید محتوای تمام کتاب‌ها را بررسی و تأیید کند. با این حجم زیاد کتاب و نیروی انسانی محدود موجود در این وزارتخانه، اجرای این امر محال است. سایر وزارتخانه‌ها نیز باید مشارکت کنند. وزارتخانه‌های علوم و تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش و فرهنگ و ارشاد اسلامی، به منزله سه رأس مثلثی هستند که اگر دست به دست هم بدهند، می‌توانند این معضل را حل کنند.

اگر برای هر کتاب کمیسیونی متناسب با تخصص مربوطه تشکیل شود، این مشکل حل خواهد شد. اعضای اصلی این کمیسیون می‌توانند دو نفر باشند: یک کارشناس از وزارت ارشاد و یک کارشناس از وزارت آموزش و پرورش یا وزارت علوم، متناسب با سطح کتاب. اعضای مدعو کمیسیون هم می‌توانند سه نفر باشند که به صورت مدعو متناسب با محتوای کتاب، در جلسه حضور می‌یابند.

چنین کمیسیون‌هایی، بازوی اصلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در نشر کتاب‌های تخصصی تشکیل می‌دهند. مطالعه کتاب‌ها توسط اعضای متخصص و خارج از جلسه صورت می‌گیرد. جلسات نیز متناسب با نوع کتاب، به صورت موردی تشکیل می‌شوند. مسؤلیت تأیید محتوایی کتاب به عهده کمیسیون مربوطه است. کتاب‌های دریافتی در چهار سطح مردود، قابل قبول با اصلاحات کلی، قابل قبول با اصلاحات جزئی و قابل قبول، ارزیابی می‌شوند. البته برای ارزشیابی کتاب باید آئین نامه و فرم‌های خاصی تدوین شود تا از اتلاف انرژی و زمان، جلوگیری به عمل آید.

علاوه بر موارد فوق، باید ترتیبی اتخاذ شود که کتاب‌های تخصصی توسط گروه مؤلف به صورت تیمی تألیف شود. همچنین برای این کتاب‌ها ویراستار فنی و ادبی نیز در نظر گرفته شود.

در مقابل ایجاد این نوع محدودیت‌ها، لازم است امنیت سرمایه‌گذاری نیز ایجاد شود. یکی از راه‌های این کار، تضمین خرید کتاب توسط کتابخانه‌ها و مؤسسات مختلف، به خصوص در مورد کتاب‌های کم مخاطب و تخصصی است. اگر وزارت ارشاد برای کتابخانه‌های خود به خرید کتاب‌های پر محتوا و مطلوب اقدام کند، نشر این گونه کتاب‌ها توسعه می‌یابد و زمینه ایجاد رقابت نیز فراهم می‌شود. برگزاری جشنواره‌ها و تشویق مؤلفان و ناشران نیز به این امر کمک می‌کند.

#### زیرنویس

۱. شابک همان:

international standard book number (ISBN)

است.



**در دنیا لذتی نیست  
که با لذت مطالعه برابری کند.**

تولستوی

## روش شناسی در مطالعه

سید اسماعیل طاهری

### اشاره:

در عصری که بسر می‌بریم با همه ارتباطات و اطلاع‌رسانی قوی که وجود دارد، خواندن و مطالعه کردن جایگاه ویژه‌ای دارد. هرکسی در هر شغل و مقامی لازم دارد، بخشی از اوقات خود را صرف مطالعه کردن نماید. مطالعه می‌تواند از روزنامه یا مجلات باشد یا کتاب‌های علمی و فنی و یا کتاب‌های قصه و داستان و ...

«مطالعه، امری که موجب می‌شود فکر بدون کمک گرفتن از منبع خارجی، تنها با استفاده از توان خویش و با تمرکز روی نوشته‌ها، به آگاهی دست یابد و درک خود را از مرحله پائین‌تر، به مرحله بالاتر ارتقاء بخشد.»<sup>۱</sup> در این مقاله، نگارنده، ضمن برشمردن عادت مطالعه و نقش نظام آموزشی و خانواده در تقویت آن، به روش مطالعه در برنامه‌های آموزشی و درسی نیز اشاره کرده و در پایان خاطرنشان نموده که رعایت این اصول نه تنها از افت تحصیلی هزاران دانش‌آموز می‌کاهد بلکه باعث پیشرفت تحصیلی آنها می‌شود.

عامه مردم بر این باورند که «عادت به مطالعه» امری فطری است و بسیاری از کودکان به دلیل کنجکاوی و علاقه ذاتی، از همان ابتدا به سوی آن کشیده می شوند؛ در صورتی که گروهی دیگر، از آغاز دلبستگی چندانی به مطالعه ندارند. پژوهش های اخیر در بُعد تعلیم و تربیت، با استناد به تحقیقات انجام شده، ثابت کرده اند که «عادت به مطالعه امری ذاتی نیست، بلکه کاملاً اکتسابی است.»

همچنان که کودک خواندن و نوشتن و حساب کردن را فرامی گیرد، می تواند مطالعه کردن را هم یاد بگیرد. پس باید روش مطالعه کردن را به کودک آموخت و او را با آن عادت داد. با عنایت اعتقادی به این اصل، باید راه و روش ها و شیوه های ایجاد حال و هوای عادت به مطالعه را با توجه به موازین آموزش و پرورش بررسی کرد و پس از جست و جو و تحقیق لازم، بهترین الگوهای علمی را برای هر چه زودتر پیاده کردن آن در پیش گرفت.

بر اساس تحقیقات مدون، عادت به مطالعه امری اکتسابی است. در نتیجه این خصلت مانند دیگر الگوهای رفتاری، در روند رشد اجتماع گرایی کودک، امری مثبت و بدیهی است. با عنایت به اعتقاد پیشکسوتان علوم تربیتی، نخستین عامل مؤثر در ایجاد حال و هوای عادت به مطالعه، خانواده است.

اگر اولیای کودک عادت به مطالعه داشته باشند و کودک در لحظاتی که با آن ها می گذرانند، مشاهده کند، پدر و مادرش کتاب، مجله و روزنامه می خوانند و نیز ببیند که راجع به کتاب ها و نکته های خاصش بحث و گفت و گو می کنند، با توجه به ضمیر گرایی کودکانه اش، علایق

والدین را باورق زدن کتاب پی می گیرد و بسیار زود با کتاب انس و آشنایی پیدا می کند. در بدو امر، با در دست گرفتن کتاب و سپس با نگاه به کتاب های تصویری و دیدن و پیدا کردن اجزا و اشیای اطراف خود در کتاب های متفاوت، به کتاب دلبستگی پیدا می کند (همان مراحل بازشناسی)، و از آن پس، بی اختیار به سمت کتاب کشیده می شود.

این امر کم کم در او شکل عادت به خود می گیرد. برای مثال، از بازی کردن با کتاب خوشحال می شود و از تماشای آن لذت می برد. این دسته از کودکان که مراحل بنیادین و در عین حال اساس آشنایی با کتاب را در خانواده فرا می گیرند، در فضای مدرسه خیلی زود و بدون هیچ مشکل، به کتاب و کتابخوانی عادت می کنند و این خصلت در نهاد وجودی شان جایی می یابد و پایدار هم می شود.

## عادت به مطالعه امری ذاتی نیست،

### بلکه کاملاً اکتسابی است

ولی آیا می توان تصور کرد که در تمامی جوامع، خانواده می تواند در ایجاد عادت به مطالعه در کودکان نقش فعال داشته باشد؟ این تصور را می توان در مورد جوامعی که والدین کودکان، تحصیل کرده اند و اهل کتاب و مطالعه باشند، پذیرفت. ولی در جامعه های که بیش تر خانواده ها به مسأله خواندن توجهی ندارند و یا حتی سواد خواندن و نوشتن هم ندارند، نمی توان پذیرفت.

چگونه باید «حال و هوای عادت به مطالعه» را در کودکان ایجاد کرد؟ در چنین شرایطی، وظیفه مدرسه، شروع

سنگ بنای عمارتی است به نام عادت به مطالعه در دانش‌آموزان. شاید بعضی تصور کنند، عادت به مطالعه تنها یک امر سوری و نمایشی است و وظیفه‌ای برای مدرسه ایجاد نمی‌کند. در نتیجه، مدرسه ملزم نیست در برنامه‌ریزی‌های آموزشی خود به آن توجه کند. در این جاست که باید متعصبانه گفت، این برداشت، پنداردستی نیست و مدرسه مسؤول است که وظیفه ایجاد این عادت را به طور مستقیم و سیستماتیک برعهده بگیرد.

به عبارت دیگر، نظام آموزش و پرورش باید برنامه‌ریزی مدونی تحت عنوان: «روش مطالعه کردن» در برنامه‌های آموزشی خود بگشاید.

## وظیفهٔ مدرسه، شروع سنگ بنای عمارتی است به نام عادت به مطالعه در دانش‌آموزان

اگر این اصل را قبول داشته باشیم که نظام آموزش و پرورش در مقابل جامعه، مسؤولیت تعلیم و تربیت کودک را برعهده دارد تا بار فرهنگ را به نحوی مقتضی به او انتقال دهد، و بپذیریم که مطالعه یکی از راه‌های این تبادل علم و دانش است، آن وقت می‌پذیریم، یکی از نهادهای اجتماعی، موظف است که این مسؤولیت را به دوش بکشد. اما کدام نهاد؟ خانواده یا اجتماع؟ خانواده که نمی‌تواند؛ زیرا وظیفهٔ خانواده انتقال دانش و فرهنگ نیست، وانگهی خانواده آن قدر مسئله دارد که موضوع عادت به مطالعه، از لحاظ تخصصی بودن و ظرفیت خاص خود،

نمی‌تواند امری همه‌گیر شود. اجتماع هم که وظیفهٔ مشخصی در مورد کودکان ندارد. پس تنها مرجع موجه و مسلم، نظام آموزشی کشور است که پایه‌های اصلی آن در مدرسه کاشته شده‌اند. البته نه بر مبنای روش‌های کهنه و گذشتگان؛ تهیه یک گنجینه و چند جلد کتاب، فقط برای وانمود کردن این که ما هم کتابخانه داریم.

برای تغییر این رویه نادرست، لازم است که روش مطالعه مانند درس‌های دیگر، همچون علوم اجتماعی، به گونه‌ای جامع، در برنامه نظام آموزشی گنجانده شود.

اصول و روش مطالعه هیچ گونه پیوستگی، از نظر کُد گذاری، با دیگر درس‌ها ندارد، بلکه به همه این درس‌ها مربوط است. می‌توان بخشی از مباحث این درس‌ها را به عنوان مباحث مطالعه در درس روش مطالعه منظور کرد و به تدریس و تعلیم لازم پرداخت.

به عبارت دیگر، می‌توان برای اجرای درست برنامه‌های درسی، از درس روش مطالعه کمک گرفت تا بدین وسیله، یکی از مبادی فرار و افت تحصیلی (نمی‌دانم چگونه مطالعه کنم تا موفق شوم)، بسته شود. توجه به این اصول، عامل پیشرفت تحصیلی بیش از ۹۵ درصد کودکان در دوره دبستان (بارعایت روش مطالعه) خواهد شد و شاخ یکی از شاخه‌های افت تحصیلی، بدین ترتیب شکسته می‌شود. مسلماً در مراحل اجرا خواهیم دید، تا چه اندازه روش شناسی در مطالعه، شرایط اقتصادی و اجتماعی از بعد افت تحصیلی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

۱. مارتیمرجی. آدلرو چارلزون دورن. چگونه کتاب بخوانیم. ترجمه محمد صراف تهرانی.



برای نوشتن یک کتاب  
باید نیمی از یک کتابخانه ورق بخورد.  
ساموئل جانسون - نویسنده انگلیسی

سومین جشنواره کتاب‌های آموزشی دوره متوسطه  
حوزه‌های آموزشی عربی  
فلسفه و منطق و تعلیم و تربیت دینی

□ حوزه آموزش زبان عربی

زبان عربی برای ما ایرانیان، جایگاه و منزلت خاصی دارد؛ زیرا از همان سال‌های آغازین ورود اسلام به ایران، با عشق و دلدادگی، زبان عربی را زبان خویش تلقی کردیم و از هیچ کوششی در راه توسعه و رشد و ارتقای آن دریغ نورزیده‌ایم. سیبویه شیرازی، زمخشری خوارزمی، عبدالقاهر جرجانی، تفتازانی قوچانی و ده‌ها و صدها ادیب دانشمندی که از چهره‌های درخشان فرهنگ و ادب عربی به‌شمار می‌روند، برای خدمت به زبان الهی «قرآن» وارد میدان شدند و دقایق و ظرایف موجود در این زبان را در مقابل انظار صاحبان ذوق و فکر و قلم نهادند و توانایی‌ها و ظرایف موجود در این زبان را هرچه بیش‌تر و بیش‌تر عیان کردند.

بیانیه هیأت داوران

اکنون نیز نگاه به این زبان، نگاه به یک زبان بیگانه نیست. زبان عربی، زبان فرهنگ و دین و آیین ماست و تمام تلاش‌هایی که برای تعلیم و تعلم این زبان صورت می‌گیرد، در جهت بالندگی و رشد فرهنگ و آیینی است که از آن ماست. اگر دغدغه‌های هویتیابی آزارمان می‌دهد، اگر برای فردای میهن و مرز و بوم خود اهمیت قائلیم، اگر به استقلال فکری خویش پایبندیم و از تقلید و دنباله‌روی صرف و به دور از تعقل، نگران و بیزار، باید برای نمادهای فرهنگی خود ارزش قائل باشیم و این ارزشگذاری را در عمل و فعل نمایان کنیم.

زبان قرآن یکی از نمادهای فرهنگی ما ایرانیان است. وظیفه ما یادگیری این زبان و تلاش در جهت استفاده مستقیم از عبارات و متونی است که به این زبان نازل شده و نگارش یافته است. در کشور ما، به دلایل گوناگون، زبان عربی متناسب با رشد و ترقی روش‌های آموزش، پیشرفت نکرده است. نگاه آموزشی به این زبان در یک چارچوب یک‌سویه و تک‌بعدی صورت می‌گیرد و نگاه معلمان و متعلمان نسبت به آن به گونه‌ای است که گویی تنها یک راه برای یادگیری این زبان وجود دارد و آن، همان آموزش و علم قواعد، آن هم به شکل سنتی و آمیخته با مسائل و نکات غیرکاربردی است.

برای ایجاد تغییرات اساسی در نحوه نگرش مخاطبان نسبت به زبان قرآن، باید چاره‌اندیشی کرد. ما دست نیاز خود را به سوی همه نویسندگان و اصحاب قلم دراز می‌کنیم و از آنان برای رفع این نقیصه مدد می‌جوئیم. ناشران نیز در این راه، بازوان پرتوان اصحاب قلمند.

مهم‌ترین عرصه‌هایی که می‌توان، برای آموزش زبان عربی محصولات فرهنگی ارزشمندی تولید کرد، مخاطبان را برانگیخت و نیاز فرهنگی آنان را تأمین کرد، عبارتند از:

۱. کتاب‌های فرهنگ لغت در سطوح متفاوت،
  ۲. آموزش ترجمه متون از عربی به فارسی،
  ۳. آموزش قواعد کاربردی به سبک جدید،
  ۴. متن خوانی،
  ۵. کتاب‌های کار و تمرین دانش آموز،
  ۶. کتاب‌های سنجش و ارزشیابی مطابق با اصول استاندارد،
  ۷. کتاب‌های آموزش مکالمه و گفت‌وگو در سطوح گوناگون،
  ۸. کتاب‌های تکمیلی در جهت عمق بخشیدن به مهارت‌های آموزشی،
  ۹. کتاب‌های دانش‌افزایی و روشی برای معلمان،
  ۱۰. تهیه نوارهای کاست و ویدیویی و لوح فشرده برای آموزش زبان عربی در سطوح گوناگون.
- رویکردی که در تمام این مقوله‌ها باید بدان توجه کرد، بهره‌گیری از روش‌های جدید، جذابیت در محتوا و تسهیل در آموزش است. با چنین نگرشی می‌توان به مفید بودن محصولات فرهنگی منتشر شده امید داشت و بدیهی است که این نوع محصولات فرهنگی، مورد حمایت وزارت آموزش و پرورش و دفاتر ذی‌ربط قرار خواهد گرفت.

اما نحوه بررسی کتاب‌های این دوره جشنواره:

از مجموع ۵۵ جلد کتابی که ناشران برای جشنواره ارسال داشتند، ۱۸ جلد به مرحله دوم راه پیدا کرد. ملاک راهیابی به مرحله دوم، داشتن حداقل امتیاز «فایده بخشی» به مخاطب بود. کتاب‌هایی که در آن‌ها به ترجمه و حل سؤالات کتاب‌های درسی مبادرت ورزیده بودند یا مربوط به توضیح و تشریح کتاب‌های سال‌های قبل بودند، در مرحله اول کنار گذاشته شدند.

در حوزه درس عربی ۸ نوع کتاب یا رشته پیش‌بینی شد و کتاب‌ها در این ۸ حوزه بررسی گردیدند. این حوزه‌ها عبارتند از:

۱. کتاب‌های تکمیلی در جهت دانش‌افزایی دانش‌آموزان؛
۲. کتاب دانش‌افزایی، مهارتی، روشی برای معلمان؛
۳. کتاب‌های کار و تمرین دانش‌آموز؛
۴. فرهنگ لغات؛
۵. کتاب آموزش قواعد زبان عربی با شیوه نو؛
۶. کتاب آموزش ترجمه و تعریب؛
۷. کتاب سنجش و ارزشیابی تحصیلی؛
۸. کتاب آموزش مکالمه و گفت‌وگو.

متأسفانه در میان کتاب‌هایی که برای داوری به جشنواره ارسال شده بود، ردیابی از بسیاری موضوعات مفید یافت نشد. دریغ از کتابی در مورد ترجمه، مکالمه، متن‌خوانی و... اغلب کتاب‌های ارسال شده در زمینه تست و تشریح و تبیین کتاب‌های درسی بودند. امیدواریم در سال‌های آتی، این کمبود رفع شود و به همت والای صاحبان ذوق و فکر و اندیشه و مساعدت ناشران متعهد و دلسوز، به این نیاز فرهنگی پاسخ مثبت داده شود. در پایان، داوران تصمیم گرفتند در قسمت کتاب‌های لغت یک کتاب را در حکم کتاب برگزیده و یک کتاب را برای تقدیر معرفی کنند. در قسمت «قواعد» نیز تنها یک کتاب برگزیده شد و برای «کتاب دانش‌افزایی و روش معلمان» نیز یک کتاب جهت تقدیر انتخاب شد.

## □ حوزه آموزش منطق و فلسفه

۱. بررسی تاریخ اندیشه‌های فلسفی و منطقی در اسلام و ایران، بیانگر آن است که گرچه این اندیشه‌ها از نحله‌های فکری پیش از خود بهره گرفته‌اند، در دامن تعالیم عمیق و گسترده اسلامی، پرورش و غنا یافته و به شکوه و اوج ستودنی خود رسیده‌اند.

این میراث غنی عقلی، در دوره‌های بعد، به شکل جریان‌های فکری «فلسفه مشاء»، «فلسفه اشراق» و «حکمت متعالیه» بروز کرد و از نسلی به نسل دیگر و از قرنی به قرن دیگر ادامه یافت. اما متأسفانه نسل جوان امروز، به سبب کم‌کاری‌های فرهنگی و آموزشی، در شناخت این میراث گرانبها و ماندگار ضعیف و ناتوان است.

۲. یکی از هدف‌های متعالی آموزش و پرورش، «تقویت جنبه‌های رشد منطقی، عقلی و شناختی دانش‌آموزان» است تا از این رهگذر، مهارت‌هایی مانند خلاقیت، افکار انتزاعی، پرسش‌های عقلانی



- منطقی و روش حل مسأله را برای رویارویی با معضلات زندگی خود بیاموزند .  
واقعیت این است که در اشاعهٔ این موضوع، در ساختار کلی کتاب‌های درسی در دوره‌های متفاوت تحصیلی، کاستی‌هایی دیده می‌شود. به این سبب، برنامه‌ریزان و نویسندگان کتاب‌های درسی را به تأمل و تفکر جدی‌تر فرامی‌خوانیم.

این حساسیت، در حوزه کتاب‌های درسی فلسفه و منطق، بیش از سایر درس‌هاست. بدیهی است در فرایند تولید «برنامهٔ درسی»، در نخستین گام، مؤلفه کتاب‌های درسی مطرح است و مبدأ و منبع اولیه هرگونه برنامه‌ریزی و اقدام برای تولید مواد آموزشی و کمک آموزشی به شمار می‌رود. بنابراین در تألیف و چاپ کتاب‌های درسی، رعایت معیارهای کیفی تولید کتاب، به ویژه در مرحله «تولید فرهنگی» (صحت و مستند بودن

## هیأت داوران عقیده دارند تعداد محدود کتاب‌های رسیده به جشنواره در حوزه فلسفه و منطق خود، گواه کم‌توجهی عناصر فرهنگی و آموزشی کشور به این مقوله است

علمی اطلاعات متن، زبان و بیان روان و سالم، تناسب متن با نیازهای مخاطب، ساختار محکم و استفاده از روش‌های علمی روزآمد، توجه به خلاقیت و فعالیت ذهنی مخاطب و... لازم و حیاتی است.

۳. هیأت داوران عقیده دارند که تعداد محدود کتاب‌های رسیده به جشنواره در حوزه فلسفه و منطق، خود گواه کم‌توجهی عناصر فرهنگی و آموزشی کشور به این مقوله است. در این زمینه، موارد زیر قابل تأملند:

الف) بیش‌تر آثار تألیفی به شکل کتاب‌های تست و اصطلاحاً «کنکوری» و یا در نهایت، رونویسی و تلخیص متون کتاب‌های درسی است. این آثار فاقد رویکرد پژوهشی و جنبه‌های غنی آموزشی و یادگیری است و شیوهٔ فعال یادگیری و خلاقیت ذهنی در آن‌ها به کار گرفته نشده است.

ب) تمام آثاری که به «مرحله دوم» داوری رسیده‌اند، «ترجمه»‌اند. بنابراین، لازم است پدیدآورندگان و ناشران ایرانی توجه بیش‌تری به این حوزهٔ آموزشی داشته باشند.

پ) با توجه به پیشینهٔ غنی میراث عقلی اسلام و ایران و روحیهٔ جست‌وجوگری نسل جوان معاصر، شایسته است ناشران و نویسندگان با رعایت مقتضیات و نیازهای امروز، بهره‌مندی از اندیشه‌های خلاق و بکر، رعایت اصول روان‌شناختی و زیبایی‌شناختی قواعد فنی و هنری تولید کتاب و الگوهای پیشرفتهٔ برنامهٔ درسی، در مسیر تولید کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی مفید و جذاب در حوزه فلسفه و منطق گام بردارند.

ت) سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی موظف است در گام نخست، «برنامهٔ درسی مدون فلسفه و منطق» را، که شامل نیازهای آموزش و پرورش و استانداردهای تولید کتاب‌های کمک آموزشی مرتبط با این برنامهٔ درسی است، اعلام کند.

ث) آثار برگزیده و «تقدیری» در این حوزه، با وجود کسب امتیازهای نسبتاً خوب از نظر معیارهای داوری، از نظر «پشتیبانی از برنامه‌درسی و ارتباط با موضوعات کتاب درسی» در حد متوسط هستند.

## □ حوزه آموزش تعلیم و تربیت دینی

اولین نیاز دانش‌آموزان جامعه ما در این عصر، دستیابی به کتاب‌هایی است که عطش آنان را از جنبه‌های گوناگون تعلیمی و تربیتی برطرف کند. در این شرایط فرهنگی و اجتماعی، اهتمام نهادهای فرهنگی و شخصیت‌های برجسته علمی در عرصه تعلیم و تربیت دینی، باید تولید کتاب‌های مفید و متناسب با این نیاز باشد. شناخت دقیق نیازها و مسأله‌ها، همدلی با جوانان و نوجوانان، برخورداری از قوت علمی و دوری از سطحی‌نگری و طرح موضوعات دینی از نگاه و منظری نو، از جمله اصولی هستند که در تولید این کتاب‌ها باید مراعات شوند. با این‌که هم‌اکنون بخش قابل توجهی از آمار کتاب‌های چاپ‌شده مربوط به کتاب‌های تعلیمی و تربیت و معارف دینی است، اما بیش‌تر این تولیدات، مبتنی بر اصول و رویکردهای مناسب و پاسخگوی نیازهای واقعی جوان و نوجوان نیستند. هیأت‌داوران حوزه تعلیم و تربیت دینی امیدوار است که با مراعات اصول علمی و توجه به نیازهای اساسی مخاطب، در جهت بازسازی کتاب‌های دینی قدم‌هایی اصولی برداشته شود؛ چنان‌که بارقه‌هایی از این امید در آثاری که برای جشنواره ارسال شده بودند، مشاهده گردید. هیأت‌داوران این حوزه، پس از بررسی ابتدایی کتاب‌ها و با توجه به تنوع گسترده آن‌ها تصمیم گرفت، این حوزه را به هشت بخش تخصصی تقسیم کند و کتاب‌ها را در بخش مناسب خود قرار دهد و با کتاب‌های مشابه خود مقایسه و ارزیابی کند. این بخش‌ها عبارتند از:

۱. علوم قرآنی؛
۲. مسائل اعتقادی و کلامی؛
۳. اخلاق، احکام و عبادات؛
۴. تاریخ و سیره معصومین (ع)؛
۵. زندگی شخصیت‌های دینی معاصر؛
۶. تعلیم و تربیت؛
۷. ادبیات مذهبی؛
۸. کتاب‌های تمرین و کار دانش‌آموز.

با این‌که کتاب‌های رسیده به این حوزه، نسبت به سایر حوزه‌های جشنواره بیش‌تر بود، اما به نظر می‌رسد که برخی از ناشران و مؤلفان به دلایل متفاوت در جشنواره شرکت نکرده بودند. ممکن است علت عدم استقبال این دسته از ناشران و مؤلفان آن باشد که تصور و برداشت دقیقی از معیارهای کتاب‌های قابل ارائه در این حوزه نداشتند. شاید تصور می‌کردند، کتاب‌های کمک‌آموزشی در حوزه دین، همان کتاب‌های تست و نظایر آن‌ها هستند. درحالی‌که اگر کتابی در یکی از آن حوزه‌های

هشتگانه تألیف شده باشد و ویژگی‌های معینی را داشته باشد، قابل عرضه در جشنواره است. یک ویژگی اصلی، مرتبط بودن عنوان و محتوای تألیفی با یکی از موضوعات کتاب درسی است؛ به گونه‌ای که دانش‌آموز با خواندن کتاب اطلاعاتش نسبت به موضوع بیش‌تر و دانش وی عمیق‌تر شود و اگر سؤالاتی، پیرامون موضوع برایش مطرح است، پاسخ داده شوند. در واقع با چنین کتابی، فرصت تحقیق و پژوهش برای دانش‌آموز فراهم گردد.

در میان کتاب‌های دریافت شده، نقطه قوت مربوط به بخش ادبیات مذهبی بود که آثار برجسته و قابل توجهی در این بخش عرضه شده بودند. در این بخش می‌توانیم از نویسندگانی نام ببریم که توانسته‌اند، آثار باارزشی خلق و به جامعه جوان عرضه کنند. گرچه هنوز تا خلق آثار بزرگ ادبی در این زمینه که بتواند با آثار مطرح در دنیا رقابت کند، فاصله داریم.

اما در بخش‌های دیگر، از جمله بخش اصول اعتقادات و کلام، سیره معصومین (ع) و اخلاق، کم‌تر اثری وجود دارد که به زبان مخاطب و در عین حال، علمی و متقن تألیف شده باشد.

هیأت‌دوران این حوزه، متخصصان تعلیم و تربیت دینی، به خصوص استادان و نویسندگان حوزه‌های علمیه را دعوت می‌کند که به این نیازهای اساسی جامعه جوان پاسخ دهند. از بزرگوارانی که مسؤلیت بیش‌تری در هدایت و تعلیم و تربیت جامعه برعهده دارند، انتظار می‌رود پیش از هر چیزی، توجه کنند که آماده کردن غذای فکری و اخلاقی نسلی که او را به انواع و اقسام غذاهای شیرین و لذیذ فرامی‌خوانند، اولی‌ترین و مهم‌ترین وظیفه آنان است. شایسته است که بخش مهمی از تحقیق و تدریس و تألیف، برای چنین هدفی صرف شود. البته این آثار باید بر معیارهای دقیقی مبتنی باشند که مؤلفان محترم با آگاهی و روشن بینی تدوین و آن‌ها را در آثار خود مراعات کرده‌اند. برخی از معیارهایی که هیأت‌دوران پیشنهاد می‌کند، به قرار زیر هستند:

۱. شناخت و ویژگی‌های مخاطب و نحوه هم‌زمانی با او؛
۲. توجه به نیازهای جدی و فوری نوجوانان و جوان؛
۳. گزینش موضوعات جذاب و طرح جذاب‌تر آن‌ها؛
۴. سازماندهی و طراحی مناسب محتوا برای ایجاد انگیزه و کشش در مخاطب؛
۵. نگارش ساده و بدون تکلف متن؛
۶. اتقان و استحکام علمی محتوای طرح شده؛
۷. طراحی هنری متناسب با ذوق جوان و نوجوان؛
۸. ایجاد زمینه تحقیق، تأمل و گفت‌وگو برای مخاطب.

**در میان کتاب‌های دریافت شده، نقطه<sup>۵</sup> قوت مربوط به بخش ادبیات مذهبی بود که آثار برجسته و قابل توجهی در این بخش عرضه شده بودند**

# نظرخواهی از خوانندگان

## فصل نامه سامان بخشی کتاب های آموزشی «جوانه»

اطلاع و آگاهی از نقطه نظرهای خوانندگان عزیز، بی شک کیفیت فصل نامه را بهبود می بخشد. از این رو، خواهشمند است با پاسخ به پرسش های زیر و ارسال این برگه به دفتر نشریه، دست اندرکاران انتشار آن را یاری فرمایید.

۱. چگونه از انتشار فصل نامه آگاه شدید؟

۲. آیا به موقع به دست شما می رسد؟  بلی  خیر

۳. شماره هایی از آن را که تا کنون دریافت داشته اید، مشخص کنید.

شماره اول  دوم  سوم  چهارم  پنجم

۴. آیا از نحوه توزیع و دریافت فصل نامه راضی هستید؟

بلی  نسبتاً  خیر

۵. چند نمونه از آموزنده ترین مقاله هایی را که در «جوانه» خوانده اید، به ترتیب اولویت نام ببرید.

الف:

ب:

ج:

د:

هـ:

۶. نظر خود را در مورد کیفیت فصل نامه با گذاشتن علامت در جدول مشخص کنید.

ملاحظات	خیلی ضعیف	ضعیف	متوسط	خوب	بسیار خوب	موارد
						کیفیت محتوا
						تقسیم بندی مطالب
						تنوع مطالب و تازگی موضوعات
						ویرایش
						طرح روی جلد
						عکس ها
						شیوه چاپ مطالب
						سایر موارد

۷. به نظر شما فصل نامه باید به چه موضوعاتی بیش تر بپردازد؟

الف:

ب:

ج:

د:

۸. در کدام زمینه های زیر علاقمند به همکاری با فصل نامه هستید؟

نگارش مقاله و یادداشت  تبیین دیدگاه های حوزه تولید کتاب آموزشی

نقل تجربه نویسندگان آموزشی  سایر با ذکر مورد ...

۹. آیا برای زمینه فعالیت شما مناسب است؟

بلی  نسبتاً  خیر

لطفاً توضیح دهید:

۱۰. در حوزه کاری، علاوه بر شما چه کسانی «جوانه» را مطالعه می کنند؟

۱۱. نظرها، پیشنهادها و انتقادهای خود را بنویسید.

۱۲. مشخصات خود را بنویسید.

سن: جنس: مرد  زن  میزان تحصیلات:

زمینه فعالیت: سابقه فعالیت (به سال): منطقه یا سازمان:

استان: شهرستان:

۱۳. آیا مایلید نشریه به صورت اشتراک برای شما ارسال شود؟

بلی  خیر

۱۴. در صورت تمایل به همکاری، نام و نشانی و شماره تلفن خود را ذکر کنید.

نشانی دفتر نشریه: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ وزارت آموزش و پرورش، پلاک

۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی، دبیرخانه سامان بخشی کتاب های آموزشی - فصل نامه جوانه.

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

تلفن: ۸۳۰۶۰۷۱

پست الکترونیکی: info@samanketab.com

آدرس اینترنتی: www.samanketab.com

فصل نامه آموزشی تحلیلی پژوهشی « جوانه » از کلیه صاحب نظران، نویسندگان و پدید آورندگان کتاب های آموزشی و اندیشمندان علاقه مند به مباحث تولید کتاب های آموزشی دعوت می کند، مقالات و یادداشت های خود را با توجه به راهنمای تهیه مقاله تحت موضوعات زیر، برای دبیرخانه سامان بخشی کتاب های آموزشی ارسال دارند:

۱. مطالعات تطبیقی (تجربیات سایر کشورها در تولید کتاب های آموزشی)
۲. کاربرد انواع فناوری اطلاعات و ارتباطات در تولید کتاب های آموزشی
۳. تبیین ویژگی ها و استانداردهای کتاب های آموزشی
۴. معرفی توصیفی کتاب های آموزشی مناسب و برتر
۵. معرفی نشریات، منابع علمی و بانک اطلاعات کتاب های آموزشی داخل و خارج از کشور
۶. آسیب شناسی تولید کتاب های آموزشی مناسب
۷. نیازسنجی آموزشی
۸. مخاطب شناسی
۹. معرفی طرح سامان بخشی کتاب های آموزشی و مؤسسه های انتشاراتی موفق
۱۰. تبیین روش های نوین خودیادگیری و خودارزشیابی
۱۱. مدیریت و مشارکت در تولید کتاب های آموزشی
۱۲. تبیین راهبردهای برنامه ریزی، تولید و ارزشیابی کتاب های آموزشی
۱۳. دورنما و چشم اندازهای آینده تولید کتاب های آموزشی
۱۴. تبیین اصول، رویکردها، اهداف نوین حاکم بر تولید کتاب های آموزشی مناسب

## فراخوان ارسال مقاله و یادداشت



